

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مفصلکتاب

بازار سنت و آیین

چکیده پایان نامه
دانشجویان خارجی (غیر ایرانی)
دانشگاه مفید

گردآوری: دفتر فرهنگی دانشگاه مفید - علی خوانساری
مترجم: زینب صباغیان

فهرست مطالب

مقدمه / ۱۱

بخش اول: چکیده‌های فارسی / ۱۳

- ۱۵ وضعیت افغانستان / صدیقه شریفی
حق کودکان در برخورداری از کمک‌های بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه با تاکید بر
۱۷ جریان چپ‌گرا و ناکامی دموکراسی در افغانستان / سید مهدی سرباز
۱۹ عدالت انتقالی در حقوق بین‌الملل بشر تا تاکید بر وضعیت افغانستان / رضا غلامحسینی
۲۱ رویکرد سیاست جنایی تقنینی افغانستان و ایران در قبال جرایم جنسی / محمد کمالی
بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی هند و پاکستان: با تاکید بر بحران امنیت در افغانستان
۲۲ [۲۰۰۱] دو هزار و یک [تاکنون / عنایت‌الله کاظمی
۲۴ تحلیل انتقادی دادرسی اساسی افغانستان / غلام‌رسول احسانی
کمک‌های خارجی و میزان تاثیر آن بر توسعه اقتصادی و امنیتی افغانستان از ۲۰۰۱ تاکنون
۲۶ / رمضان حیدری
بررسی عملکرد هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و حمایت از غیر
۲۸ نظامیان / روح‌الله جوادی
۳۰ ریشه‌های مذهبی حمایت آمریکا از اسرائیل / فائزه رحیمی
۳۲ کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان: ارزیابی ساختار و عملکرد / محمد تقی فیاض

- ۳۳ / بررسی موانع عدم شکل‌گیری و توسعه عدالت اجتماعی در افغانستان (از ۲۰۰۱ تا کنون) / محمد نبی غلامی
- عملکرد دولت وحدت ملی افغانستان (اشرف غنی) و شاخص‌های مشارکت سیاسی،
۳۵ پاسخگویی و حاکمیت قانون / زیبا رحیمی
- ۳۷ بررسی تطبیقی معاونت در جرم در حقوق جزای ایران و افغانستان / محسن حیدری
- ۳۹ امنیت و توسعه اقتصادی در افغانستان در دوره پسا طالبان / علی جواد دهقان
- ۴۱ همگرایی ایران و عراق و تاثیر آن بر سیاست‌های سازمان اوپک / محمد خلیل
- ۴۳ پیمان‌شانگهای و امنیت در افغانستان / محمد رضا رضایی
- ۴۵ جایگاه عراق در طرح خاورمیانه بزرگ تر آمریکا و تاثیر آن بر مناسبات با عربستان / علی الفیاض
- ۴۶ حضور ناتو در افغانستان چالشها و فرصتها در روابط با پاکستان / محمد مهدی باقری
- ۴۸ چالش‌های امنیت انرژی در افغانستان (با تاکید بر بنیادگرایی) / محمدرضا اکبری
- ۵۰ حق بر آموزش مهاجرین افغانستانی در ایران با تاکید بر نقش یونسکو / مهدی یوسفی
- ۵۲ تحولات مصر و جایگاه اسرائیل / عباس افضلی
- ۵۴ رابطه پاکستان و افغانستان و تاثیر آن بر امنیت هند از سال ۲۰۰۱ م تا کنون / علیرضا رمضانی
- ۵۶ / بررسی اندیشه و مواضع سیاسی و اجتماعی شهید عبدالعلی مزاری: چالشها و موانع پیش‌رو / سید محمد علی هاشمی
- چالش‌ها و راهکارهای سرمایه‌گذاری خارجی در افغانستان با تکیه بر مقررات WTO /
۵۸ حسین خدابخش
- ۶۰ / بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی بوش و اوباما در افغانستان (از ۲۰۰۱ تا کنون) / سید محمد حسینی
- ۶۱ / بررسی وجوه اشتراک و افتراق سیاست خارجی ایران و پاکستان نسبت به امنیت افغانستان در دولت آقای کرزی / سیف‌الله لعل محمدی
- ۶۳ / رسانه و انتخابات ریاست جمهوری افغانستان ۱۳۹۳ - ۲۰۱۴ (بررسی تاثیر در شبکه تلویزیون طلوع و تمدن در انتخابات) / نعمت‌الله اخلاقی

- حقوق حاکم بر ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس با تأکید بر ابعاد زیست محیطی /
 سید روح الله اخلاقی ۶۵
- اخوان المسلمین جدید و دموکراسی / ابراهیم الرفاعی ۶۷
- نقش پاکستان در ایجاد ناامنی در افغانستان (۲۰۱۳ - ۱۹۹۲) / گل احمد احمدی ۶۹
- اصلاحات امانی (امان الله خان شاه افغانستان ۱۳۰۷ - ۱۲۹۷ ش. / ۱۹۲۹ - ۱۹۱۹ م.) و
 عوامل ناکامی آن / محمد ناصر میرزایی ۷۱
- ناتو و ایجاد امنیت در افغانستان (۲۰۱۳ - ۲۰۰۱) / علی سعیدی ۷۳
- حقوق اقلیت ها در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق افغانستان / عبدالواحد فیضی ۷۵
- نقش یونسکو در توسعه آموزش با تأکید بر افغانستان / حسین مجیدی ۷۷
- صلح سازی و حقوق اقلیت ها با تأکید بر افغانستان / محمدعلی اخلاصی ۷۹
- تبعیض جنسیتی در افغانستان؛ زمینه ها و راهکارهای رفع آن / مختار حسین حیدری ۸۰
- دموکراسی تسهیمی؛ الگوی همزیستی مسالمت آمیز قومی، بر مورد افغانستان /
 غلام سخی احسانی ۸۲
- همگرایی کشورهای راه ابریشم (ازبکستان، افغانستان و تاجیکستان) / غلام سخی جوادی ۸۴
- بررسی تطبیقی حقوق ملت در قوانین اساسی جمهوری اسلامی و عراق جدید /
 محسن ابراهیمی ۸۶
- تعهدات افغانستان در برابر اقلیتها در نظام بین المللی حقوق بشر و حقوق افغانستان /
 مصطفی احسانی ۸۸
- فرصتها و محدودیتهای مشارکت سیاسی شیعیان در افغانستان معاصر / محمدشریف محمدی ۹۰
- مبانی فکری و زمینه های اجتماعی - سیاسی شکل گیری سازمان القاعده / محمدامین حیدری ۹۳
- موانع همگرایی در کشورهای فارسی زبان / اسدالله زائری ۹۵
- گفتمان دموکراسی و مشروعیت سیاسی در افغانستان پسا طالبان / محمد قیوم عرفانی ۹۷
- جرم آدم ربایی در حقوق ایران و افغانستان / ابراهیم حسینی ۱۰۰

- ۱۰۲ مشارکت سیاسی زنان افغانستان : مقایسه دوران طالبان و پس از طالبان / سکینه محرابی
- ۱۰۳ بنیادگرایی رادیکال در افغانستان، ریشه ها و تحولات فکری / اسدالله احسانی
- ۱۰۶ جهاد ابتدایی در اندیشه سیاسی شیعه / محمد حسین مظفری
- ۱۰۸ نقد سنت در اندیشه محمدعابد جابری / محمد حسین صادقی
- ۱۱۰ عقلانیت سیاسی و ساخت قدرت در افغانستان معاصر / محمد شفق
- ۱۱۳ ظرفیت سنجی شاخص های دموکراسی در افغانستان جدید / عبدالقیوم ترابی
- ۱۱۵ توحید افعالی از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان / نورالعین بنت نورمن
- ۱۱۷ نقد و بررسی مفهوم صدق از دیدگاه ویتگنشتاین متأخر / لیاقت علی امیری
- ۱۱۹ دادرسی منصفانه در محکمه عالی کیفری عراق / اسعد کعبی
- ۱۲۱ عقل و ایمان از دیدگاه مرتضی مطهری و آلوین پلنتینگاه / علاءالدین ملک اف
- نقش نهادهای ملی حقوق بشر در ارتقاء و حمایت از حقوق بشر با تاکید بر کمیسیون
- ۱۲۴ حقوق بشر افغانستان / علیرضا روحانی
- ۱۲۶ سعادت از دیدگاه محمد غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی / ضیاء گل رضایی
- ۱۲۸ عقل و معرفت عقلی از نظر ابن سینا / ابوذر دیشکابا
- ۱۲۹ تعریف و پارادوکسهای قدرت مطلق / واقف قلی اف
- تاثیر رای مشورتی دیوان بین الملل دادگستری در قضیه دیوار حایل بر حقوق بشر دوستانه /
- ۱۳۱ باسل بقوله
- ۱۳۳ تبار شناسی فرهنگ سیاسی شیعه / محمد امیر ناصری
- ۱۳۵ احوال شخصیه شیعیان افغانستان با تکیه بر نکاح و طلاق / عبدالله شفائی
- حقوق کودک در افغانستان با تکیه بر وضع حقوقی کودکان کار از منظر اسناد بین الملل /
- ۱۳۷ دانش عبدالعزیز
- ۱۳۹ افغانستان و حق بر توسعه / محمد صادق دهقان
- ۱۴۱ افغانستان و حقوق بشر / محمد زکی احسانی

رابطه جهانی شدن و آرایشهای تجاری منطقه ای: مطالعه موردی سازمان همکاری اقتصادی

۱۴۳

(اکو) / سید اسحاق علوی

بررسی مسئولیت بین المللی اتحاد جماهیر شوروی در قبال توسل به زور نسبت به افغانستان

۱۴۵

/ سید محمد عالمی

مقایسه‌ی اندیشه‌ی فمینیسم برابری طلب غربی با اندیشه‌ی برابری طلبان جنبش زنان ایران /

۱۴۷

مشتاق الحلو

بخش دوم: چکیده‌های انگلیسی / ۱۴۹

مقدمه

مهاجرت برای تحصیل، تحمل مشکلات و سختی‌های هر چند نیازمند سفر به منطقه‌ای بسیار دور و ناشناخته باشد در اسلام به شدت سفارش شده است. دانشمندان تراز اول جهان اسلام مانند ابو حامد غزالی، ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، ابونصر فارابی، سعدی و... همگی سفرهای سخت را با وسایل ارتباطی آن روزگار انجام داده‌اند. تعالی و پویایی تمدن اسلام بیشتر مرهون این سفارش و عمل به آن توسط مسلمانان بوده است. از مهم‌ترین علت‌ها برای چنین مهاجرت‌های را سیال بودن علم و تعلق نداشتن آن را به يك قوم و فرهنگ باید ذکر کرد. در شرایط کنونی جهان اسلام، حضور دانشجویان از دیگر کشورهای اسلامی و آگاهی از وضعیت تفکر در آن کشور ضرورت یافته است. برخی از مشکلات دنیای اسلام آگاه نبودن مسلمانان از وضعیت پژوهش و دغدغه‌های دانشمندان مسلمان از یکدیگر است. این وضعیت باعث شده است بین دانشمندان مسلمان با گرایش‌های فرقه‌ای و فکری مختلف گفتگو صورت نگیرد. در دوره مدرن با اختراع ماشین و راحت شدن وسایل سفر، دانشگاه‌های بزرگ جهان اسلام باید شرایط سفر را برای این پژوهشگران فراهم و از حضور آنها استقبال کنند.

موسس دانشگاه مفید حضرت آیه الله العظمی موسوی اردبیلی (ره) از همان ابتدای تاسیس دانشگاه مفید زمینه حضور دانشجویان غیرایرانی را فراهم کرد. در این مدت نزدیک به ۵۰۰ دانشجوی غیرایرانی از دانشگاه مفید در مقطع‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری فارغ‌التحصیل شده‌اند.

در این کتاب، چکیده پایان‌نامه‌های که توسط دانش‌آموختگان به دانشگاه مفید تحویل داده است چاپ شده است. امیدوارم در ویراست دوم این کتاب تعداد بیشتری از پایان‌نامه‌ها معرفی و زمینه تحقیق را برای دیگر عزیزان فراهم آورد.

علی اکبر گل‌قندشتی

مدیر امور فرهنگی دانشگاه مفید

بخش اول:

چکیده‌های فارسی

حق کودکان در برخورداری از کمک های بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه با تاکید بر وضعیت افغانستان

صدیقه شریفی

کودکان آسیب پذیرترین افراد و در حقیقت آینه تمام نمای افراد بی دفاع در مخاصمات مسلحانه هستند به همین دلیل مستحق حمایت و کمک های بشردوستانه ی بیشتری هستند، این آسیب پذیری بیشتر زمانی رخ می دهد که مخاصمات مسلحانه ای اتفاق افتد و کودکان از نعمت زندگی عادی محروم شوند. یکی از مهمترین نقض ها در مخاصمات مسلحانه نسبت به کودکان ممنوعیت دسترسی به کمک های بشردوستانه است. در پژوهش حاضر ضمن تأکید به رعایت اصول و قواعد حقوق بشردوستانه به تبیین مفهوم حق و مفهوم حق افراد بر کمک های بشردوستانه به عنوان یکی از حق های بشری پرداخته شده است. همچنین دولت هایی که مبتلا به بحران جنگ هستند و در حالت اضطرار توان تأمین نیازمندی های ضروری مردم را ندارند باید کمک های بشردوستانه را بپذیرند و شرایط رساندن آن را به مردم فراهم سازند؛ بنابراین به اثر رضایت و امتناع دولت نیازمند هم در پذیرش کمک های بشر دوستانه پرداخته می شود. اینکه با چه راهکارها و اقداماتی می توان کودکان را از کمک های بشردوستانه برخوردارکنیم و برای برخورداری از این کمک ها

با چه چالش‌ها و موانعی روبرو هستیم. لذا پژوهش حاضر با طرح این سوال که: حق کودکان در برخورداری از کمک‌های بشردوستانه با تأکید بر وضعیت افغانستان چگونه است؟ سعی نموده است جوابی مناسب به این پرسش بدهد. در کشور افغانستان از لحاظ قانونگذاری و ترسیم چارچوب حقوقی تلاش‌های مناسبی شده است و نهادهایی متولی کمک‌رسانی بشردوستانه دارای چهارچوب حقوقی شکل‌گرفته‌اند با این وجود شدیدترین نیازمندی‌ها در ولایاتی وجود دارد که میزان تعداد زیادی از بیجا شدگان هستند و همچنین ولایت‌هایی که متأثر از جنگ هستند. مطابق آخرین گزارش یونیسف در سال ۲۰۱۹ حدود ۳/۸ میلیون کودک در افغانستان به حمایت و کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند که این میزان برابر با حدود ده درصد از کل جمعیت افغانستان می‌گردد بنابراین با توجه به آسیب‌پذیری‌های متعدد که جمعیت در حال حاضر دچار آن شده‌اند کشور افغانستان برای رفع بحران‌های موجود نیازمند کمک‌های جهانی و سازمان‌های بین‌المللی و بشردوستانه است بنابراین با توجه به وجود ادبیات و چارچوب حقوقی بهتر است به شرایط عینی و بیرونی توجه بیشتری صورت گیرد تا نهادهای کارآمدتر بتوانند چالش‌های موجود را رفع نمایند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر دوستانه، حق بر کمک‌های بشردوستانه، کودکان افغانستان، مخاصمات مسلحانه

جریان چپ گرا و ناکامی دموکراسی در افغانستان

سید مهدی سرباز

تحقیق حاضر به نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ناکامی دموکراسی در افغانستان پرداخته است. ح.د.خ.ا، (حزب دموکراتیک خلق افغانستان) تنها حزب قدرت مند چپ‌گرایی بود که توانست در افغانستان به قدرت برسد و برای ۱۴ سال زمام امور این کشور را به دست بگیرد. جناح خلق و جناح پرچم دو جریان انشعابی از ح.د.خ.ا، بودند که هرکدام خود را نماینده اصلی این حزب می‌دانستند. در تحقیق حاضر نقش این حزب و تاثیر آن بر دموکراسی در دو مرحله بررسی شده است. مرحله‌ی اول زمانی است که ح.د.خ.ا، در جایگاه اپوزیسیون قرار دارد و مرحله‌ی دوم زمانی است که این حزب به قدرت دست می‌یابد. در هردوی این مراحل تمرکز تحقیق بر روی این مسئله بوده که دموکراسی و اصول آن در این حزب پر قدرت چپ چگونه مفصل بندی می‌شده است. حزب دموکراتیک خلق افغانستان چنان که از نام این حزب پیداست پیشوند دموکراتیک را با خود یدک می‌کشید، در این تحقیق تلاش کرده‌ام تا نشان دهم که آیا آن‌ها به راستی چنان که ادعا می‌کردند حزبی دموکراتیک بودند؟ اما اهمیت تحقیق حاضر تنها به این دلیل نیست. اهمیت اصلی تحقیق حاضر در این است که نشان می‌دهد دموکراسی و چپ‌گرایی

در افغانستان چگونه باهم پیوند خوردند یا در تضاد افتادند، تا باشد از این تجربه در برهه‌ی کنونی افغانستان که هنوز جریان چپ به صورت کم‌وبیش در متن جامعه و دایره قدرت فعال است، استفاده صورت گیرد. تحقیق حاضر با روش گفتمان لاکلا و موف انجام شده و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ح.د.خ.ا، پیش از رسیدن به قدرت جزو طرفداران اصلی دموکراسی بوده است. اما پس از رسیدن به قدرت، گفتمان ح.د.خ.ا، با مفصل‌بندی دال حزب پیش‌آهنگ به‌عنوان دال مرکزی و در کنار آن مفصل‌بندی دال قدرت نظامی متمرکز و دال دیکتاتوری پرولتاریا، با دموکراسی و اصول آن در تضاد افتادند.

واژگان کلیدی: مارکسیسم، دموکراسی، چپ‌گرایی، مارکسیسم - لنینیسم،

حزب خلق، حزب پرچم، افغانستان

عدالت انتقالی در حقوق بین الملل بشر تا تاکید بر وضعیت افغانستان

رضا غلامحسینی

در جریان فرایند اجرا و تطبیق عدالت انتقالی مکانسیم‌های واحدی در این زمینه وجود ندارد؛ این برنامه با توجه به بافت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مختلف ممکن است انواع گوناگونی داشته باشد؛ با این اوصاف مهم‌ترین مکانسیم‌های که می‌تواند جزء برنامه‌های عدالت انتقالی به حساب آید مشتمل اند بر: حقیقت‌یابی و مستندسازی، شناسایی قربانیان و مرتکبین جنایات، اقدامات حقوقی و قضایی که گاهی موجب مجازات و محاکمه جنایت‌کاران می‌شود، اصلاحات ساختاری و تطهیر (پاکسازی) ادارات عمومی از حضور جنایتکاران، ایجاد موزه‌ها به منظور حفظ میراث جنایات، جبران خسارت قربانیان که یکی از مکانسیم‌های عدالت انتقالی است در این حال هم یک حق است و برای قربانیان منافع مستقیمی ایجاد می‌کند، و یا احیاناً مصالحه و عفو. پژوهش حاضر درصدد تبیین مفهوم و جایگاه عدالت انتقالی در حقوق بین‌الملل بشر با توجه بر وضعیت افغانستان است، به گونه‌ای که عدالت انتقالی در حقوق بشر، یعنی حاکمیت قانون، دموکراسی، حق بر صلح و امنیت بررسی می‌شود و از طرف دیگر عدالت انتقالی در افغانستان، یعنی اینکه بازیگران ملی و بین‌المللی دارای چه نقشی هستند و همچنین فرصت‌ها

و چالش‌های عدالت انتقالی در افغانستان بررسی خواهد شد. بنابراین عدالت انتقالی فرآیندی است که به جامعه در حال گذار کمک می‌کند تا از وضعیت ناگوار ناشی از نقض علیه حقوق بشر به جامعه مبتنی بر حاکمیت قانون، دموکراسی، صلح پایدار و حقوق بشر که جز اهداف بلند مدت عدالت انتقالی است، عبور کند. از اینرو در جوامع در حال انتقال در زمینه بازسازی روابط اجتماعی و ایجاد همبستگی ملی بازیگران ملی و بین‌المللی می‌توانند نقش بسیار برجسته و حیاتی داشته باشند. بازیگر اصلی در تطبیق و اجرای عدالت انتقالی قوه مجریه می‌باشد و بازیگران دیگر در بستر قانونی که قوه مجریه خلق کرده است می‌توانند ایفای نقش کنند و احیاناً در این بستر کمک کننده و همکار قوه مجریه باشند. همچنین چالش‌ها و موانع فراوان و متعددی نیز در مقابل تطبیق و اجرای فرایند عدالت انتقالی در افغانستان وجود دارد. برخی از این چالش‌ها عبارتند از حضور عاملین جنایات و حامیانشان در قدرت، فساد گسترده و ضعف حاکمیت قانون، تداوم ناامنی و جنگ در افغانستان، خلاء قانونی در این زمینه، ابهام و تعارض قوانین، اختلافات اجتماعی و تعصبات و تبعیضات قومی، زبانی، و غیره، سنتی بودن جامعه افغانستان و فقدان یک فرهنگ مدنی و ارزش‌های عقلانی، عدم اراده قوه مجریه برای اجرا و تطبیق عدالت انتقالی، سطح پایین سواد و آگاهی‌های عمومی، مشکلات اقتصادی، فقر و بیکاری گسترده.

واژگان کلیدی: عدالت انتقالی، حقوق بین‌الملل بشر، مکانیسم‌های عدالت انتقالی، حق بر صلح، بازیگران عدالت انتقالی، افغانستان.

رویکرد سیاست جنایی تقنینی افغانستان و ایران در قبال جرائم جنسی

محمد کمالی

از واپسین دستاوردهای تقنینی افغانستان و ایران در قلمروی جرائم جنسی، کد جزای ۱۳۹۶ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ است که با مطالعه تطبیقی، محاسن و معایب آنها هویدا می‌گردد. پژوهش پیش رو با محور قرار دادن قوانین مزبور و با هدف شناسایی نقاط افتراق، اشتراک و خلأهای قانونی میان سیاست جنایی تقنینی افغانستان و ایران در قبال جرائم جنسی، به روش مطالعه کتابخانه‌ای فراهم آمده است. از مهم‌ترین شباهت‌های حقوق کیفری افغانستان و ایران در خصوص جرائم جنسی می‌توان به تأثیرپذیری این دو نظام، از نظام فقه اشاره کرد. مهم‌ترین تفاوت این دو نظام کیفری، در بیان مصادیق مجرمانه است. به نظر می‌رسد با توجه به بررسی تفصیلی و جداگانه سیاست جنایی تقنینی افغانستان و ایران در حوزه جرائم جنسی و نیز بیان تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان آنها، باید به چنین جمع‌بندی رسید که ترسیم یک سیاست جنایی تقنینی مشابه میان نظام کیفری افغانستان و ایران در خصوص جرائم جنسی با توجه به اختلاف نگرش انبوه وجود ندارد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی تقنینی، جرائم جنسی، کد جزای

افغانستان، قانون مجازات اسلامی ایران.

بررسی مقایسه ای سیاست خارجی هند و پاکستان: با تاکید بر بحران امنیت در افغانستان ۲۰۰۱ [دو هزار و یک] تاکنون

عنایت الله کاظمی

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر منجر به تحولات شگرفی در عرصه ی جهانی و منطقه ای شده است ، این تحولات زمینه ساز ایجاد بحران‌هایی مانند: بحران امنیت ، تضعیف حاکمیت ملی و گسترش تروریسم و افراطی‌گری در افغانستان شده است . تحولات دو دهه ی اخیر در افغانستان منجر به تغییراتی در نقش بازیگران منطقه ای ، قواعد بازی و الگوهای راهبردی کشورهای ذی نفوذ در افغانستان شده است . اختلافات دیرینه ی دو کشور هند و پاکستان در زمینه های نظامی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی از یک باعث سوق دادن افغانستان به سمت تحولات امنیتی آسیای جنوبی شده است و از سویی دیگر بیانگر این است که بحران‌های امنیتی در افغانستان بیش از پیش از نظم و الگوهای امنیتی منطقه ای تاثیر می پذیرد. بر همین اساس پرسش اصلی این پژوهش این است که رقابت هند و پاکستان چه تاثیراتی بر بحران امنیت در افغانستان داشته است ؟ در پاسخ به عنوان فرضیه باید گفت منازعه و رقابت سنتی هند و پاکستان باعث تضعیف حاکمیت ملی ، تقویت افراطی‌گری و تروریسم در افغانستان شده است و بر همین اساس بیان میشود که پاکستان از طریق حمایت از گروه‌های

مسلح مخالف دولت، فشار بر آوارگان افغانستانی و کارشکنی های اقتصادی نقش ای امنیت زدا و هند از طریق کمک های متعدد در پروسه ی بازسازی افغانستان و حمایت و کمک در برنامه های توسعه ای، حمایت از حاکمیت قانونی دولت افغانستان و آموزش و تجهیز نیروهای نظامی افغانی نقش ای امنیت زدا در افغانستان ایفا نموده است. پس می توان بیان نمود که منازعه و رقابت هند و پاکستان با اولویت دادن به تهدیدات نظامی و سیاسی، تاثیر بسیار بسزایی بر گسترش و ادامه ی بحران امنیت در منطقه و افغانستان داشته است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، بحران امنیت، مجموعه امنیتی منطقه ای، جنوب آسیا، افغانستان

تحلیل انتقادی دادرسی اساسی افغانستان

غلام رسول احسانی

در هر نظام حقوقی مدرن صیانت از قانون اساسی امری کاملاً ضروری است، به همین دلیل تدابیری جهت حفظ و حراست از آن اندیشیده شده است. در کشور جمهوری اسلامی افغانستان هم که دارای قانون اساسی مدون است چنین نهاد، یا بهتر است بگوییم نهادهایی وظیفه صیانت از قانون اساسی را بر عهده دارند، که از این جهت موضوع دادرسی اساسی کمی متفاوت تر نسبت به سایر کشورها است زیرا معمولاً این وظیفه به یک نهاد قضایی یا سیاسی سپرده می‌شود، اما در قانون اساسی افغانستان در ماده ۱۲۱ این وظیفه یعنی تفسیر و تطبیق قانون اساسی به ستره محکمه واگذار شده که نهادی قضایی است، اما بعدها در لویه جرگه قانون اساسی ماده ۱۵۷ اضافه می‌گردد که این ماده کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی را پیش بینی می‌کند، این کمیسیون اعضایش توسط رئیس جمهور انتخاب و جهت گرفتن رای اعتماد به پارلمان معرفی می‌شوند. می‌توان گفت این نهاد سیاسی است، ظاهراً قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان هر دو شیوه رایج دادرسی اساسی در دنیا را بکار برده است که همین موضوع سازوکار دادرسی اساسی در افغانستان را متفاوت از سایر کشورها کرده است. نگارنده تلاش می‌کند با توجه به کتب و

مقالات محدودی که در دسترس است به بررسی نحوه دادرسی اساسی، وظایف و صلاحیت های ستره محکمه و کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی که قانون اساسی هردو نهاد را به عنوان پاسداران قانون اساسی شناسایی کرده، پردازد. در قوانین اساسی گذشته با چنین مشکلی یعنی تعارض یا تراحم صلاحیت نهادهای موازی مواجه نبودیم، زیرا قوانین اساسی گذشته یا ستره محکمه را نهاد با صلاحیت می دانستند همانند قانون اساسی ۱۳۵۵ در زمان محمد داوود خان چنین بود، یا قانون اساسی سال ۱۳۶۶ در زمان دکتر نجیب اله، که صلاحیت تفسیر و تطبیق قانون اساسی را به شورای قانون اساسی واگذار کرده بود.

واژگان کلیدی: افغانستان، صیانت از قانون اساسی، ستره محمه، کمیسیون، شورا

کمک های خارجی و میزان تاثیر آن بر توسعه اقتصادی و امنیتی افغانستان از ۲۰۰۱ تاکنون

رمضان حیدری

کشور افغانستان در طول تاریخ با مشکلات اقتصادی و امنیتی مختلفی درگیر بوده و برای تأمین نیازهای خود به کمک های خارجی وابستگی داشته است. دولت های حاکم بر آن، شکننده یا فروپاشیده و ورشکسته بودند و در ارائه خدمات همگانی ناتوان و در تأمین امنیت ضعیف بودند و از اقتدار مرکزی توانمند برخوردار نبودند. اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این کشور، مرکز توجهات جهانی قرار گرفت و پس از سقوط طالبان با حضور نیروهای آمریکا و متحدینش، کمک های خارجی فراوان جهت بازسازی افغانستان و تأمین امنیت و سرمایه برای توسعه اقتصادی به سوی آن روانه شد. اما بحران های منطقه ای و فساد اداری فراوان در سطوح مختلف، این کشور را درگیر معضلاتی نا امنی، بنیادگرایی و تروریسم و توسعه نیافتگی کرده است. سوال مطرح شده در این پژوهش این است که تأثیر کمک های خارجی در توسعه اقتصادی و امنیتی افغانستان چگونه قابل ارزیابی است؟ همچنین بر این فرضیه تأکید دارد که با وجود کمک های خارجی فراوان به این کشور به دلیل روند نادرست دولت سازی، بحران های منطقه ای و وجود فساد اداری بالا توسعه اقتصادی

روند رو به رشدی نداشته و کشور را به سوی فقر، توسعه نیافتگی، ناامنی و درگیری های داخلی گسترده در سال های اخیر سوق داده است. این پژوهش با چهارچوب نظری دولت های شکننده می کوشد فرضیه فوق را تحلیل و تبیین نماید و به سوال مطرح شده پاسخ دهد. روش بکار برده در این پژوهش تحلیلی- توصیفی و به صورت کتابخانه ای می باشد.

کلیدواژگان: کمک های خارجی، توسعه، توسعه اقتصادی، امنیت، دولت های شکننده

بررسی عملکرد هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و حمایت از غیر نظامیان

روح الله جوادی

یکی از اهداف مهم سازمان ملل متحد، بر اساس منشور این سازمان حفظ صلح و امنیت بین المللی است. بر اساس همین هدف، شورای امنیت ملل متحد با درخواست کشور افغانستان که بعد از فروپاشی طالبان وارد مرحله جدیدی شده بود، با تاسیس هیئت معاونت ملل متحد در این کشور بر اساس قطع نامه ۱۴۰۱ موافقت نمود. هیئت معاونت ملل متحد سال ۲۰۰۲ در کابل تاسیس شد و فعلا فعالیت آن تا سال ۲۰۱۹ ادامه خواهد داشت. دوره زمانی این پایان نامه فعالیت های یوناما از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ را در بر گرفته است. سوال اصلی در این پایان نامه ارزیابی عملکرد هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان و حمایت از غیر نظامیان است که در کنار آن به سوال فرعی عملکرد دولت افغانستان در حمایت از غیر نظامیان نیز پرداخته شده است. آخرین قطع نامه مصوب، قطع نامه شماره ۲۴۰۵ بوده و بر اساس آن ۴۴ ماموریت برای این هیئت تعریف کرده است که حمایت و پیشبرد حقوق بشر، نظارت بر وضعیت افراد غیر نظامی، حصول اطمینان از حفاظت افراد غیر نظامی، امور بشردوستانه و حقوق بشردوستانه را جزء ماموریت ها قید

کرده است. این هیئت برای رسیدن به اهداف صادر شده تلاش هایی را انجام داده است، گرچه به تمام اهداف خود نرسیده است اما در برخی موارد موفقیت هایی داشته است. در این پایان نامه ابتدا هیئت معاونت ملل متحد از نظر شرایط تاسیس، جایگاه حقوقی و ساختار بررسی شده است و در ادامه بررسی وظایف طرف ها بر اساس حقوق بین المللی بشردوستانه، حقوق بین المللی بشر، حقوق بین الملل کیفری بررسی شده است، علاوه عملکرد یوناما در حمایت عام از غیر نظامیان در برابر عناصر ضد دولت و همچنین نیروهای دولتی بررسی شده است و در آخر حمایت خاص یوناما از غیرنظامیان که کودکان و زنان می باشد، مورد پژوهش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: هیئت معاونت ملل متحد حمایت از غیرنظامیان

افغانستان - یوناما

ریشه‌های مذهبی حمایت آمریکا از اسرائیل

فائزه رحیمی

بنیادگرایان مسیحی آمریکا در واقع فرزندان پیوریتن‌های موسس این کشور هستند. پیوریتن‌ها در واقع مسیحیان هوادار یهود هستند که با هدف ایجاد کشوری مقدس پای به آمریکا نهادند از این رو دین مهم ترین رکن شکل‌گیری کشور آمریکاست. و به تبع پیوستگی عمیقی با عرصه سیاست دارد؛ که نمود آن ائتلاف راست مسیحی با محافظه‌کاران آمریکاست. در واقع سیاست‌های حمایتی آمریکا از اسرائیل هم ریشه در اعتقادات مذهبی بنیادگرایان مسیحی آمریکا دارد. در واقع اگر بخواهیم به این سوال پاسخ دهیم که ریشه‌های مذهبی این حمایت چگونه قابل تحلیل است باید به سه اصل اعتقادی این بنیادگرایان پردازیم. نخست اینکه آنان معتقدند که یهود قوم برگزیده خداوند هستند و حمایت از آنها موجب رضایت و حمایت خداوند می‌شود این اعتقاد مبتنی بر تعهد خداوند به ابراهیم است. در راستای همین اعتقاد بود که مسیحیت صهیونیستی در آمریکا حتی زودتر از صهیونیسم یهودی پا گرفت. بنیادگرایان مسیحی حامی صهیونیسم بر مبنای اصل تقدیرگرایی بر این باور اند که خداوند جهان را به هفت دوره تقسیم کرده است؛ که مرحله هفتم هزاره خوشبختی است که با ظهور مسیح آغاز می‌گردد. بر پایه

این تفکر ظهور منجی زمانی حاصل می‌گردد که قوم یهود به سرزمین مقدس صهیون که از سوی خداوند به آنها تعلق پیدا کرده است، بازگردد و دولتی یهودی تشکیل بدهد و سپس به بازسازی معبد سلیمان پردازد که این مقدمه‌ای می‌گردد برای ظهور حضرت مسیح و آغاز هزاره خوشبختی. به این ترتیب بنیادگرایان مسیحی، حمایت از اسرائیل را بر خود واجب می‌دانند چرا که از این طریق می‌توانند هم زمینه ظهور را فراهم کنند و هم با حمایت از اسرائیل رضایت الهی را بدست بیاورند. کلمات کلیدی: بنیادگرایان مسیحی - قوم برگزیده مسیحیت صهیونیستی
تقدیر گرایی - هزاره گرایی

کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان: ارزیابی ساختار و عملکرد

محمد تقی فیاض

در افغانستان انتخابات در ابتدا به صورت سهم‌گیری ریش سفیدان و بزرگان قبایل در جرگه‌های ملی و محلی بوده است؛ اما برگزاری انتخابات در افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر و تشکیل حکومت قانونی بر اساس نورم‌های بین‌المللی ایجاد شده است. انتخابات برپایه‌ی اصول دموکراتیک باید دارای حداقل ویژگی‌هایی از قبیل سلامت، منصفانه بودن و آزاد بودن باشد که در افغانستان وظیفه برگزاری، حفظ و صیانت از آرای شهروندان در ابتدا توسط نهادی با عنوانی دفتر مشترک تنظیم انتخابات انجام میشد اما با وجود مشکلات عدیده‌ای که در آن نهاد بود نهادی با عنوانی کمیسیون مستقل انتخابات تشکیل گردیده و عهده‌دار این وظایف شد. نهاد مذکور دارای سه رکن اصلی کمیسیون رسانه‌ها کمیسیون شکایات انتخاباتی و کمیسیون مستقل انتخابات است. براساس قوانین افغانستان سه وظیفه‌ی اداره، اجرا و نظارت انتخابات تنها بر عهده این نهاد گذاشته شده است و می‌توان عملکرد این کمیسیون را به سه بخش قبل از رأی‌گیری، روز رأی‌گیری و بعد از رأی‌گیری دسته‌بندی نمود. واژگان کلیدی: انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون رسانه، کمیسیون شکایات، تخلف، تقلب، نظارت.

بررسی موانع عدم شکل‌گیری و توسعه عدالت اجتماعی در افغانستان (از ۲۰۰۱ تا کنون)

محمد نبی غلامی

عدالت اجتماعی را می‌توان بعنوان تنهاترین مولفه‌ی برون‌رفت از بحرانهای موجود دولت‌های شکننده و بهترین عنصر زمینه‌ساز استحکام پایه‌های مشروعیت آن دسته از دولت‌ها به‌شمار می‌آورد. عدالت از بدو تاریخ بشر به‌عنوان یک خواسته مع‌قول و مطلوب برای همه افراد و جوامع مطرح بوده است. دولت‌ها با تحکیم عدالت اجتماعی در میان جوامع می‌توانند بنحوی منازعات میان انسانها بر سر منابع مادی، استبداد سیاسی، نابرابری گسترده و تبعیض سیستماتیک و در نهایت وضعیت شکنندگی دولت‌ها را از میان ببرد. آنچه در این پژوهش به‌عنوان سوال اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد بررسی موانع عدم شکل‌گیری و توسعه عدالت اجتماعی در افغانستان از سال ۲۰۰۱ تاکنون می‌باشد. تحکیم عدالت اجتماعی در افغانستان بدون وجود شاخصهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در یک جامعه بدون عدالت و تبعیض امکان‌پذیر نیست. موانع تحقق عدالت اجتماعی در افغانستان از سال ۲۰۰۱ تاکنون چگونه قابل مطالعه است؟ آنچه که به‌عنوان فرضیه این پژوهش مطرح شده است از جمله موانع اقتصادی تحقق عدالت اجتماعی در افغانستان فقدان انباشت

سرمایه و خروج آن از کشور، فقدان رقابت‌پذیری و تجارت نامتوازن بوده و از جمله موانع اجتماعی آن غلبه شکاف‌های قومی-زبانی و عدم تساهل میان اقلیت‌ها، بازتوزیع ناعادلانه امکانات و بی‌توجهی به رشد فقرزدا و از جمله موانع سیاسی آن فقدان اراده جمعی برای توسعه مشارکتی و بویژه رشد تروریسم در داخل کشور می‌باشد. ما با توجه شاخص‌های فوق‌به بررسی موانع شکل‌گیری و توسعه عدالت اجتماعی را با روش توصیفی و تحلیلی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، دولت‌شکننده، بحران، توسعه اقتصادی

عملکرد دولت وحدت ملی افغانستان (اشرف غنی) و شاخص های مشارکت سیاسی، پاسخگویی و حاکمیت قانون

زیبا رحیمی

پژوهش حاضر در صدد توضیح و تبیین نسبت سنجی سه مفهوم کلیدی توسعه، یعنی مشارکت، پاسخگویی و حاکمیت قانون در دولت وحدت ملی می باشد. با توجه به دگرگونی نظام سیاسی در افغانستان (کمونیستی، طالبانیزم، مجاهدین و دولت دمکراسی) ایده توسعه در افغانستان شکل گرفت فرضیه که در این تحقیق مطرح است افغانستان برای رسیدن به توسعه نیاز به عملکردن به شاخص های توسعه (مشارکت سیاسی، پاسخگویی و حاکمیت قانون) دارد و با این فرض به دنبال پاسخ به این سوال هستیم عملکرد دولت وحدت ملی (اشرف غنی) و شاخص های مشارکت سیاسی، پاسخگویی و حاکمیت قانون چگونه شکل گرفت؟ برای رسیدن به پاسخ به این سوال یا اثبات فرضیه از نظریه (نوسازی) استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد مشارکت سیاسی اقوام، به خصوص اقلیت ها و احزاب کاهش داشته زیرا نقش و مشارکت احزاب مختلف یا وجود ندارد (تعریف نشده) یا بسیار کم رنگ است، پاسخگویی دولت وحدت ملی در برابر مردم، قانون و احزاب به خصوص در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و تأمین امنیت عمومی رویه کاهش است. بررسی ها نشان می

دهد حاکمیت قانون به دلیل عمل نکردن به تعهدات بین‌المللی، توافق نامه وحدت ملی و نیز قانون اساسی و رعایت نکردن حقوق اقوام بسیار ضعیف بوده است.

واژگان کلیدی: نوسازی، حاکمیت قانون، پاسخگویی، مشارکت سیاسی، شاخص، دولت وحدت ملی.

بررسی تطبیقی معاونت در جرم در حقوق جزای ایران و افغانستان

محسن حیدری

اصل قانونی بودن جرم و مجازات از اصول اساسی حقوق جزا و مورد اتفاق تمامی نظام های حقوقی دنیاست. این اصل در اسناد بین المللی، قوانین اساسی و عادی کشورها به رسمیت شناخته شده است. دین مقدس اسلام هم بر این اصل در موارد متعدد تاکید نموده است. که از طرف کشورها از جمله در کشور ایران و افغانستان هم در قانون اساسی و هم در قانون جزا مورد حمایت قرار گرفته است. معاون جرم شخصی است که عناصر مادی و معنوی جرم اصلی ارتکاب یافته به وسیله مباشر یا شرکای جرم را انجام نداده است، بلکه در ارتکاب جرم، مباشر یا شرکاء جرم را به شیوه های مندرج در قانون یاری و کمک کرده است. هدف این پژوهش بررسی تطبیقی معاونت در جرم در حقوق کیفری کشورهای افغانستان و ایران با روش توصیفی تحلیلی بر اساس منابع معتبر علمی است. همچنین در این پژوهش مصادیق و شرایط معاونت در جرم را ذکر و احکام و مجازات این جرم مورد کنکاش قرار گرفت. نتایج بدست آمده عبارت است از: در قانون جزای فعلی کشور افغانستان مصادیق معاونت در جرم همان مصادیق معاونت در قوانین جزایی ایران است. معاونت در جرم در هر دو نظام کیفری مورد پذیرش قرار گرفته است. در اصل پذیرفتن

معاونت و تعیین مصادیق که باعث تسهیل وقوع جرم می‌گردد، تفاوتی میان دو کشور وجود ندارد و فقط قانون‌گذار افغانستان در ذکر مصادیق ماده ۵۹ یک مصداق بیشتر از مصادیق ذکر شده در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ایران بیان کرده است؛ اما از لحاظ مجازات معاون در حقوق جزای افغانستان، و حقوق جزای ایران، مقنن افغانستان، مجازات معاونت در جرم را به صورت یک ماده قانونی مانند آنچه که قانون‌گذار ایران مجازات معاون را در (ماده ۱۲۷) بیان کرده است را بیان نکرده و فقط به ذکر این مطلب که (معاون به جزای یک درجه پایین‌تر از مجازات جرم مرتکبه محکوم می‌گردد. مگر این که در این قانون طوری دیگر حکم کرده باشد)، بسنده کرده است.

واژگان کلیدی: معاونت، ایران، افغانستان، حقوق جزا، مباشر

امنیت و توسعه اقتصادی در افغانستان در دوره پسا طالبان

علی جواد دهقان

عنوان تحقیق حاضر امنیت و توسعه اقتصادی در افغانستان دوره پسا طالبان می باشد. با توجه به تجربه دنیای توسعه یافته، ارتباط ماهیت دولت سازی و ساخت امنیت برای تحقق توسعه اقتصادی امری ضروری می باشد. از سوی دیگر شاهد هستیم که در افغانستان به دلایل مختلف از جمله دولت سازی ناقص، ناتوانی حاکمیت در تدبیر ثبات مرزها و تمامیت ارضی، رانت خواری شایع و فساد اداری، منازعات قومی طولانی در اثر جنگ و مداخلات طولانی قدرت های بزرگ همچون امریکا و روسیه، روند توسعه با چالش روبرو بوده است. متعاقبا، افزایش قانون گریزی، افراط گرایی و فراهم نشدن فرصت های سرمایه گذاری اقتصادی نیز مزید بر علت شده است. هدف از انجام این تحقیق یافتن ارتباط میان امنیت و توسعه اقتصادی در افغانستان پس از تشکیل نظام سیاسی جدید در پی سقوط طالبان می باشد. با توجه به تجربیات توسعه در سایر اقصی نقاط دنیا، به اهمیت دولت سازی و ساخت امنیت برای تحقق توسعه اقتصادی پی می بریم. در این میان افغانستان از یکسویه واسطه روند ناقص دولت سازی، ناتوانی حاکمیت در ثبات مرزها و تمامیت ارضی، و از سوی دیگر منازعات قومی طولانی در اثر جنگ داخلی و مداخلات طولانی

قدرت‌های بزرگ و همسایگان شاهد وقوع ناامنی، افزایش افراطی‌گری و از دست دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی و فرسایش نهادهای پاسخگوی دولتی بوده است. لازم به ذکر است که این تحقیق براساس روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: امنیت، توسعه، توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی، فساد

همگرایی ایران و عراق و تاثیر آن بر سیاستهای سازمان اوپک

محمد خلیل

سازمان اوپک به عنوان اولین سازمان نفتی است که هدف اصلی و اولیه این سازمان به وجود آمدن همگرایی و اجماع نظر بر سر میزان تولید نفت و به تبع آن قیمت نفت در بازارهای جهانی بود اما در چند دهه ی اخیر این سازمان همواره ناموفق عمل نموده است که این امر خود به دلیل اختلاف درونی اعضای آن می باشد اختلاف این اعضا درابعاد گوناگون می باشد که این اختلافات عبارتند از اولین: اختلافات ایدولوژیک، سیاسی، اقتصادی می باشد. بدین ترتیب از آنجا که کشورها با همگرایی می توانند راحتتر به منافع ملی خویش دست یابند دو کشور ایران و عراق می تواند در صورت همگرایی در تعیین سیاست گذاری های اوپک تاثیر گذاشته و نقش مهمی در متقاعد کردن دیگر کشورها ایفا نمایند. بدین ترتیب از آنجا که کشورها با همگرایی می توانند راحتتر به منافع ملی خویش دست یابند دو کشور ایران و عراق می تواند در صورت همگرایی در تعیین سیاست گذاری های اوپک تاثیر گذاشته و نقش مهمی در متقاعد کردن دیگر کشورها ایفا نمایند. سوال اصلی این است: این پایان نامه: همگرایی ایران و عراق چه تاثیری بر سیاستهای سازمان اوپک داشته است؟ فرضیه: حضور اکثریت جمعیت شیعی در ایران و

عراق و ضرورت مهار تهدیدات مشترک جریان‌ات سلفی و مهار تجزیه طلبی کردها از جمله دلایل همگرایی سیاسی از یکسو و مبادلات اقتصادی دو کشور در زمینه صادرات و واردات و توریست مذهبی و ضرورت همکاری های امنیتی در و مقابله با داعش از سوی دیگر منتهی به ایجاد همگرایی و تاثیر بر سیاست های اوپک خواهد شد. روش تحقیق این پایان نامه توصیفی تحلیلی می باشد.

واژگان کلیدی: ایران ، عراق ، اوپک ؛ همگرایی منطقه ای

پیمان شانگهای و امنیت در افغانستان

محمد رضا رضایی

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منطقه ی آسیای مرکزی شاهد رویدادهای مهمی بود. رشد جنبش ها و احزاب اسلام گرا در جمهوریهای تازه تاسیس آسیای مرکزی، گسترش تروریسم در بیشتر این کشورها، قاچاق مواد مخدر، برخی از این مشکلات هستند. پس از تسلط طالبان بر افغانستان، حمایت های مادی و معنوی این گروه باعث تقویت احزاب و گروه های بنیادگرای کشورهای آسیای مرکزی نیز شد. دانستن این نکته که خطوط انتقال انرژی از مناطق نفت خیز آسیای مرکزی به چین در آینده باید از این مناطق پر خطر عبور کند، اهمیت ملاحظیات امنیتی برای رفع این مشکلات را دو چندان می کند. با حمله ی نظامی آمریکا و ناتو به افغانستان در پی حوادث ۱۱ سپتامبر و برپایی پایگاه های نظامی در این کشور، حضور آمریکا برای کشورهای منطقه به خصوص چین و روسیه به مثابه تهدید امنیتی تلقی شد. با در نظر گرفتن این واقعیات، به نظر می رسد که سازمان همکاری شانگهای به عنوان توانمندترین ساز و کار برپایی همکاری منطقه ای در آسیای مرکزی، می تواند نقش مهمی در این منطقه بازی کند. سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ با هدف مبارزه با سه عنصر تجزیه طلبی، افراط گرایی و تروریسم، برقرار

کردن موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه و افزایش همکاری های اقتصادی در منطقه، پایه گذاری شد. در این میان، افغانستان به عنوان یکی از مهمترین موضوعات امنیتی در منطقه شانگهای محسوب می شود. عملکرد و سابقه ی سازمان همکاری شانگهای پنج در رفع اختلافات و مناقشات منطقه ای نشان دهنده ی این است که این سازمان می تواند با توسعه ی همکاری های منطقه ای پیرامون افغانستان، به رفع معضل بحران امنیت در این کشور کمک کند. در این پژوهش بدنبال این پاسخ هستیم که تاثیرات پیمان شانگهای بر حوزه ی امنیت در افغانستان چگونه قابل بررسی است و اقدامات سازمان همکاری شانگهای برای مقابله با تجزیه طلبی و تروریسم برای ایجاد امنیت در افغانستان چه بوده است؟ واژگان کلیدی: سازمان همکاری شانگهای، آسیای مرکزی، افغانستان، آمریکا، بحران امنیت، واقعگرایی تدافعی.

جایگاه عراق در طرح خاورمیانه بزرگ تر آمریکا و تاثیر آن بر مناسبات با عربستان

علی الفیاض

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی ایالات متحده امریکا و متحدانش به بهانه مبارزه با تروریسم و اشاعه الگوی دموکراتیزاسیون غربی مورد نظرشان در راستای دسترسی به منابع انرژی و کنترل رقباء در کشورهای عربی خاورمیانه بخصوص عراق اولین بار طرح خاورمیانه بزرگ را در سال ۲۰۰۲ مطرح کردند. سؤال این تحقیق این است که جایگاه عراق در طرح خاورمیانه بزرگ تر امریکا چیست و چه تأثیری بر مناسبات با عربستان دارد؟ فرض نگارنده بر این باور است که جایگاه ویژه اقتصاد سیاسی عراق در طرح خاورمیانه بزرگ به دلیل ضرورت استقرار و اشاعه الگوی دموکراتیزاسیون به سبک غرب در این کشور و تسری آن به سایر کشورهای خاورمیانه بوده که منتهی به تزلزل جایگاه سنتی عربستان می شود بویژه این که امکان انتقال حوزه انرژی از خاورمیانه به منطقه پسیفیک جایگاه از پیش موجود عربستان را نیز بر هم خواهد زد.

واژگان کلیدی: طرح خاورمیانه بزرگ، توسعه، آسیا-پسیفیک، انرژی

حضور ناتو در افغانستان چالش ها و فرصت ها در روابط با پاکستان

محمد مهدی باقری

حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عاملی برای ورود نیروهای ایالات متحده و ناتو به افغانستان شد و این کشور به کانون مبارزه علیه تروریسم جهانی بدل شد. ناتو با توجه به تغییر در فلسفه وجودی خود در اولین ماموریت فرآتلانتیکی از آگوست سال ۲۰۰۳ در مبارزه علیه تروریسم، فرآیند صلح و ثبات در افغانستان قرار گرفت. اما ناتو برای رسیدن به این اهداف در افغانستان چالش ها و فرصت های را برای پاکستان ایجاد کرده است. البته بخشی از این چالش ها مربوط به ویژگی ذاتی این کشور در خصوص مسئله اختلافات مرزی خط دیوراند و مسئله پشتونستان با افغانستان هست و برخی نیز به واسطه استراتژی ناتو در فرآیند صلح و ثبات بوجود آمده است ولی در این بین برای پاکستانی که در جبهه علیه تروریسم مورد توجه جهانی قرار گرفته فرصت قابل توجهی ایجاد شده است. با توجه به گسترده گی عملیات نیروهای بین المللی سازمان ناتو در فرآیند ثبات و بازسازی ولی همچنان افغانستان در یک بی ثباتی و تدوام بحران ناامنی دائمی قرار دارد که کاملاً متأثر از سیاست های دوگانه پاکستان است. این کشور علیرغم همکاری با نیروهای بین المللی آیساف بویژه در زمینه ترانزیت تدارکات و حمایت لجستیکی همواره به حمایت خود از گروه

های تروریستی طالبان به دنبال یک دولت ضعیف در افغانستان است. زیرا نگرانی از ثبات و تحکیم یک دولت قدرتمند در افغانستان را دارد که ممکن است منافع این کشور را در مورد دعاوی خط دیوراند و به تبع آن مسئله پشتونستان به چالش بکشد. ما در این پژوهش حضور و عملکرد نیروهای بین‌المللی ناتو در افغانستان چه تاثیری بر روابط با پاکستان برجای گذاشته است؟ با توجه به فرضیه تحقیق که حضور و عملکرد نیروهای ناتو برای ایجاد ثبات و بازسازی در افغانستان، پاکستان را با چالشی طالبان و اختلافات ارضی و به دنبال آن مسئله پشتونستان مواجه کرده و از طرفی فرصتی برای پاکستان در قالب ائتلاف استراتژیک با ناتو و ایالات متحده در راستای حذف طالبان و یا تضعیف شدید آن ایجاد کرده است. با توجه به رویکرد پژوهشی در این رساله توصیفی و تحلیلی است به بررسی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: ناتو، دیوراند، مسئله پشتونستان، تروریسم، پاکستان

چالش‌های امنیت انرژی در افغانستان (با تأکید بر بنیادگرایی)

محمد رضا اکبری

افغانستان کشوری با تاریخ پرفراز و نشیب دارای موقعیتی ویژه برای همسایگان خود می‌باشد. منابع عظیم انرژی کشورهای آسیای مرکزی به دلیل دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد، نیازمند احداث خطوط انتقال انرژی و پیدا نمودن بازارهای فروش هستند. هند و پاکستان با داشتن منابع محدود انرژی از جمله کشورهای در حال توسعه هستند که نیازمند واردات انرژی از سایر کشورها هستند. افغانستان کوتاهترین مسیر برای انتقال انرژی از کشورهای آسیای مرکزی به هند و پاکستان محسوب می‌گردد. امنیت انرژی افغانستان و همسایگان شمالی و جنوبی این کشور در گرو دستیابی به همکاری برای رسیدن به توافقات و اجرای پروژه‌های انتقال انرژی از مسیر افغانستان است. بنیادگرایی و افراط‌گرایی از جمله مشکلات اجتماعی و امنیتی افغانستان است که مانع دستیابی به اجرای پروژه‌های انتقال انرژی و احداث زیرساخت‌های اقتصادی لازم می‌گردد. بنیادگرایی از نوع طالبانیسم سابقه چندین ساله در افغانستان دارد که همواره به عنوان چالشی در تقابل با مدرنیته، توسعه و رشد اقتصادی افغانستان شناخته شده است. گروه‌های بنیادگرای فعال در افغانستان با همکاری با سایر هم‌نوعان خود در کشورهای همسایه به معضلی منطقه

ای برای دستیابی به امنیت به خصوص امنیت انرژی تبدیل شده اند. سوال اصلی این پژوهش این است که تاثیرات تهدیدات بنیادگرایی بر امنیت انرژی در افغانستان چیست؟ و نشان دادن این فرضیه است که: جلوگیری از سرمایه گذاری خارجی و عدم رشد اقتصادی، عدم بهره برداری و کشف منابع موجود افغانستان، ایجاد مشکل در عبور خطوط انرژی از طریق خاک افغانستان و همچنین ایجاد نا امنی برای کشورهای همسایه از مهمترین تاثیرات بنیادگرایی بر امنیت انرژی در افغانستان می باشد. پژوهش حاضر از نظر روش توصیفی، تحلیلی و روش گرد آوری اطلاعات کتابخانه ای و اسنادی می باشد.

واژگان کلیدی: امنیت انرژی، بنیادگرایی، طالبان، خطوط انتقال انرژی

حق بر آموزش مهاجرین افغانستانی در ایران با تاکید بر نقش یونسکو

مهدی یوسفی

ما در جهانی در حال زندگی هستیم، که در حال تغییر و به طور خاصی به یکدیگر وابسته است. جهانی که در آن دانش و نوآوری، پیش برندگان اصلی توسعه اند. این امر به معنی تدارک و آموزش و یادگیری با کیفیت است، که برای رفاه انسان ها، پیشرفت کشورها و کیفیت آینده مشترک انسانی، به عاملان تعیین کننده تری تبدیل خواهند شد. با این وجود شکاف در دستاوردهای یادگیری در بعضی از کشورها بیداد می کند. برای مثال می توان به جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که چند میلیون مهاجر افغانستانی در آن طی چهار دهه زندگی می کنند، چهل سال از ورود مهاجرین افغانستانی که در ایران می گذرد آنها مشکلات حق بر آموزش را چگونه پشت سر گذاشته اند. دولت جمهوری اسلامی ایران خط مشی خاصی را نسبت به مهاجرین ترسیم نموده و در آن راستا فعالیت های خود را انجام داده است. یکی از فعالیت های مهم دولت ایران گسترش آموزش رسمی بوده که در این راستا فعالیت هایی از قبیل حمایت از آموزش پایه و ابتدایی، گسترش پذیرش آموزش عالی، گسترش و تقویت آموزش فنی و حرفه ای را انجام داده است. اما آموزش های غیر رسمی که در آن نهادهای بین المللی برای مهاجرین نقش بسزایی داشته اند، همانند یونسکو که

به بازسازی و تقویت سواد آموزی و آموزش بزرگسالان، آموزش رفتارهای خانوادگی و آموزش های آزاد دیگر که فعالیت های گسترده ای داشته است. واژگان کلیدی: مهاجرین، حق آموزش، افغانستان، ایران، یونسکو

تحولات مصر و جایگاه اسرائیل

عباس افضلی

وقوع تحولات اخیر کشور مصر به ویژه انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، ذهن بسیاری از پژوهشگران را به این موضوع مشغول کرده است که با توجه به خواسته های مردم در انقلاب، روابط مصر و اسرائیل و پیمان کمپ دیوید چه تغییری خواهد داشت و آینده آن چگونه خواهد شد. در این پژوهش نیز با طرح سوال اصلی نوشتار اینکه تحولات مصر از سال ۲۰۱۰ تاکنون چه تأثیراتی بر سیاست خارجی مصر و جایگاه اسرائیل داشته است؟ سعی به بررسی این موضوع می شود و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی این مسئله پرداخته خواهد شد. ضمن صرف نظر از پرداختن به چرایی وقوع انقلاب ۲۵ ژانویه در این پژوهش هدف نشان دادن تأثیرات آن بر جایگاه اسرائیل است. بر این اساس یافته های این پژوهش بر این مبنا است که تحولات اخیر مصر هیچ تأثیر ملموسی بر جایگاه و همچنین روابط مصر و اسرائیل نداشته است و بنابراین فرضیه پژوهش بر این شکل است که شرایط خاص ژئوپولیتیک مصر، هم مرزی با اسرائیل و جایگاه جغرافیایی خاص صحرای سینا در قرارداد کمپ دیوید به عنوان منطقه حائل دو کشور و تهدیدات فعالیت داعش در منطقه فوق از یک سو عامل برجسته شدن موقعیت اسرائیل در تحولات

بعد از کودتا مصر شده و از سوی دیگر احساس خطر اسرائیل از فعالیت زیرزمینی نیروهای تندرو اخوان المسلمین پس از سقوط محمد مرسی و امکان سرایت آن به مرزهای اسرائیل به عنوان عامل تهدیدزا حاکی از تأثیرپذیری مضاعف اسرائیل از تحولات مصر بوده بعلاوه اینکه وابستگی مصر به دریافت کمک های مالی از آمریکا در ازای تأمین امنیت اسرائیل و امنیت توريسم موجب وابستگی مضاعف این کشور به آمریکا و اسرائیل شده است .

واژگان کلیدی: نو واقعگرایی ، انقلاب ۲۵ ژانویه ، کمپ دیوید ، مصر ، اسرائیل ، آمریکا

رابطه پاکستان و افغانستان و تاثیر آن بر امنیت هند از سال ۲۰۰۱ م تا کنون

علیرضا رمضان

پاکستان به دلیل فراهم ساختن بستر مناسب، برای شکل گیری و رشد تفکرات بنیادگرایی، از نوع طالبانیسم در این کشور و صدور آن به کشورهای همسایه جایگاه مهمی در موضوع اسلام سیاسی دارد. تلاش‌های اسلام آباد برای نفوذ بیشتر در افغانستان و حمایت گسترده از طالبان را می‌توان در چهارچوب رقابت با هند، و همچنین تداوم انسجام سرزمینی این کشور تفسیر کرد. اینک افغانستان به حوزه رقابت هند و پاکستان در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تبدیل شده است. طالبان به عنوان مهمترین بازیگر غیردولتی در صحنه افغانستان، در جهت اهداف پاکستان اهمیت داشته است. هندوستان گسترش ایدئولوژی طالبان را خطری برای امنیت خود تلقی می‌کند، گسترش این ایدئولوژی به منطقه جامو و کشمیر، برای امنیت و وحدت این کشور، بسیار خطرناک می‌باشد. سوال اصلی این پژوهش این است که، نفوذ پاکستان در افغانستان پس از سقوط طالبان چه تاثیری بر امنیت هند دارد؟ و ثابت کردن این فرضیه که: به دلیل نفوذ همه‌جانبه پاکستان در افغانستان (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) ما شاهد گسترش بی‌ثباتی، بنیادگرایی اسلامی و تفکرات طالبانیسم در منطقه، و در نتیجه افزایش فشار بر کشمیر و ناامنی در مرزهای هند، با استفاده از

نظریات سازه‌انگاری بیان می‌کند. پژوهش حاضر از نظر روش توصیفی، تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. واژگان کلیدی: طالبان، کشمیر، امنیت، مدارس مذهبی، نفوذ

بررسی اندیشه و مواضع سیاسی و اجتماعی شهید عبدالعلی مزاری: چالشها و موانع پیش رو

سید محمد علی هاشمی

جنبش اسلامی افغانستان که در واکنش به دخالت بیگانگان در این کشور پدیدار شد، در پرتو هدایت اندیشمندان و فعالان سیاسی نقشی با اهمیت در تحولات جاری افغانستان داشته است. شهید عبدالعلی مزاری یک از شخصیت ها و اندیشمندان برجسته این جنبش است که پژوهش حاضر در پی بازخوانی اندیشه و مواضع سیاسی، اجتماعی او و بازتاب آن در جامعه فعلی افغانستان است. شهید مزاری (ره) شخصیتی مبارز و عالمی برجسته بود که از دوران نوجوانی با آشنایی با شهید علامه بلخی و اندیشه های او روحیه ی آزادگی، عدالت خواهی، و مبارزه علیه ظلم در وجود و افکار او عمیقاً رشد کرده بود. وحدت ملی، عدالت اجتماعی، اصلاح سیستم اداری، حقوق زنان و به رسمیت شناخته شدن مذهب شیعه و مشارکت اقوام در قدرت حاکمیت جامعه عناصر اصلی اندیشه سیاسی و اجتماعی او را تشکیل می دهد. همچنین برقراری صلح و ثبات پایدار و ایجاد دموکراسی (انتخابات) آزاد از مهمترین خواسته های ایشان بوده و برای تحقق آن اصرار و پافشاری نمودند. سازماندهی نهضت مقاومت در ولایات و شهرهای افغانستان، ایجاد یک حکومت اسلامی، ترویج فرهنگ

تحمل یکدیگر پذیری، تعریف الگوی جدید رهبری، احیاء حقوق و هویت اقوام هزاره ها را می توان از دستاوردهایی دانست که اندیشه ایشان در شکل گیری آن نقش زیادی داشته است.

واژگان کلیدی: اندیشه سیاسی شهیدمزاری، افغانستان معاصر، تشیع، وحدت ملی، جهاد، مقاومت

چالش ها و راهکارهای سرمایه گذاری خارجی در افغانستان با تکیه بر مقررات WTO

حسین خدابخش

اصولا تامین منابع مالی برای اداره امور کلان و زیرساختهای کشور امری اجتناب ناپذیر است و شیوه های مختلفی برای آن وجود دارد. سرمایه گذاری خارجی یکی از انواع فعالیت های تجاری محسوب می شود و از منابعی است که کشورها علاوه بر تامین منابع مالی جهت طرح های خود، برای تحرک بخش اقتصادی، ارتقاء سطح فناوری در تولید، خلق فرصت های شغلی جبران عقب ماندگی ها، دستیابی به توسعه پایدار و نهایتا ارتقاء جایگاه جهانی کشور از نظر رفاه اجتماعی به آن متوسل می شوند. افغانستان از جمله کشورهای در حال توسعه ای است که شدیداً به منابع مالی نیازمند است و برای جبران عقب ماندگی ها نمی تواند صرفاً به منابع داخلی تکیه نماید و باید جلب سرمایه خارجی را از اولویت های راهبردی خود در برنامه ریزی های آتی قرار دهد. اما برای جذب سرمایه های خارجی و سرازیر نمودن آن به کشور چالش هایی پیش رو دارد و تا آن چالش ها رفع نشود نمی تواند به این منابع دسترسی پیدا کند. این در حالی است محور اصلی این پژوهش به همین موضوع پرداخته: چالش های سرمایه گذاری خارجی در افغانستان چه بوده و راهکارهای

رفع آن چیست؟ به نظر می‌رسد چالش‌های فراروی سرمایه‌گذاری خارجی در افغانستان، با توجه به بررسی‌هایی که در طول این پژوهش انجام شده است، این کشور در قسمت داشتن قوانین کارآمد در ارتباط با سرمایه‌گذاری مشکل‌چندانی ندارد، بلکه در قسمت اجرای قوانین و محورهای سیاست، اقتصاد، فرهنگ و... مشکلات عدیده‌ای دارد. دولت افغانستان برای غلبه بر این چالش‌ها ابتدا باید اصلاحات ساختاری را از طریق اصلاح قوانین، ثبات سیاسی و ایجاد امنیت اقتصادی، اهمیت به مالکیت خصوصی، الگو برداری از کشورهای موفق در این زمینه، و اتخاذ راهکارهای ارائه شده در این تحقیق توجهی خاص نماید تا کشور را که در مراحل اولیه جذب سرمایه‌گذاری به سر می‌برد، در مسیری درست هدایت نماید.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه خارجی، سرمایه‌گذار خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذاری ثانوی، کشور سرمایه فرست، شرکت چند ملیتی، سرمایه‌گذاری غیر مستقیم

بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی بوش و اوباما در افغانستان

(از ۲۰۰۱ تاکنون)

سید محمد حسینی

پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده آمریکا برای مقابله با تروریسم، ایجاد نظم نوین جهانی و از بین بردن طالبان، به افغانستان حمله کرد. توجیه دولت بوش برای این حمله، تأمین منافع ملی آمریکا براساس تئوری جنگ پیشگیرانه و جنگ پیشدستانه مبتنی بر دکترین امنیت ملی آمریکا بود. اما با وجود حضور ۱۴ ساله ایالات متحده در افغانستان، این کشور هنوز با مشکل ناامنی و تروریسم مواجه است. از این رو، دولت اوباما مذاکرات صلح افغانستان با طالبان را پیگیری می‌کند. این پایان نامه درصدد بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی بوش و اوباما در افغانستان است. با توجه به فرضیه، سیاست خارجی آمریکا در قبال افغانستان در دو دوره مطالعاتی از حیث بنیان‌ها و اهداف، مشابه و از جهت سیاست‌ها و مطابق شرایط، متفاوت بوده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، تروریسم، امنیت، منافع ملی،

افغانستان

بررسی وجوه اشتراک و افتراق سیاست خارجی ایران و پاکستان نسبت به امنیت افغانستان در دولت آقای کرزی

سیف الله لعل محمدی

این پژوهش تحت عنوان بررسی وجوه اشتراک و افتراق سیاست خارجی ایران و پاکستان نسبت به امنیت افغانستان در دوره ی حکومت آقای کرزی (۲۰۱۴-۲۰۰۱) به سیاست خارجی دو کشور ایران و پاکستان در سه حوزه ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در قبال افغانستان می پردازد و از جانب دیگر درصدد ایجاد و گسترش روابط عمیق تر با همسایگان می پردازد و هدف نگارنده ایجاد روابط دیپلماتیک پویا تر و عمیق تر با سایر کشورها به خصوص کشور ایران است. در این راستا این پژوهش در چندین فصل سازماندهی شده؛ که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در وهله ی اول به سیاست خارجی ایران و پاکستان در قبال افغانستان در دوران حکومت آقای کرزی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می پردازد، و در وهله ی دوم به نقاط اشتراک و افتراق سیاست خارجی دو کشور فوق نسبت به افغانستان می پردازد. طبق بررسی و تحلیل سیاست خارجی کشور پاکستان در قبال افغانستان در سه حوزه ی سیاسی امنیتی، اقتصادی و فرهنگی به این نتیجه دست یافتیم که کشور پاکستان در حوزه ی سیاسی برخلاف کشور ایران واگرایی منافع با افغانستان داشته اما در حوزه ی اقتصادی و فرهنگی هر دو

کشور در صدد نفوذ اقتصادی خویش در افغانستان هستند. به همین دلیل بعد از سقوط طالبان، ایران در راستای منافع خویش به دنبال ثبات سیاسی و امنیتی در افغانستان بوده، اما پاکستان به دنبال برهم زدن ثبات سیاسی و امنیتی و نیز مداخله‌ی سیاسی در این کشور است زیرا خواهان مطرح نشدن منازعه دیورند از سوی دولت افغانستان و نیز مقابله با سیاست خارجی هند در افغانستان می باشد، بنابراین سیاست خارجی دو کشور نسبت به افغانستان از بعد اقتصادی و فرهنگی هم‌گرایی و اشتراک دارد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، منافع ملی، واقع‌گرایی تدافعی، واقع‌گرایی تهاجمی

رسانه و انتخابات ریاست جمهوری افغانستان ۱۳۹۳ - ۲۰۱۴ (بررسی تاثیر در شبکه تلویزیون طلوع و تمدن در انتخابات)

نعمت الله اخلاقی

رسانه ها در عصر حاضر «تار و پود نمادین» زندگی ما را تشکیل می دهند و نقش «تسریع کنند نهادی» را در جامعه دارند. امروزه نقش رسانه ها در دستکاری واقعیت بر کسی پوشیده نیست. همین رسانه ها هستند که نظام های حکومتی را تقویت و یا از بین می برند، به همین سبب است که رسانه ها را قوه ی چهارم دولت نامیده اند. رسانه ها در عصر حاضر حکم تیغ دولبه ای را دارند که نوع کاربرد آن بر افکار عمومی بسیار مؤثر است. امروزه یکی از ویژگی های مهمی که برای توسعه یافتگی جوامع در نظر گرفته می شود میزان استفاده از رسانه ها است. رسانه ها نقش بالقوه معناداری در شکل گیری ادراک و افکار بازی می کنند. افکار عمومی نیز از نظام برخوردار است و رسانه ها در شکل دهی افکار عمومی نقش اساسی دارند. همچنین انتخابات که مهمترین کارویژه های آن، مشارکت سیاسی مردم، خنثی سازی توطئه ها و تهدیدات دشمنان می باشد که در عین حال موجب افزایش اقتدار نظام و امنیت ملی کشور می شود و دارای پیامدهای مثبت منطقه ای و بین المللی است. رسانه و انتخابات دو مقوله مهم برای هر نظام متکی بر دموکراسی

است. در این پایان‌نامه، تأثیر دو رسانه تلویزیونی طلوع و تمدن بر انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳ افغانستان باروش (نقش محول) و (نقش محقق) مورد بررسی قرار گرفته است، در پایان این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که شبکه طلوع که دیدگاه سکولار دارد هدف اصلی و کلیدی که در نظر داشته ترویج آزادی و گسترش دموکراسی به معنای غربی بوده و در حد توان رسالت خود را به خوبی اجرا نموده و از هر مسئله‌ای که با این دو مقوله در تضاد بوده را به حاشیه رانده و به آن موضوعات پرداخته نشده است. در مقابل، شبکه تمدن با هدف ترویج اسلام، گسترش وحدت بین مسلمانان افغانستان و مخالفت و مبارزه با تفکر و عقاید غربی در افغانستان تأسیس گردیده و هر تفکر و عملی مخالف با آیین اسلامی باشد شبکه تمدن در تضاد با آن است یا در حاشیه قرار می‌گیرد و شبکه تمدن نیز در حد توان برای اهداف و آرمان‌های خود تلاش نموده در برخی موفق و در برخی ناکام بوده است.

واژگان کلیدی: رسانه، اطلاع‌رسانی، انتخابات، افکار عمومی، مشارکت

سیاسی، تبلیغات سیاسی

حقوق حاکم بر ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس با تاکید بر ابعاد زیست محیطی

سید روح الله اخلاقی

ساخت جزایر مصنوعی و دیگر تأسیسات ساحلی موجب شده است که خلیج فارس به یکی از آلوده ترین دریاهای جهان مبدل شود. در این صورت زیان های جبران ناپذیری به محیط زیست کشورهای ساحلی وارد خواهد شد. جزایر مصنوعی توسط کشورهای حاشیه ی خلیج فارس، با سرعت زیادی در حال ساخت هستند. در ساخت این جزایر به قواعد و مقررات بین المللی بایستی توجه ویژه صورت گیرد. در این تحقیق ابتدا قواعد و مقرراتی که در کنوانسیون های بین المللی ذکر شده، بیان شده است. سپس اصول حقوق بین الملل محیط زیست بحث شده است. در کنوانسیون های حقوق بین الملل دریاها نیز، توجه به محیط زیست دریاها و منافع سایر کشورهای ساحلی از پیش شرط های اساسی ساخت این جزایر هستند. کشور سازنده ی جزایر مصنوعی، باید اطلاعات لازم را در زمینه ی ساخت و ویژگی های جزایر مصنوعی خود به کشورهای دیگر ارائه دهد. همچنین کشورهای سازنده جزایر مصنوعی باید به اصول اساسی حقوق بین الملل محیط زیست توجه نمایند و در صورت نقض تعهدات کنوانسیون حقوق دریاها و کنوانسیون راپمی، مسئولیت بین

المللی دولت‌ها مطرح خواهد شد.

واژگان کلیدی: جزیره مصنوعی، حقوق بین‌الملل دریاها، مناطق دریایی، خلیج فارس، حقوق بین‌الملل محیط زیست، کنوانسیون راپمی.

اخوان المسلمین جدید و دموکراسی

ابراهیم الرفاعی

اخوان المسلمین پر نفوذترین جریان سیاسی در جهان اسلام به شمار می رود و به همین دلیل دیدگاه های آنان تاثیر بسیاری بر اندیشه ها و جریان های سیاسی مختلف در جهان اسلام داشته است. دموکراسی نیز اولین چالش تمام نظام های سیاسی جهان امروز به شمار می رود. از این روفهم موضع گیری اخوان نسبت به این قضیه به ویژه در سال های اخیر که در تعدادی از کشورهای عربی چون مصر به قدرت رسیدند حائز اهمیت می باشد. اخوان المسلمین هر چند در عمل به قواعد دموکراسی پایبند می نمایند، اما مبانی نظری دموکراسی را تأیید نمی کنند. این پژوهش با تمرکز بیشتر بر نقش اخوان المسلمین در تحولات اخیر در کشور مصر، نسبت میان آنان و دموکراسی را بررسی می کند و نقش اخوان در تحولات سیاسی و اجتماعی مصر را از منظری جامعه شناختی مورد بحث قرار خواهد داد. در این پژوهش سه عامل عمده در تبیین رویکرد اخوان به دموکراسی محوریت دارد. نخست اینکه عقلانیت اخوانی نقل را بر عقل مرجح می داند. دوم آن که دموکراسی در منظومه فکری اخوان ایدئولوژیک و غیر معرفتی است، و عامل سوم تعامل ابزار گونه با دموکراسی و ساز و کارهای عملی آن در ایدئولوژی اخوانی است، که در این پژوهش مرکزیت

خواهد داشت. هدف از این پژوهش سنجش نسبت میان دموکراسی و تفکر اخوانی است. نخست با تعریف و تبیین دموکراسی در معنای علمی آن از منظر نظریه پردازان غربی و اسلامی، مفهوم دولت و دموکراسی در اندیشه سیاسی نظریه پردازان اخوان مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله بعد با رویکردی جامعه‌شناختی ارتباط میان اخوان و ساختار قدرت سیاسی از ۱۹۵۲ تا ۲۰۰۷ م مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در پایان نقش سیاسی اخوان المسلمین جدید (حزب آزادی و عدالت) در تحولات اخیر مصر و علی‌الخصوص انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تبیین شده است. در نهایت این نتیجه گرفته شده است که اخوان المسلمین در عرصه نظری رویکردی ایدئوژیک به دموکراسی دارند و در عرصه عملی رویکرد ابزاری.

واژگان کلیدی: دموکراسی، اخوان المسلمین، اخوان المسلمین جدید، انقلاب ۲۵ ژانویه مصر.

نقش پاکستان در ایجاد ناامنی در افغانستان (۲۰۱۳ - ۱۹۹۲)

گل احمد احمدی

ناامنی و بی ثباتی در افغانستان بیش از سه دهه است که ادامه دارد. عوامل مختلفی در این ناامنی نقش داشته اند. نقش پاکستان به عنوان بزرگترین کشور همسایه افغانستان در تحولات افغانستان از همه پررنگ تر است. درست از زمان استقلال پاکستان که افغانستان به سختی حاضر شد آن را برسمیت بشناسد، روابط دو کشور هیچ گاه پایدار نبوده است. پاکستان همواره در برهه های زمانی مختلف در این کشور دخالت و در ناامنی نقش داشته است. در واقع اهداف اصلی پاکستان در افغانستان ریشه در منازعه مرزی افغانستان و پاکستان دارد که به سال ۱۹۴۷ میلادی بر می گردد. علاوه بر این در صورت ناامنی در افغانستان منافع اقتصادی و سیاسی نصیب پاکستان شده و خواهد شد. در زمان حمله شوروی به افغانستان، پاکستان منابع مالی فراوانی از سوی ایالات متحده دریافت می کرد. با ظهور طالبان پاکستان رفته رفته به منبع تروریسم بین المللی تبدیل شد و خواستار یک دولت ضعیف و تحت الحمایه در افغانستان بوده تا به تمام اهداف سیاسی و اقتصادی از جمله دسترسی به بازارهای آسیای میانه و ... خود دست یابد. از سال ۲۰۰۱ و سرنگونی رژیم طالبان در افغانستان، بقایای طالبان در پاکستان و افغانستان به فعالیت ادامه دادند

در واقع با پیدایش دوباره طالبان در نواحی مختلف افغانستان و پاکستان ، محیط افغانستان به صحنه رویارویی طالبان با این دولت تبدیل شده است. آنچه که در طول این پژوهش برای ما روشن شد. هم سوی بعضی منافع پاکستان و آمریکا در افغانستان است، به عبارتی در صورت ناامنی در افغانستان هر یک از دو کشور به نحوی از انحاء به منافع خود دست می‌یابند. در همین راستا نقش و موضع آمریکا در قبال دخالت‌های پاکستان در افغانستان نیز آشکار می‌شود. ناامنی در منطقه بخصوص در افغانستان حضور نیروی های نظامی در افغانستان توجیه کرده و بهانه ای است برای آمریکا که در افغانستان برای دراز مدت باقی بماند نه تنها به منافع خود در افغانستان بلکه به منافع خود در منطقه نیز دست یابد. در این بین پاکستان نیز بدون در نظر گرفتن مشترکات اسلامی، زبانی و فرهنگی بین دو کشور همسایه همواره و پی در پی در ناامنی افغانستان از هیچ کوششی دریغ نکرده است.

واژگان کلیدی: افغانستان، پاکستان، ناامنی، طالبان، آی اس آی ، منافع

پاکستان

اصلاحات امانی (امان الله خان شاه افغانستان ۱۳۰۷ - ۱۲۹۷ ش. / ۱۹۲۹ -
۱۹۱۹ م.) و عوامل ناکامی آن

محمد ناصر میرزایی

این پژوهش تحت عنوان اصلاحات امانی (امان الله خان شاه افغانستان ۱۳۰۷-۱۲۹۷ ش، ۱۹۲۹-۱۹۱۹ م.) و عوامل ناکامی آن که یکی از مقاطع حساس و سرنوشت ساز تاریخ سیاسی- اجتماعی معاصر افغانستان محسوب می شود؛ می پردازد، و هدف نگارنده پاسخگوئی و تحلیل عوامل ناکام ماندن این اصلاحات بوده است. در این راستا، این پژوهش در چندین فصل سازماندهی شده است؛ که با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، در وهله اول به زمینه های اجتماعی- سیاسی موجود در افغانستان بر لزوم انجام اصلاحات در آن مقطع تاریخی و پیشینه گفتمان اصلاحات در افغانستان پرداخته می شود، و در وهله دوم به بررسی ماهیت اصلاحات امانی در حوزه های سیاسی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی پرداخته می شود، و در نهایت به تفضیل با توجه به فرضیه هایی که در این پژوهش طرح گردیده است؛ به نقش عوامل داخلی و خارجی در ناکامی اصلاحات امانی از جمله: نقش تفسیر رایج از مذهب و نقش روحانیون، نقش فئودال ها و درباریان، توطئه انگلیس و نقش فقدان برنامه منسجم و عدم اعتدال از سوی امان الله خان پرداخته شده است. در

نهایت نگارنده به این نتیجه می‌رسد؛ که مجموعه عوامل به هم پیوسته فوق‌با همکاری مستقیم و غیر مستقیم باهم، شورش‌هایی را در مخالفت با اصلاحات پدید آوردند، و در نهایت باعث تضعیف و سقوط حکومت شاه امان‌الله خان گردیدند. اما در این بین تفسیر رایج از مذهب و نقش روحانیون به عنوان عامل اصلی و اساسی و تحریک‌کننده دیگر عوامل فرعی دیگر تحلیل می‌گردد.

واژگان کلیدی: افغانستان، اصلاحات، شاه امان‌الله خان، عوامل ناکامی اصلاحات

ناتو و ایجاد امنیت در افغانستان (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

علی سعیدی

امنیت از مهمترین دغدغه‌های فکری سیاستمداران تمام دولتها محسوب می‌شود. در کشورهای جهان سوم که از بی ثباتی‌های طولانی مدت، تعارضات، درگیری‌های مرزی، چالش‌های دولتی، فقر، مدیریت ضعیف و ناامنی‌های فرهنگی و اجتماعی رنج می‌برند مفهوم امنیت از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است. از سویی دیگر در این کشورها نمی‌توان تاثیر عوامل بیرونی، شرایط بین‌المللی و تاثیر قدرتهای خارجی بر امنیت آنها را نادیده گرفت. کشور افغانستان نیز از جمله ی این دولتها محسوب می‌شود. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله‌ی آمریکا و متحدانش به افغانستان، ناتو مسئولیت تامین امنیت در این کشور را بر عهده گرفت. اما با وجود گذشت بیش از ۱۳ سال از حضور ناتو در افغانستان، هنوز ناامنی در این کشور ادامه داشته و مردم افغانستان از ناامنی رنج می‌برند، ناامنی در افغانستان ناشی از چالش‌های داخلی و همچنین چالش‌های بین‌المللی می‌باشد. حضور گروه تروریستی طالبان در این کشور، مواد مخدر، چالش‌های قومی و همچنین دخالت کشورهای همسایه مخصوصا پاکستان و عدم هماهنگی در سیاست‌های قدرت‌های حاضر در افغانستان از جمله عوامل اصلی ناامنی در این کشور می‌باشند. این پژوهش

درصدد بررسی نقش ناتو در ایجاد امنیت افغانستان و عوامل ناکامی آن می‌باشد. به دلیل وجود چالش‌های قومی، دخالت کشورهای همسایه از جمله پاکستان و همچنین عدم هماهنگی میان سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌های عضو ناتو در این کشور، این سازمان نتوانسته است امنیت در افغانستان را ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: افغانستان، ناتو، امنیت، طالبان، قوم‌گرایی

حقوق اقلیت ها در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق افغانستان

عبدالواحد فیضی

وجود اقلیتهای قومی، زبانی، نژادی، ملی و مذهبی با گرایشهای مختلف، واقعیتی است که از قرنهای پیش در داخل بسیاری از کشورها وجود داشته است. توجه به حقوق این اقلیتهای به عنوان جزئی از حقوق بشر، صرفاً از اوایل قرن بیستم میلادی آغاز می شود و با تصویب منشور ملل متحد به اوج خود میرسد. حال آنکه تا قبل از قرن بیستم میلادی، حقوق اقلیتهای جزء مسائل سیاسی محسوب می شد و داخل در صلاحیت انحصاری دولتها بود. امروزه حق برابری با اکثریت، حق برخورداری از محیط زیست سالم، حق برخورداری از تحصیلات با توجه به ویژگیهای اقلیتی و... از جمله حقوقی است که برای کلیه اقلیتهای در اسناد بین المللی حقوق بشر در نظر گرفته شده است. علاوه بر این هر دسته از اقلیتهای حقوق ویژه خود را نیز دارا هستند. به رغم وجود برخی محدودیتهای در مسیر توسعه قواعد حقوق اقلیتهای، مکانیسمهای بین المللی و منطقه ای اجرای آن قواعد که از دوران جامعه ملل آغاز شده، تا به امروز دچار تغییرات و پیشرفتهای بسیاری شده است. افغانستان کشوری متشکل از اقوام، نژادها، زبانها و فرهنگهای گوناگون است. نظامهای سیاسی حاکم بر این کشور در گذشته، از یک سو مذهب محور و از سوی دیگر

همواره حامی نژاد و زبان خاص بوده و از نژاد پشتون حمایت می‌کردند. به همین دلیل در این سرزمین همواره درگیریهای قومی، مذهبی و منطقه‌ای وجود داشت که به صورت طبیعی حقوق و کرامت بشری پامال می‌شد؛ اما آنچه در اینجا به عنوان شاخصهای اصلی نقض کرامت بشری مورد عنایت قرار می‌گیرد، عملکرد نظاممند دولتها در نقض حقوق انسانی اقلیتهای همیشه محکوم آن بود. این پژوهش، در صدد پاسخگویی به این سؤال اساسی است که: عوامل نقض حقوق اقلیتهای در افغانستان چه بوده و راهکارهای رفع آن چیست؟ به نظر می‌رسد مهمترین زمینه‌های نقض حقوق اقلیتهای در افغانستان عبارت بودند از: رویکرد قوم‌مداری، فرقه‌گرایی افراطی و تعصب زبانی نظامهای سیاسی گذشته‌ی این سرزمین که هرکدام به نوبه‌ی خود موجبات تبعیض و سلب گسترده‌ی حقوق اقلیتهای را فراهم ساخته که آثار مخرب آن تا هنوز در زندگی اجتماعی و سیاسی افراد متعلق به اقلیتهای مشاهده میشود. به تناسب، راهکارهای عمده برای رفع زمینه‌های نقض حقوق اقلیتهای، توسعه سیاسی، اجرای عدالت اجتماعی و آموزش حقوق بشر پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی: اقلیت، نظام بین‌الملل حقوق بشر، نظام حقوق افغانستان، قوم‌مداری، توسعه سیاسی و عدالت اجتماعی.

نقش یونسکو در توسعه آموزش با تأکید بر افغانستان

حسین مجیدی

حق بر آموزش یکی از مهمترین و اساسی ترین حقوق بشر است که ارتباط بسیار نزدیکی با ضروریات حیاتی زندگی انسان دارد و راه مسلم رسیدن به دیگر حقوق می باشد. برای تحقق و اعمال حق آموزش، شرایطی لازم است که تا مهیا نگردد استیفای حق نیز مقدور نخواهد بود، به عبارتی، آموزش باید واجد شرایط قابلیت دستیابی، قابلیت دسترسی، قابلیت پذیرش و قابلیت انعطاف پذیری باشد و دارای مؤلفه هایی چون همگانی بودن، رایگان بودن و اجباری بودن، باشد. یونسکو به عنوان شاخص ترین نهاد بین المللی در حیطه آموزش با در نظر داشت موارد فوق نزدیک به هفت دهه است که اقدامات بسیار زیادی در جهت توسعه حق بر آموزش در جهان بخصوص در آفریقا و جنوب غربی آسیا داشته است. یونسکو با توجه به اهدافش، در افغانستان، خط مشی خاصی را ترسیم نموده و در آن راستا فعالیت های گسترده ای در حیطه آموزش، از جمله ایجاد شرایط مناسب برای آموزش رایگان، اجباری و باکیفیت برای همه، مبارزه با هر گونه تبعیض و بی عدالتی، هماهنگی و هدایت سازمانهای داخلی و بین الملل و همچنین ارائه مساعدت های علمی و فنی انجام داده است. در نتیجه این فعالیت ها، توسعه و پیشرفت چشمگیری در آموزش

افغانستان در دهه اخیر حاصل آمده است که گویای نقش موثر و انکار ناپذیر یونسکو می باشد. در نوشتار حاضر، اقدامات، عملکرد و فعالیتهای یونسکو در حیطه آموزش بحث و نقش یونسکو در توسعه آموزش افغانستان در ابعاد مختلف بررسی شده است و در نهایت به مشکلات و چالشهای توسعه آموزش افغانستان پرداخته و برای حل این مشکلات راهکارهایی ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: یونسکو، حق برآموزش، توسعه، افغانستان

صلح سازی و حقوق اقلیت ها با تاکید بر افغانستان

محمدعلی اخلاصی

صلح سازی و حقوق اقلیتها که عنوان این تحقیق است، در صدد پاسخگویی به این سوال اساسی است که چه رابطه ای میان صلح سازی و حقوق اقلیتها وجود دارد؟ پاسخ کوتاه به این سؤال این است که توجه به حقوق اقلیتها نقش مثبتی در صلح سازی دارد. برای اثبات این موضوع ابتدا صلح و مفاهیم مرتبط با آن توضیح داده شده است. منظور از صلح در این جا به معنای نبود جنگ نیست، بلکه معنای عامتری دارد که توسعه، حقوق بشر، امنیت انسانی، عدالت و... را شامل می شود که همه ی اینها ابزارهای مهم صلح سازی به حساب می آیند. بنابراین برای فراهم سازی چنین صلحی، ابزارهای مهم آن از جمله حقوق اقلیتها، باید فراهم آید. به همین دلیل رابطه ی این مفاهیم با صلح سازی اثبات شده است. میان صلح سازی و حقوق اقلیتها در افغانستان نیز ارتباط نزدیکی وجود دارد. به همین دلیل بحث تاریخی حقوق اقلیتها، حقوق اقلیتها در قانون اساسی فعلی افغانستان، تأثیر عدم رعایت حقوق اقلیتها بر مخاصمات افغانستان و تأثیر مثبت رعایت حقوق اقلیتها در فراهم آمدن زمینه های صلح، از مباحثی است که در خصوص افغانستان در این تحقیق، بررسی گردیده است.

تبعیض جنسیتی در افغانستان؛ زمینه ها و راهکارهای رفع آن

مختار حسین حیدری

برابری وعدم تبعیض، یکی از اصول بنیادین نظام بین الملل حقوق بشر است که طبق آن هر نوع تفاوت گذاری میان افراد براساس ویژگی های از جمله: نژاد، جنسیت، رنگ، دین و زبان ممنوع است. یکی از انواع این اصل بنیادین، ممنوعیت تبعیض براساس جنسیت است که مواد متعددی از اسناد مختلف و یک سند کامل حقوق بشری با عنوان (کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان)، به آن اختصاص یافته است. افغانستان به عنوان یکی از اعضای این اسناد حقوق بشری، سابقه قابل قبولی در مورد برابری جنسیتی نداشته و در دوران معاصر، حقوق بشر به خصوص حقوق زنان، شدیداً در این کشور نقض شده است. این تحقیق، در صدد پاسخ به این سوال است که: پدیده تبعیض شدید جنسیتی در افغانستان چه زمینه ها، (علل و خاستگاه ها) ای دارد و برای رفع تبعیض جنسیتی چه باید کرد؟ به نظر می رسد مهمترین زمینه های تبعیض جنسیتی در افغانستان عبارت اند از: چالش های نظام حقوقی، برداشت های خاص دینی و مشروعیت فرهنگی تبعیض جنسیتی. این سه زمینه اصلی تبعیض جنسیتی در این تحقیق بررسی خواهد شد. توصیف وضعیت نامطلوب کنونی بدون ارائه راهکار های رسیدن به وضعیت مطلوب، چندان مفید نیست

و به همین دلیل ارائه راهکارهای رفع تبعیض جنسیتی و افزایش برابری جنسیتی، نیز لازم است. سه راهکار عمده برای رفع تبعیض جنسیتی عبارتند از: راهکار حقوقی برای رفع چالش‌های حقوقی، استفاده از اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه و برابری طلبانه در جهان اسلام و تلاش‌های فرهنگی در راستای زدودن زمینه‌ی مشروعیت تبعیض جنسیتی. واژه‌های کلیدی: تبعیض، تبعیض جنسیتی، نظام حقوقی افغانستان، زمینه‌های تبعیض جنسیتی و راهکارهای رفع تبعیض جنسیتی.

دموکراسی تسهیمی؛ الگوی همزیستی مسالمت آمیز قومی،

بر مورد افغانستان

غلام سخی احسانی

تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی افغانستان، مشحون از تجربه‌های تلخ نظام‌های استبدادی، با ماهیت قومی فرقه‌ای است. به نحوی که هیچگاه مجالی برای شکل‌گیری هویت ملی مشترک و تشکیل دولت ملی با قاعده‌ی وسیع فراهم نشد. در حقیقت تاریخ روابط اقوام با اقوام و اقوام با دولت، یادآور خاطرات دردناکی است که حافظه‌ی تاریخی این سرزمین را مکدر ساخته. این مطلب به معنای ادعای تعارض‌زا بودن ذات ساختار گروه‌های قومی نیست. بلکه در صدد گشودن این نکته است که وجود فاکتورهای مذکور، مستعد بروز چنین تنش‌هاست. به همین دلیل دستگاه حاکمیت قوم‌گرا، همواره شکاف‌های قومی-فرقه‌ای را، به شکل نیمه‌فعال، در خود پرورانده و در مواقع لزوم، از طریق برانگیختن یک گروه قومی-فرقه‌ای علیه دیگر گروه‌ها، استفاده کرده است. که در نهایت موجب قطبی شدن نهاد قدرت در طول تاریخ افغانستان گردید. در حقیقت همین مسئله سبب شده که اکنون پدیده‌ی دموکراسی، مورد اقبال عموم مردم افغانستان قرار گیرد. زیرا مردم، اکنون به دموکراسی، به حیث عامل اسطوره‌زدایی از قدرت دیوانه‌وار حاکمان مستبد قوم‌گرا؛

و نیز فرصتی در راستای تحقق حاکمیت مردمی، دل بسته است. ولی باید در نظر داشت که دموکراسی یک مفهوم عام، مطلق، جهان شمول و تک‌الگویی نیست؛ بلکه دموکراسی صرفاً شیوهی حکومت‌داری است؛ که هر جامعه بنابه فراخور ساختار اجتماعی، قومی و ارزش‌های مکتبی خود می‌تواند نوعی از آن را برگزیند. از این جهت شایسته است، این ایده در قالب الگوی پیاده شود که توزیع قدرت را، در میان اقوام به شکل مطلوب محقق نماید؛ تا زمینه‌ی نارضایتی، که از موجبات اصلی بروز بحران‌های گوناگون است، کاهش یابد. حال که لیبرال دموکراسی و سیستم نظام ریاستی، با چالش‌هایی که فرارو دارد، با مشکل مواجه شده است؛ دموکراسی تسهیمی (که مبتنی بر تسهیم قدرت در میان گروه‌های قومی، بر مبنای حجم، وزن و اهمیت آنان می‌باشد) مناسب‌ترین الگوی حکومت‌داری برای جامعه‌ی چند قومی افغانستان است. اما توزیع تناسبی قدرت نباید براساس تناسب ثابت و دائمی باشد بلکه نظر به رشد جمعیت، حالت سیال داشته باشد. چون قومی که در یک مقطع زمانی اکثریت نسبی را تشکیل دهد، امکان دارد در آینده از دست بدهد. و نیز به تناسب هر قوم شمار معینی نماینده در نظر گرفته شود. چون ممکن است قومی، در بعضی مناطق به خاطر اقلیت بودن، هیچگاه نتواند از طریق سیستم رقابتی در پارلمان راه پیدا کند؛ لذا با هدف تأمین مشارکت عام و همه شمول (هم به لحاظ قومی و هم به لحاظ جغرافیایی) در تصمیم‌گیری، از طریق آن تعداد ثابت تناسبی، جبران گردد.

واژگان کلیدی: دموکراسی تسهیمی، گروه‌های قومی، تسهیم قدرت، چالش‌های دموکراسی نوین، عناصر بحران‌زا و توزیع تناسبی قدرت.

همگرایی کشورهای راه ابریشم (ازبکستان، افغانستان و تاجیکستان)

غلام سخی جوادی

در بحث اول، جغرافیای تاریخی کشورهای راه ابریشم را، ملاک اتحاد دانسته و از روند شکل گیری نظامها از اقوام مختلف در این سرزمین ها اشاره شده است و البته پیوستگی جغرافیای، یگانگی تاریخی، نخبگان منطقه خراسان را متوجه همکاری های اقتصادی و امنیتی کرده است. در بحث دوم؛ از ضرورتها (شرایط شکل گیری) نهاد همگرایی و ویژگیهای تداوم آن سخن گفته و در ضمن، بررسی کانالهای اتصال به بازارهای جهانی، اقتصاد باز، بازار آزاد و جلب سرمایه های خارجی در قالب نهاد همگرایی به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر و مهم تلقی شده است. در بحث سوم؛ به عوامل واگرایی بین کشورهای منطقه توجه شده است که عبارتند از: منازعات مذهبی، قومی، زبانی، مرزی، آبی و انرژی (نفت، گاز و برق) و... که در این گونه موارد باید تدابیر اساسی و بدون خشونت در سطح منطقه سنجیده شود زیرا که بدیل دیگری ندارد. در بحث چهارم؛ به عوامل همگرایی و همکاریهای فراگیر توجه می شود و آن عوامل عبارتند از وحدت سیاسی در تاریخ، ریشه های فرهنگ و زبان تاریخی منطقه آسیای مرکزی، احیاء راه ابریشم یا اتصال راه های (هوایی، جاده ای، وریلی) بین کشورهای منطقه و تکمیل خطوط لوله نفت و گاز و مهم تر از همه مدیریت

آبهای منطقه به یک وابستگی متقابل اقتصادی منجر می شود. در بحث پنجم؛ به دیدگاه های قدرتهای منطقه ای و جهانی در باره احیاء راه ابریشم پرداخته و می بینیم که چین و جمهوری اسلامی ایران خواهان تکمیل راه آهن چین-ایران از طریق آسیای مرکزی است و ترکیه هم موافق می باشد و آمریکا از همگرایی بین کشورهای منطقه اعلام حمایت کرده است و فقط روسیه تمایل چندانی ندارد زیرا، همکاری منطقه ای دست روسها را قطع می کند. در بحث آخر؛ پیامدهای همگرایی (افزایش همکاریهای مؤثر) را برشماریم و می بینیم که از مهم ترین آثار همگرایی امنیتی و اقتصادی، توسعه و تقویت اقتصادهای مکمل و در نهایت ایجاد وابستگی متقابل کشورهاست و در همگرایی فرهنگی به نقش امنیتی مذهب و ص زبان فارسی توجه شده است.

واژگان کلیدی: همگرایی، همکاری، راه ابریشم، عوامل واگرایی و همگرایی اقتصادی و امنیتی

بررسی تطبیقی حقوق ملت در قوانین اساسی جمهوری اسلامی

و عراق جدید

محسن ابراهیمی

در این پژوهش تلاش شده، موضوع حقوق ملت به عنوان یکی از بارزترین بخشهای قوانین اساسی جوامع مختلف در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی جمهوری عراق که دارای شباهتهای جامع شناختی و سیاسی هستند مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد؛ این موضوع از این باب اهمیت دارد که در آینده قانون نویسی دو کشور مورد توجه قرار گرفته و در اصلاحات آتی که ممکن است در قوانین اساسی انجام شود مورد استفاده و بهره برداری قرارگیرد به همین لحاظ در این پژوهش وضعیت جامع شناختی سیاسی هر دو کشور در دوران تدوین قوانین اساسی بررسی شده و به اقتضائات و محدودیتهای آن توجه گردیده است؛ از این رو برای اینکه بتوان معیار و ملاک مناسب و بنیادین برای تطبیق حقوق ملت در دو قانون اساسی در دست داشت به حقوق برگرفته از اعلامیه جهانی حقوق بشر که از اعلامیه‌های اصلی در قانون نویسی است استناد شده و مبنای سنجش قرار گرفته است. در نتیجه پس از طی مسیر شکل‌گیری تدوین قوانین دو کشور به جزئیات اصول پرداخته شده است بر این اساس در جمهوری اسلامی ایران به دلیل اقتضائات

اجتماعی و ساختار قانون نویسی، اصول قانون اساسی به ویژه حقوق ملت ایران، مقید، مشروط و محدود به اسلام و شریعت شده است که هماهنگ با ایدئولوژی اسلام سیاسی امام خمینی (ره) است؛ در مقابل، قانون اساسی عراق به دلیل وجود ایدئولوژی های متنوع در فضایی آکنده از فشارهای سیاسی و اجتماعی ناشی از وجود نیروهای سیاسی مختلف قومی و مذهبی شکل گرفته و در نهایت منطبق با خواست حداکثری نیروها شده است به همین لحاظ حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصولی مغایر با ارزشها و مفاهیم حقوق بشر جهانی است؛ در صورتی که حقوق ملت مندرج در قانون اساسی جمهوری عراق تا حد زیادی منطبق بر تنوع فرهنگی و ایدئولوژیک لیبرالیسم و هم سو با اعلامیه حقوق بشر می باشد.

تعهدات افغانستان در برابر اقلیتها در نظام بین المللی حقوق بشر

و حقوق افغانستان

مصطفی احسانی

حقوق اقلیتها به عنوان بخشی از حقوق بشر از موضوعات مهمی است که علی رغم سابقه طولانی که دارد، هنوز تعریف واحد و منسجمی از آن به عمل نیامده است. ولی با وجود این دولتها با تصویب میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی متعهد گشته اند ضمن شناسایی اقلیتهای موجود در کشورهايشان از حقوق آنان حمایت به عمل آورند. از اینرو یکی از تعهدات بسیار مهمی که دولت افغانستان با تصویب میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن متعهد شده است، حمایت و به رسمیت شناختن اقلیتهای موجود در افغانستان می باشد. حمایت از حقوق اقلیتها با توجه به بافت جمعیتی افغانستان که متشکل از اقوام گوناگونی می باشد نیاز به توجه بیشتری از سوی دولت افغانستان دارد. هر چند با تشکیل دولت جدید و تصویب قانون اساسی جدید افغانستان ضمن شناسایی اصل عدم تبعیض و همچنین ذکر نام اقوام افغانستان تلاش داشته است نشان دهد که حمایت های قابل توجهی از اقلیتهای موجود در افغانستان نسبت به دوران قبل داشته و پیشرفتهای قابل توجهی در حمایت از اقلیتها در افغانستان بوجود آمده است. ولی با وجود این

بررسی ها نشان می دهد که ضمن پیشرفتهای صورت گرفته در قانون اساسی نسبت به اقلیتها در عمل ما هنوز شاهد تبعیض های بسیاری نسبت به حقوق اقلیتها در افغانستان هستیم.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، اقلیت، اصل عدم تبعیض، قانون اساسی

فرصت ها و محدودیت های مشارکت سیاسی شیعیان در افغانستان معاصر

محمد شریف محمدی

شیعیان در افغانستان با محدودیتهای و فرصتهایی در مشارکت سیاسی روبرو بوده اند. هرچند که کفه محدودیتهای همواره سنگین تر بوده است و به همین جهت تا سالهای ۱۳۴۳ شمسی از مشارکت سیاسی در سرنوشت خود محروم بوده اند. از سالهای بعد از دهه چهل شمسی کم کم زمینه مشارکت سیاسی شیعیان به وجود آمد و فرصتهایی نیز برای مشارکت سیاسی شیعیان خلق شد، هرچند که این فرصتها بسیار اندک بود. پرسش اساسی در این رساله، این است که فرصتها و محدودیت های مشارکت سیاسی شیعیان، با توجه به ساختار قومی جمعیتی در افغانستان چگونه بوده اند؟ در این رساله سعی شده است فرصتها و محدودیتهای مشارکت سیاسی شیعیان با الهام از روش نهادگرایی جدید و یلیامسون در حوزه فرهنگ، قانون اساسی، ساختار سیاسی و سیاستهای جاری حکومت ها در عرصه قدرت اجرایی بررسی شود. عناصر و مولفه های فرهنگ سیاسی، ساختارهای سیاسی متفاوت، قوانین اساسی مختلف و سیاستهای جاری حکومتها در عرصه اجرا نشان می دهد که حوزه های فرهنگ، ساختار سیاسی و قوانین اساسی متغیر مستقل و تاثیر گزار بر مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته ی حوزه های فوق

به شکل جدی تحت تاثیر آن ها قرار دارد. نوع فرهنگ حاکم، ساختار سیاسی متفاوت و سیاستهای جاری حکومتها، و قوانین اساسی متفاوت فرصتها و محدودیتهای مشارکت سیاسی را شکل می بخشند. حاکمیت قوم خاص، فرهنگ سیاسی متعصب و غیر متساهل، ساختار سیاسی استبدادی و سیاستهای برتری جوی قومی و قوانین اساسی غیر دموکراتیک فرصت مشارکت سیاسی شیعیان را محدود می نماید. با دموکراتیک تر شدن حوزه های فوق، و تغییرات در سیاستهای جاری کارگزاران، فرصتهای مشارکت سیاسی افزایش و محدودیت های آن کاهش پیدا می نماید. پیشنهاد نهادهای ساختن ارزشهای دموکراتیک در فرهنگ و قانون اساسی و همچنین تغییرات دموکراتیک در ساختار سیاسی؛ مبتنی بر مشارکت پذیر ساختن و تقسیم قدرت میان اقوام متعدد به تناسب نفوذ، می تواند محدودیتهای را تبدیل به فرصت برای مشارکت سیاسی شیعیان نماید. رساله به جهت عمل به رسالت خود و رسیدن به فرضیه و نتیجه فوق در پنج فصل طراحی و بررسی شده است؛ فصل اول کلیات و چارچوب نظری است که به بحث مشارکت سیاسی و رهیافت نهاد گرای پرداخته است. فصل دوم جایگاه شیعیان در ساختار قومی جمعیتی افغانستان است که بیانگر وضعیت مشارکت سیاسی شیعیان و فاصله داشتن از جایگاه واقعی است. فصل سوم فرصتها و محدودیت های موجود در فرهنگ حاکم برای مشارکت سیاسی شیعیان است. فصل چهارم انواع ساختارهای سیاسی، عرصه قدرت و سیاستهای جاری و فرصتها و محدودیتهای مشارکت سیاسی را بررسی نموده است. فصل پنجم قوانین اساسی دوره های مختلف و فرصتها و محدودیتهای آن برای مشارکت سیاسی شیعیان را مورد توجه قرار

داده است. موخره هم به جمع بندی نه‌ای و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

واژگان کلیدی: فرصت‌ها، محدودیت‌ها، فرهنگ، قانون اساسی، ساختار سیاسی، عرصه قدرت، سیاست‌ها، مشارکت سیاسی، شیعیان، نهادگرایی، افغانستان معاصر.

مبانی فکری و زمینه های اجتماعی - سیاسی شکل گیری سازمان القاعده

محمد امین حیدری

هدف این پژوهش تبیین و تحلیل مبانی فکری و زمینه های اجتماعی سیاسی شکل گیری سازمان القاعده است. این بررسی و تحلیل که بر مبنای روش و نظریه گفتمان لاک لا و وموف انجام شده، سازمان القاعده در چارچوب گفتمان اسلام سیاسی محصول دوران جهاد و مبارزه با ایدئولوژی مارکسیسم در افغانستان بوده و بعد از جنگ خلیج فارس و حضور نیروهای آمریکایی در عربستان در غیریت با غرب و معضلات و مشکلات جهان اسلام تعریف و هویت خویش را تبیین نمود. بنابراین سازمان القاعده در قالب و چارچوب یک گفتمان در غیریت با گفتمان های مارکسیستی و لیبرالیستی و بحران های موجود در جهان اسلام شکل گرفت؛ معمولا هر گفتمانی حاوی مجموعه ای از مفاهیم و گزاره های کلیدی است که یکی از این نشانه ها نقشی کانونی دارد و سایر نشانه ها حول آن به گردش در می آیند و معنایی را تولید می کنند؛ و این گفتمان جهاد را با عنوان دال مرکزی قرار داده و دال های چون امت، شهادت، حکومت اسلامی، بازگشت به اسلام اصیل، خلافت اسلامی، شریعت، مبارزه با کفار و ... در رابطه با این دال مرکزی تحلیل و معنا می کند. به لحاظ فکری سازمان القاعده متأثر از گفتمان های اسلام گرایی رادیکال (جریان وهابیت، اخوان

المسلمین و دیوبندی) در جهان اهل سنت است. که تحت تأثیر شرایط سیاسی اجتماعی چون اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، بحران لاینحل فلسطین، بحران‌های ناشی از نفوذ فرهنگ غرب، حضور نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه، متون دینی و پیشینه تاریخی اسلام، فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و ناکارآمدی نظام سیاسی و فساد و تبعیض در جوامع اسلامی و کشورهای خاورمیانه است. نشانه‌های گفتمان حاکم بر سازمان القاعده در اساس مدلی از دیدگاه جهادی سلفی است که در موارد زیر می‌شود خلاصه کرد: غرب ستیزی، جهاد و مبارزه با کفار، مبارزه علیه حاکمان فاسد و تشکیل خلافت اسلامی.

موانع همگرایی در کشورهای فارسی زبان

اسدالله زائری

انتخاب موضوع این پژوهش بر اساس این مفروض صورت پذیرفته که حداکثر زمینه همگرایی هم چون زبان، دین، فرهنگ و تاریخ مشترک در کشورهای فارسی زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان، وجود دارد. با فروپاشی اتحاد شوروی، و استقلال تاجیکستان و وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی متعاقب آن استقرار حکومتی مردمی در افغانستان شرایط برای شکل گیری همگرایی سه کشور فراهم گردید. تلاش های نیز تا کنون صورت گرفته که هیچ کدام ثمره ای نداشته اند، و ایده همگرایی سه کشور کماکان تحقق نیافته است. همگرایی در کشورهای فارسی زبان با موانع درونی (سیاسی و اقتصادی) و بیرونی حضور بازیگرانی فرا منطقه ای و منطقه ای مواجه است، در بعد درونی ساختارهای سیاسی نا همگون، عدم توسعه سیاسی، فقدان کثرت گرایی سیاسی، مهم ترین عامل باز دارنده بر سر راه همگرایی محسوب می شود. در حوزه بیرونی حضور بازیگرانی منطقه ای و فرا منطقه ای نقش منفی را ایفا می نمایند. عوامل منطقه های نظیر عربستان و پاکستان به دلیل رقابت های فشرده ای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که با جمهوری اسلامی ایران دارند، به سیاست فارسی گریزی کمک می نمایند. همین طور روسیه کشور

تأثیرگذار در تاجیکستان از همگرایی کشورهای فارسی‌زبان و الگو شدن برای سایر کشورها واهمه دارند. نقش و تأثیر عوامل بیرونی در واگرایی کشورهای فارسی‌زبان قابل توجه است، اما عامل تعیین‌کننده نیست. بلکه مشکل اصلی در ساختارهای نامتجانس و فقدان اراده سیاسی، جهت پویا سازی زیر ساختهایی مشترک به سود همگرایی می باشد. دو کشور افغانستان و تاجیکستان به دلیل بی ثباتی سیاسی یا نا کار آمدی سیستم بوروکراسی شان توانایی لازم را برای تصمیم گیری و پیگیری اهداف همگرایانه ندارد. در این نوشتار، ضمن بررسی موانع بیرونی و درونی، در سه کشور و در نهایت به صورت خلاصه، برای عبور از موانع و رسیدن به همگرایی سه کشور، راهکارهایی ارائه شده است.

گفتمان دموکراسی و مشروعیت سیاسی در افغانستان پسا طالبان

محمد قیوم عرفانی

هدف از این پژوهش آن بود که تأثیر گفتمان دموکراسی بر مشروعیت سیاسی در افغانستان پسا طالبان را مورد بحث و کنکاش قرار دهد. لازم بود که ذیل این موضوع، در باره‌ی مفهوم دموکراسی و مشروعیت سیاسی و نیز نظریه‌های مشروعیت سیاسی در اسلام و غرب بحث می‌شد. از همین رو، این کار در بخش نخست انجام گرفت. در بخش دوم، با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف، در چارچوب بحث‌های نظری بخش اول، به مباحث تطبیقی و تحلیل گفتمان‌های سیاسی در افغانستان پرداخته شد. به عنوان زمینه‌ی تبیین گفتمان دموکراسی در افغانستان پسا طالبان، از گفتمان‌های سیاسی مجاهدین و طالبان بحث شد. گفتمان دولت اسلامی مجاهدین، پس از پیروزی بر گفتمان دولت کمونیستی نجیب، از درون دچار گسست و فروپاشی شد و در پی آن، خ رده گفتمان‌های حزب‌های جهادی سر بر آوردند و به تنازع مسلحانه با یکدیگر پرداختند. این گفتمان، به همین دلیل، گریبانگیر بحران‌ها و مسائلی شد که نتوانست مشروعیت سیاسی فراگیری را به دست بیاورد و همواره متکی بر سر نیزه و زور بود. گفتمان سیاسی طالبان که در پاسخ به ناکارآمدی و بی‌اعتباری گفتمان دولت اسلامی مجاهدین ظهور پیدا کرده بود، پس از هژمونیک

شدن، مسائل و بحران‌های جدیدی را برای اکثریت مردم افغانستان به وجود آورد. این گفتمان، مشروعیتی را که برای نظام سیاسی طالبان دست و پا کرده بود، مشروعیت فراگیر و ملی نبود، بلکه مشروعیت گروهی و نه حتی قومی بود. بنابراین، حکومت طالبان نیز حکومتی مبتنی بر زور و سر نیزه بود. نارضایتی اکثریت مردم و ناکارآمدی، در نهایت، بستر بی‌قراری این گفتمان را نیز فراهم نمود. پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م. زمینه‌ی شکل‌گیری و استقرار گفتمان دموکراسی در افغانستان فراهم گردید. این گفتمان، با کارگزاری کارگزاران گفتمان لیبرال دموکراسی، در افغانستان ورود پیدا کرد و مورد پذیرش اکثریت مردم این کشور قرار گرفت. در قرارداد ب ن، که ب ن مایه‌ی گفتمان دموکراسی در افغانستان تلقی می‌شود، تصمیم گرفته شد که در افغانستان جامعه‌ی سیاسی و مدنی تشکیل گردد و شرکت‌کنندگان افغانی توافق کردند که متحد شوند تا زندگی صلح‌آمیزی را شروع کنند. سپس، توافق دیگری را شکل دادند که طبق آن اکثریت به نیابت از اجتماع تصمیم می‌گیرند. بالأخره، توافقی نیز میان اکثریت و حاکمانی که اکثریت برگزیده بودند، انجام گرفت که براساس آن حاکمانی که به عنوان فرمانروایان سیاسی به استخدام در آمده‌اند تنها تا زمانی در این مقام می‌مانند و مشروعیت دارند که شرایط معین حکومت عادلانه، کثرت‌گرا و مؤثر را رعایت کنند و اکثریت، به این ترتیب، فرمانروایی سیاسی را بر اساس قانون مکتوبی به فردی انتقال دادند. در نتیجه، جهت اثبات فرضیه‌ی تحقیق بیان شد که گفتمان دموکراسی در افغانستان پساطالبان مبنای مشروعیت سیاسی را از لحاظ فلسفی، از نظریه‌ی فرمانروای الهی و دینی به نظریه‌ی قرارداد اجتماعی

لاک و رضایت مردمی و از حیث جامعه شناختی، از نظریه‌ی سنتی و بر به نظریه‌ی عقلانی - قانونی وی تغییر داده است. لذا، نظام سیاسی برآمده از توافقات مردم و مبتنی بر دموکراسی در افغانستان پساتالبان، مشروع‌ترین نظام در تاریخ سیاسی این کشور برشمرده شد؛ اما این سخن به این معنا تلقی نشد که گفتمان دموکراسی در افغانستان چالش‌هایی ندارد و با بحران مشروعیت مواجهه نمی‌باشد. عمده‌ترین چالش‌ها در سه دسته چالش‌های گفتمانی، هویتی و اقتصادی طبقه بندی و برشمرده شد و سازوکارهایی به مثابه‌ی راه حل آن‌ها ارائه شدند.

واژگان کلیدی: دموکراسی، گفتمان دموکراسی، مشروعیت سیاسی،

تحلیل گفتمانی، افغانستان، پساتالبان

جرم آدم ربایی در حقوق ایران و افغانستان

ابراهیم حسینی

دین اسلام و اعلامیه های حقوق بشری و قانون اساسی کشورهای ایران و افغانستان سلب آزادی تن و تعرض به آن ها را ممنوع اعلام کرده اند. یکی از جرائمی که علیه آزادی تن اشخاص صورت می گیرد جرم آدم ربایی است. آدم ربایی به انتقال یک شخص از مکانی به مکان دیگر برخلاف میل و اراده مجنی علیه گفته می شود که در حقوق کیفری ایران در ماده ۶۲۱ و ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی و در حقوق کیفری افغانستان نیز قانونی تحت عنوان قانون مبارزه با اختطاف و قاچاق انسان در سال ۸۷ مستند و عنصر قانونی این جرم محسوب می شود، عناصر جرم آدم ربایی با اخفاء، گروگان گیری و توقیف غیر قانونی اشخاص متفاوت است، هرچند در حقوق کیفری ایران جرم گروگان گیری و آدم ربایی به صورت مجزا از یکدیگر بیان نگردیده است، اما این جرم در حقوق کیفری افغانستان به صورت مجزا در مواد قانونی پیش بینی شده است. در هر دو حقوق کیفری ایران و افغانستان می توان آدم ربایی را به آدم ربایی ساده و آدم ربایی مشدد تقسیم بندی نمود، در آدم ربایی مشدد قانون گذار به تبع اثرات منفی و مخرب تر این نوع ارتکاب ها، مجازات آدم ربا را نیز تشدید نموده است. به نظر می رسد در حقوق کیفری ایران موادی از قانون جزاء

سابق و بالاخص قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۵۳ که در رابطه با جرم آدم ربایی است هنوز کاملاً منسوخ نگردیده است و در حقوق کیفری افغانستان نیز موادی از قانون مجازات مصوب ۵۵ در کنار قانون مبارزه با آدم ربایی مصوب ۸۷ هنوز قابل اعمال در احکام دادگاه ها است.

واژگان کلیدی: آدم ربایی، اختطاف، گروگان گیری، حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری افغانستان

مشارکت سیاسی زنان افغانستان : مقایسه دوران طالبان و پس از طالبان

سکینه محرابی

مشارکت سیاسی زنان یکی از مباحث مهم در نظریات توسعه و نوسازی است. در سال ۱۹۱۹ م. که اولین دوره اصلاحات در افغانستان، شروع شد، دولت شرایطی را برای مشارکت سیاسی زنان، فراهم ساخت اما با مخالفت ساختارهای سیاسی اجتماعی سنتی و فرهنگ قبیله ای مسلط روبرو شد. در کل نهادهای سنتی و فرهنگ قبیله ای مسلط، زنان را از مشارکت در اجتماع حذف نموده است. با سلطه طالبان بر کشور، آنان مشارکت سیاسی زنان را به دلیل اعتقادات سنتی و متعصبانه آنان ممنوع ساختند. در افغانستان پس از طالبان، دولت تلاش نموده است تا مسیر را برای مشارکت زنان در جامعه هموار سازد. مشارکت سیاسی زنان مورد تشویق قرار گرفته و به عنوان راهی برای پیشرفت کل جامعه در نظر گرفته شده است. قانون اساسی جدید بر برابری میان همه شهروندان، بدون تفاوت های جنسیتی تأکید می نماید. وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر تأسیس شده تا بر وضعیت زنان کنترل نمایند؛ بر طبق قانون، بخشی از نمایندگان پارلمان باید از میان کاندیداهای زن، انتخاب شوند. اما همه این اقدامات، از سوی فرهنگ سنتی مردسالارانه با چالش مواجه شده است.

بنیادگرایی رادیکال در افغانستان، ریشه ها و تحولات فکری

اسدالله احسانی

بحران های داخلی، سلطه طلبی های خارجی، جهاد مقدس، بیکراری ساختاری و تزلزل گفتمانی، مهم ترین علل و مولفه در ظهور و گسترش بنیادگرایی اسلامی و رشد اسلام سیاسی در افغانستان، به مثابه یک گفتمان و مجموعه معنادار از دال های مرتبط به هم و شناسه های هم چون جزم اندیشی، جمود فکری، قشری گری و اقتدارگرایی، محسوب می شوند. اما بنیادگرایی اسلامی از نوع رادیکال و خشونت طلب در افغانستان، پیوند نزدیکی با منازعات قومی قبيله ای داشته و برخلاف آن چه ادعا می شود، هژمون ساختن گفتمان قبيله و بازاستقرار حاکمیت انحصاری قومی قبيله ای در افغانستان، راهبرد اصلی آن ها را تشکیل می دهد. بنیادگراها، برای پنهان سازی استراتژی اصلی و راهبرد اساسی خود در افغانستان، به خلق فضای استعاری و اسطوره ای پرداخته و به دین و آموزه های دینی پناه بردند و شعرا اجرای شریعت اسلامی را سرلوحه برنامه های خود قرار داده و استقرار نظام سیاسی مبتنی بر دین در دنیای نوین را مطلوب نهایی خود اعلام نمودند. تا از این طریق، گفتمان اقتدارگرا و مبتنی بر ارزش های قبيله را مشروع و به مثابه «عقل سلیم» جلوه دهند. گفتمان «احیاء گرای» در کسوت «بنیادگرایانه» و روش های «رادیکال»، گرچه پدیده ای

مدرن و مخلوق نوینی است که در افق سیاسی کشور افغانستان نمایان شده است، اما محتوای واقعی این گفتمان بسیار قدیمی و نام جدید برای محتوای قدیمی است. تنها تفاوت بین بنیادگراها و سلف‌های محافظه‌کار و سنتی آنان این است که، بنیادگراها گرچه سنتی فکری می‌کنند اما مدرن عمل می‌کنند و به تکنولوژی تخریب برای نابودسازی تمدن جدید، علاقه‌ای وافر نشان می‌دهند. بنیادگرایی رادیکال را می‌توان، نگاه نوستالژیک از شرایط مدرن به وضعیت اولیه و پیشین و از جمله ورطه‌های آزاردهنده و شکل تراژیک و مسخ‌شده‌ای نوگرایی دینی دانست که با اتخاذ منظر نوستالژیک نسبت به شالوده‌ها و بنیادها، موضع خصمانه نسبت به مدرنیته و دنیای مدرن اتخاذ کرده و راه را بر هر نوع بلوغ عقلی و بالندگی سیاسی اجتماعی سد نموده و با ترجیح خشونت و خصومت برگفتگو و رقابت، در صدد تابع ساختن تمامی حیات عقلانی بشر در برابر قدرت مذهبی و سلطه بلامنازع شور و احساسات دینی بر تعقل و خرد ورزی و هژمون ساختن «روایت» «بر» درایت «وزنده نمودن بنیادهای مقدس و غیرقابل نقد در روزگار مدرن می‌باشند. از منظر تبارشناسی، تفکر بنیادگرایی ریشه در برداشت‌های قشری از آموزه‌های دینی و جریان‌های سیاسی مذهبی عقل‌ستیز در تاریخ اسلام دارد که با جریان خوارج شروع گردید و در آموزه‌های مکتب کلامی اشاعره و حنابله تئوریزه شد و با فعالیت‌های فکری و اقدامات عملی فقها و افرادی مانند احمد ابن حنبل، ابن تیمیه، رشیدرضا، عبدالوهاب، شاه ولی‌الله، گسترش یافت و با سید قطب و مودودی به سوی رادیکالیسم سیاسی سوق داده شد و در قالب گروه‌های تکفیری و جهادی سامان و ساختار یافت. در نهایت می‌توان گفت

که پروژه بنیادگراها مبنی بردست یابی به ترقی و کمال با چشم اندازیک اخلاق مذهبی ، از نظرتئوریک قابل دفاع جلوه می کند . اما با ابزارهای مفهومی و اقدامات خارج از منطق عقلانی آنان ، قابل تحقق نخواهد بود.

جهاد ابتدایی در اندیشه سیاسی شیعه

محمد حسین مظفری

جهاد ابتدایی در اندیشه سیاسی شیعه، عنوان رساله حاضر است. جهاد در مفهوم خاص به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی، جایگاه بسیار بلند در فقه سیاسی شیعه دارد. و سهمی قابل توجه از آیات و روایات را به خود اختصاص داده است. واژه جهاد، در لغت به معنای هر گونه کوشش و تلاش همراه با تحمل مشقت و سختی هاست برای رسیدن به یک هدف. اما در اصطلاح فقها و اندیشمندان اسلامی، عبارت است از بذل و بخشش جان و مال و هر چه که در اختیار باشد، برای جنگ و مبارزه با کفار و مشرکین در چارچوبی که اسلام معین کرده است. بر اساس آیات قرآن کریم و کتب مقدس یهود و مسیحیت، جهاد در همه ادیان الهی وجود داشته و تشریح آن اختصاص به دین اسلام ندارد. بطور کلی، جهاد در اصطلاح فقها به دو گونه است: جهاد تدافعی و جهاد ابتدایی. جهاد تدافعی در هر زمان و در هر شرایطی که قلمرو اسلام به خطر بیفتد بر همه مسلمین واجب است که از حوزه اسلام و سرزمین اسلامی دفاع نمایند. اما جهاد ابتدایی جنگی است که مسلمین آغاز گر آن در برابر کفار و مشرکینی است که مانع تبلیغ اسلام و رساندن پیام توحید به گوش جهانیان شده اند؛ بدین خاطر جهاد ابتدایی و یا جهاد دعوت نامیده شده است. جهاد ابتدایی از نظر فقهای معاصر دارای ماهیت

صلح آمیز بوده، نه برای سلطه طلبی، کشورگشایی، فتح سرزمین و تحمیل عقیده؛ بلکه برای اعتلای کلمه توحید، از بین بردن ظلم و فساد، برقراری عدالت و امنیت در جامعه بشری است. راجع به جواز و عدم جواز جهاد ابتدایی دیدگاه‌های متفاوتی بین فقها و اندیشمندان اسلامی مطرح شده است: همه فقهای کلاسیک و مشهور فقهای معاصر آن را یکی از واجبات کفایی و از ضروریات دین اسلام می‌دانند؛ این دسته از فقها در ملاک و شرایط جهاد ابتدایی نیز اختلاف نظر دارند، بعضی فقها ملاک جهاد را از بین بردن کفار و مشرکین به علت کفر و شرک آنها می‌دانند، و بعضی دیگر علت و ملاک جهاد با کفار و مشرکین را ظلم و ستم و فتنه انگیزی آنها معرفی می‌کنند، برخی هم جهاد ابتدایی را در مقابل کشورهای اسلام ستیز که در صدد از بین بردن حاکمیت دولت اسلامی است تجویز نموده‌اند. و از نظر شرایط زمانی نیز فقها به دو گروه در مورد جهاد ابتدایی تقسیم شده‌اند: فقهای متقدم و مشهور فقهای متأخر و معاصر، جهاد ابتدایی را منحصر در زمان حضور معصوم (ع) مشروع دانسته و در زمان غیبت کبری آن را جایز نمی‌دانند، و اما عده‌ای از فقهای معاصر جهاد ابتدایی را هم در زمان حضور معصوم (ع) و هم در زمان غیبت کبری مشروع و واجب می‌دانند. و دسته‌ای دیگر از فقهای معاصر حتی منکر جهاد ابتدایی شده و همه جهاد در اسلام را دفاعی معرفی می‌کنند؛ همه گروه‌های فوق برای اثبات ادعای خود با استناد به آیات و روایات و دلایل دیگری استدلال نموده‌اند. در این رساله پس از طرح تحقیق، مطالب فوق در طی دو بخش و ده فصل مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

نقد سنت در اندیشه محمدعابد جابری

محمد حسین صادقی

انحطاط امروز جهان عرب و شکوه گذشت آن، که ادام دشوار سنت و تجدد است، موضوع نظریه پردازی های بسیاری از متفکران مسلمان و عرب است. جابری با درک اهمیت این چالش و نقش سنت در انحطاط امروز جهان اسلام، با بهره گیری از دستاوردهای جدید علوم انسانی، به بررسی عقل سازند سنت، روی آورد و به قرائت تازه ای از سنت دست یافت که از دو مرحله گسست و پیوست تشکیل شده است. قرائت انتقادی وی بر روش جدید استوار است. این روش، آمیزه ای از روش ساختارگرایانه، تحلیل تاریخی، تفکیک عناصر ایدئولوژیک و معرفتی، نقد معرفت شناسانه، شهود عقلی و بومی سازی مفاهیم است. جابری تناقضات و غیبت استقلال تاریخی این گفتمان ها را به عقل سازند آن برگرداند و با توجه به پیوند وثیق عقل با زبان و فرهنگ هر تمدنی، و بر مبنای تمایز عقل سازنده و ساخته شده، عصر تدوین را چارچوب مرجع عقل عربی دانست که عقل عربی را به گونه ای حسی و فرا تاریخی، شکل داده است. وی این عقل را برآمده از سه نظام معرفتی بیان، عرفان و برهان معرفی کرد که هر یک مبتنی بر نگرش و روش متفاوتی است. بیان با سازوکار قیاس و محوریت نص، دو اصل بنیادی دارد؛ ناپیوستگی، جواز صدور هر چیزی

از چیز دیگر. عرفان با نگرش سحر آمیز به هستی بر روش شهود استوار است و برهان مبتنی بر نگرشی است که تنها به دو طرف اصلی در هستی، یعنی انسان و طبیعت قایل است و بر عقل و حس در کسب معرفت، استوار است. عقل عربی مدام عرصه تلاقی و نزاع این سه نظام معرفتی بوده است گرچه در نهایت و در عصر انحطاط، عرفان بر دو نظام رقیب چیره گشت. عقل فوق، زیرساخت تفکر امروز انسان عربی است و او را گرفتار تناقضات و سرگشته میان الگوهای گذشت خود و امروز دیگری ساخته است. اما مغرب عربی، سرنوشت و نظام معرفتی متفاوتی در تاریخ تفکر عربی اسلامی داشته است. پس از گسست و بریدن از عقل عصر انحطاط، راه‌هایی از انحطاط، پیوست یا نوسازی سنت با تکیه بر تجربه مغرب عربی و بهره‌گیری از دستاوردهای بومی شد جهان امروز است. پروژ جابری با توجه به اهمیت کم نظیرش در میان اندیشمندان عرب، متفکران بسیاری را به نقد و بررسی این طرح واداشت.

عقلانیت سیاسی و ساخت قدرت در افغانستان معاصر

محمد شفق

هدف این رساله، تحلیل و تبیین ماهیت نظام قبیله در افغانستان و بررسی تأثیرات و استلزامات آن در عقلانیت سیاسی و ساخت روابط قدرت در این کشور بوده است. این بررسی که بر مبنای نظریه و روش محمدعابد الجابری در تحلیل عقل سیاسی در اسلام (العقل السياسي العربي) انجام شده است، تاریخ سیاسی افغانستان معاصر از زمان پدید آمدن و تأسیس آن توسط احمدشاه ابدالی (۱۷۴۷ میلادی/ ۱۱۲۶ هجری شمسی) تا عصر حاضر و آخرین نظام سیاسی ای را که پس از سقوط طالبان در افغانستان روی کار آمد (نظام جمهوری اسلامی)، پوشش داده است. افغانستان از دیرباز، موزه‌ی اقوام نام گرفته است. علاوه بر حضور گروه‌های متعدد قومی، ساخت جامعه در افغانستان، به ویژه در مورد قوم حاکم (پشتون)، ساخت قبیله‌ای بوده است. ساخت قبیله‌ای جامعه، به عقلانیت سیاسی و ساخت قدرت در این کشور نیز رنگ و بوی قبیله‌ای و قومی داده است. عقلانیت سیاسی در افغانستان مبتنی بر ارزش‌ها و قواعد قبیله‌ای بوده و سه عنصر اصلی این عقلانیت را قبیله، غنیمت و عقیده تشکیل می‌دهد. عنصر مرکزی و اصلی این عقلانیت، قبیله است، و غارت و غنیمت شیوه‌ی درآمد و سیستم اقتصادی آن را تشکیل می‌دهد و عقیده نیز، توجیه‌گر غارت و

غنیمت به شمار می‌رود. بنابراین، نظام‌های سیاسی افغانستان از قرن دوازدهم هجری تا کنون، همه بر اساس عقلانیت قبیله برپا شده بودند و ساخت قدرت در همه‌ی آن‌ها، ساخت قومی و قبیله‌ای بوده است. در این نظام‌ها، نخست، تقسیم قدرت و توزیع مناصب بر مبنای روابط خونی و قبیله‌ای صورت گرفته و یک قبیله بر اقوام و قبایل دیگر مسلط بوده است. ثانیاً، اقتصاد آن اقتصاد تولیدی نبوده، بلکه اقتصاد رانتی و مبتنی بر غارت و غنیمت بوده است. قبیله‌ی حاکم برای تأمین نیازمندی‌های اقتصادی خود، به جای تولید، به غارت دارایی دیگران می‌پرداخته است. از مذهب و شریعت نیز به عنوان روپوش و توجیه‌گر سیاست‌های قبیله‌ای و اقدامات قوم‌گرایانه‌ی استفاده می‌شده است. از عقیده و شریعت، هم برای سرکوب، قوم‌ستیزی و نابودی قبایل دیگر استفاده می‌شده است و هم تلاش می‌شده است تا از طریق تمسک به این عنصر، به غارت اقوام و قبایل دیگر و عنصر غنیمت، جنبه‌ی شرعی داده شده و مشروعیت دینی آن تضمین شود. این عقلانیت، سایه‌ی خود را تا امروز بر فضای سیاست افغانستان گسترانده و به حیات خود ادامه است. اگرچه گفتمان ظاهری حاکم در فضای پسا طالبانی، گفتمان دموکراسی و وحدت ملی و عبور از قبیله و قومیت است، اما عقلانیت قومی و قبیله‌ای هنوز همچنان زنده است و رفتارهای بازیگران صحنه‌ی سیاسی کشور بیش از همه متأثر از این عقلانیت است. دموکراسی، انتخابات، تحزب و دیگر لوازم نظام دموکراتیک و مفاهیم مدرن همه قلب ماهیت شده و در نمک‌زار قومیت و قبیله استحاله گردیده و سرانجام رنگ و بوی قومی و قبیله‌ای به خود گرفته است. با این حال، نباید این حقیقت را نیز منکر شد که جایگاه قبیله

و قومیت در چند سال اخیر تا حدودی تضعیف شده و جامعه هرچند با قدم‌های کندی، به سوی فضای عاری از قومیت و قبیله‌گرایی در حرکت است. اما حرکت در این مسیر، بسیار با کندی و پرچالش به پیش می‌رود و گذر از عقلانیت قبیله هنوز بسیار سخت به نظر می‌رسد و موانعی بسیاری در راه است. در این نوشتار، علاوه بر بررسی عقلانیت سیاسی قبیله‌ای در تاریخ معاصر افغانستان، علل و عوامل تداوم این عقلانیت نیز به صورت گذرا بررسی شده و در نهایت به صورت فشرده، برای عبور از عقلانیت سیاسی قبیله‌ای و رسیدن به عقلانیت مدرن، راهکارهایی ارائه شده است.

ظرفیت سنجی شاخص های دموکراسی در افغانستان جدید

عبدالقیوم ترابی

افغانستان پس از اجلاس بن دوباره در مسیر دموکراسی قرار گرفته است. تاسیس نهاد های مدرن و تصویب قانون اساسی زمینه را برای تشدید و سرعت بخشیدن به فرایند دموکراتیک شدن افغانستان فراهم نمود، اما وجود نهادهای سنتی و فرهنگ سیاسی سنتی عموماً موانعی جدی در مسیر روند دموکراتیک شدن افغانستان محسوب می گردد. در حوزه فرهنگی وجود نهادهای سنتی مانند سنت جرگه ها و فرهنگ قبیله ای و قومی فضای عمومی را نیز تحت تاثیر خود قرار داده و مانع از رشد و توسعه نهادهای دموکراتیک و در نتیجه شاخص های فرهنگی دموکراسی می گردد. در حوزه سیاسی نیز علی رغم تغییرات حاصله در فضای سیاسی موجود پس از اجلاس بن فرهنگ سیاسی جامعه افغانی تغییر چندانی نداشته و تحت تاثیر فرهنگ سنتی سعی در ارایه و تثبیت مدل سنتی از فرهنگ سیاسی دارد که با شاخص های سیاسی دموکراتیک تناقض داشته و روند دموکراتیک را با اخلال مواجه نموده به تاخیر می اندازد. نتایج تحقیق نشان می دهد رشد شاخص های دموکراسی در افغانستان به صورت پروژه ای نبوده و پروسه ای زمان بر و چند مرحله ای است. در گام نخست افزایش سطح سواد و آموزش عمومی و نشان

دادن مزایای ملموس عناصر دموکراتیک به مردم افغانستان باعث دل‌کندن ایشان از شاخص‌های سنتی فرهنگی و سیاسی گردیده زمینه را برای رشد شاخص‌های دموکراتیک فراهم می‌نماید.

واژگان کلیدی: دموکراسی، شاخص‌های سیاسی، شاخص‌های فرهنگی، فرهنگ سنتی افغانستان

توحید افعالی از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان

نورالعین بنت نورمن

توحید افعالی دارای مسائل عینی فراوان، ویژگی‌ها و جلوه‌های متعدد است که برای پی بردن به آنها لازم است که قرآن را بکاویم؛ چرا که مبدأ پیدایش نظریه فوق را در اسلام باید قرآن دانست. تبیین عمیق این معارف پس از قرآن توسط معصومین (ع) صورت گرفته است و عترت پیامبر (ص) عمیقترین بینش‌ها را از توحید افعالی به دست داده‌اند. یکی از مسائل مهم و اساسی که از قرن‌های قبل مورد توجه متفکران و اندیشمندان اسلامی بوده؛ مسئله رابطه و انتساب افعال خداوند با خود ذات او می‌باشد. در این رابطه، اعتقاد به توحید افعالی بیانگر این موضع و عقیده است که جهان هستی تنها یک فاعل حقیقی دارد و افاضة وجود و تأثیر استقلالی منحصر در ذات مقدس حق تعالی است. در این زمینه اقوال مختلف به چشم می‌خورد. در این میان، فلاسفه با واسطه همه پدیده‌ها به صورت فاعلیت طولی صحیح می‌دانسته‌اند تا اینکه علامه طباطبائی (ره) بین توحید افعالی و نظام علت و معلول جمع کرده. در این تبیین سخن از علت‌های طولی، یعنی علت قریب و بعید نیست، بلکه سخن از علت حقیقی و علت اعدادی است و همین دیدگاه اساسی او راجع به توحید افعالی در نوشتار او جاری است. علاوه بر اینکه فهم توحید افعالی

را باید از خود قرآن گرفته شود، بیان فهم آن با روش عقلی و برهانی نیز الزامی است؛ چراکه بین آن دو جدای وجود ندارد. پس از آنجا که تفسیر المیزان دارای قدرت بیان عقلی و برهانی دارد، این تحقیق به دنبال جواب و چگونگی بیان علامه (ره) راجع به مسئله‌ی مذکور شده. از این رو، ویژگی و مزیت خاص دیدگاه این حکیم متأله راجع به توحید افعالی در قرآن مشخص می‌شود.

واژگان کلیدی: توحید افعالی، ذات خداوند، فعل خداوند، علت و معلول.

نقد و بررسی مفهوم صدق از دیدگاه ویتگنشتاین متأخر

لیاقت علی امیری

موضوع این رساله «نقد و بررسی مفهوم صدق از دیدگاه ویتگنشتاین متأخر» است. در این رساله از نظریه ی زیادتی صدق در ویتگنشتاین متأخر دفاع شده است. با توجه به فقراتی در آثار متأخر ویتگنشتاین، که اختصاصاً و به اختصار هرچه تمام تر به مفهوم صدق، می پردازد، به نظر می رسد قرائت زیادتی از صدق از توجیه پذیری بیشتری نسبت به سایر روایت ها برخوردار است. صورت بندی این قرائت؛ یعنی بدست دادن قرائت زیادتی از ماهیت مفهوم صدق، نه تأمل در باب شروط و یا معیار های صدق، بدون تأمل در امهات آراء دلالت شناختی دوره ی متأخر ایشان، ممکن و میسر نیست. از این رو، در این رساله تلاش شده است قرائت زیادتی صدق در ویتگنشتاین متأخر در ذیل مفاهیمی مانند، بازی های زبانی، شباهت خانوادگی، فلسفه، ورزیدن و درمانگری که مقومات آراء دلالت شناختی، او را در این دوه تشکیل می دهند، شرح و تقریر گردد. گوهر استدلال ویتگنشتاین در این دوره عبارت از این است که نمی توان به صورت نظریه پردازانه در باب مفهوم صدق سخن گفت. بنابراین، بدست دادن تفسیر فلسفی - متافیزیکی از مفهوم صدق از مادر وادی فلسفه ورزی دستگیری نمیکنند. از نظر ویتگنشتاین مفهوم صدق ربط و نسبت

وثیقی با مفهوم گزاره دارد و فرعی بر معناداری گزاره است. به دلیل اینکه گزاره خود واجد معنا است، مفهوم صدق محمولی نیست که در عداد سایر محمولها چیزی بر معنای گزاره بفزاید. گویی گزاره از معنا تهی است و صدق، گزاره را واجد معنا می‌کند. صدق یک امر درون گزاره‌ای است و بنا بر این حشو و زاید است. معنای صدق در کار بردهای روز مره و در بازیهای زبانی مختلف توسط کار بران زبان جز اظهار و انکار، مفهومی را تداعی نمی‌کند. به رغم حشو و زاید بودن مفهوم صدق در گزاره، هنوز هم می‌توان از واقع‌گرایی در باب زبان و از هنجار مندی کاربست‌واژگان در سیاقهای مختلف سخن گفت. قرائت زیادتی مفهوم صدق خالی از اشکال و ایراد نیست. در این اشکالات تلاش می‌گردد بر اهمیت و کارکرد مفهوم صدق در زبان و عدم زدودن آن تأکید گردد.

دادرسی منصفانه در محکمه عالی کیفری عراق

اسعد کعبی

در این پایان‌نامه که موضوع آن دادرسی منصفانه در محکمه عالی کیفری عراق می‌باشد؛ طی سه بخش به شرح و تفصیل این مطلب پرداخته شده است. در بخش اول، طی دو فصل، مفهوم پیشینه‌ی دادرسی منصفانه در سطح بین‌المللی و کشور عراق مورد بررسی قرار گرفته، و تاریخچه‌ی دادگاه‌های ویژه در عراق و مراحل شکل‌گیری دادگاه عالی کیفری عراق نیز بررسی شده است. سپس در بخش دوم به موضوع تضمین معیارهای نهادی دادرسی منصفانه در دادگاه عالی، طی سه فصل پرداخته شده است. در فصل اول، مفهوم و منابع مشروعیت دادگاه عالی و ضرورت ایجاد این دادگاه، ارائه گردیده است. در فصل دوم، قلمرو و منابع صلاحی دادگاه عالی بررسی شده است، و در آغاز فصل سوم، مفهوم و منابع اصل استقلال و بی‌طرفی قاضی و دادگاه در اسناد بین‌المللی بررسی شده، سپس به منابع این اصل در اساسنامه‌ی دادگاه عالی و قانون اساسی عراق پرداخته شده است. بخش سوم نیز شامل سه فصل می‌باشد، که فصل اول آن مفاهیم و منابع اصول ماهوی دادرسی منصفانه در اسناد بین‌المللی و منابع این اصول در اساسنامه‌ی دادگاه عالی ارائه شده است. فصل دوم شامل مفاهیم و منابع اصول شکلی دادرسی منصفانه در اسناد بین‌المللی

ومنابع این اصول در اساسنامه دادگاه عالی می‌شود. در فصل سوم ضمن اشاره به مفاهیم و منابع حقوق مظنونان و مت همان در مراحل مختلف دادرسی در حقوق بین‌المللی، منابع این اصول نیز در اساسنامه دادگاه عالی بررسی شده‌است. از جمله مهم‌ترین منابع بین‌المللی که مورد استناد قرار گرفته‌اند و منابع دادگاه عالی با آنها مقایسه شده‌اند، عبارتند از: اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، کنوانسیون اروپائی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶. ام‌ا منابع داخلی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، علاوه بر اساسنامه‌ی دادگاه، قانون اساسی مصوب ۲۰۰۵ و دیگر قوانین داخلی عراق است. شایان ذکر است که ضمن بررسی مطالب، به بررسی مهم‌ترین دلایل معترضین به دادگاه عالی و صلاحیت آن پرداخته شده‌است. در نهایت، نتیجه‌گیری نگارنده از مباحث مطرح شده، ارائه گردیده؛ و اساسنامه‌ی دادگاه عالی کیفری عراق به زبان انگلیسی به این پایان‌نامه ملحق شده‌است.

عقل و ایمان از دیدگاه مرتضی مطهری و آل‌وین پلنتینگاه

علاءالدین ملک اف

از بحث‌های مهم در معرفت‌شناسی دینی و فلسف دین عقل و ایمان است. شیوه‌های گوناگونی برای توجیه ایمان به خداوند که شاخص‌ترین مصداق اعتقاد دینی است، وجود دارد. در این پایان‌نامه نسبت عقل و ایمان در تطبیق اندیشه‌های استاد مطهری و پلنتینگاه را واکاوی نموده ایم. در این رساله بعد از بخش کلیات ابتدا رابط عقل و ایمان را از منظر استاد مطهری مورد بررسی قرار داده، حقیقت عقل و ایمان را از دید استاد بررسی نموده ایم. عقل در منظر استاد نیروی مدرک واقعیت خارجی و تشخیص دهند حقیقت از خطا و نیروی تمییز دهنده باید از نباید و حق از باطل است. استاد ایمان را هم مرکب از چهار عنصر می‌داند که - معرفت، تصدیق قلبی، التزام و عمل پایه و اساس تکون ایمان را تشکیل می‌دهد. به این معنا که عنصر اول که همان معرفت است مقدمه و شرط ایمان است. لیکن ایشان عنصر دوم را جزء ایمان می‌دانند. التزام را نیز از اجزای ایمان می‌شمارند. در نهایت عنصر چهارم را که همان عمل است، از آثار و لوازم ایمان به حساب می‌آورند. خلاص دیدگاه استاد در مورد تکون ایمان به این نحو است که اول فرد نسبت به متعلق ایمان معرفت پیدا می‌کند و مورد تصدیق واقع می‌شود. بعد

این تصدیق به موطن قلب منتقل می‌شود و در قلب نسبت به آن یک نوع شیفتگی حاصل می‌شود و در نتیجه مورد پذیرش واقع شده و موجب سکون و اطمینان قلب می‌شود و این خود، تسلیم شدن را به همراه دارد که آن نیز التزام را در پی دارد و در نتیجه به عمل منجر می‌شود. دربار رابط عقل و ایمان از دیدگاه استاد مطهری به این نتیجه رسیدیم که استاد جایگاه و مکانیت هر دو را محترم شمرده و عقل را کاشف از اعتقادات دینی می‌داند. نیز در اندیش استاد مطهری ملاک صحت و بطلان یک عقیده نیز عقل می‌باشد و لذا می‌توان یک نظام اعتقادات بر مبنای عقل با استفاده از روشهای استدلال منطقی صحیح به دست آورد و می‌توان یک نظام اعتقادات دینی را طوری اثبات کرد که برای همگان مجاب باشد. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که استاد مطهری از بین سه تا گروه رابط عقل و ایمان، یعنی عقل‌گرایی حداکثری، ایمان‌گرایی و عقل‌گرایی انتقادی، زیر چتر هیچ یک قرار نمی‌گیرد، بلکه با توجه به مبانی استاد مطهری و جستجویی که اینجانب در آثار استاد در حد توان خود به عمل آورده‌ام، می‌توان ایشان را نمون بارز عقل‌گرایی معتدل به حساب آورد. در بخش پلنتینگا هم سه نظری مبنای سنتی، قرینه‌گرایی و وظیفه‌گرایی کلاسیک را آورده و نقد پلنتینگا به آنها را متذکر شده‌ایم. سپس به بررسی جنب‌ایجابی و اصلیت‌ترین مبنای وی یعنی معرفت‌شناسی اصلاح شده در قالب معقولیت، توجیه و تضمین پرداخته و پایه بودن اعتقاد به وجود خدا را در نظری ایشان بررسی نموده‌ام. معرفت‌شناسی اصلاح شده عنوان مکتبی نوظهور در عرص معرفت‌شناسی دینی معاصر و در عرصه عقلانیت باور دینی است که علی‌رغم عمر نسبتاً کوتاهش، توان

رقابت با سایر گرایشهای موجود در معرفت‌شناسی دینی را پیدا نموده است. پلنتینگا در پرتو این دیدگاه تصویری جامع و پیچیده دربار نحو توجیه اعتقادات ارائه نموده است. معرفت‌شناسی اصلاح شده بر معیار سنتی تفکیک باورهای پایه از غیر پایه شکل می‌گیرد و اظهار می‌دارد هیچ الزامی وجود ندارد که ما تنها قضایای اولی و محسوسات را پایه بدانیم. در نتیجه معرفت‌شناسی اصلاح شده معتقد است باور به خدا عقیده ای واقعا پایه است. در راستای مقایس دیدگاه پلنتینگا با سه رویکرد مشهور مذکور، ایشان را نیز در هیچ کدام از آنها نمی‌توان جای داد. ناگفته نماند خود پلنتینگا هم در آثار مختلف خویش به این مطلب اذعان می‌کند. در ضمن اکثر اندیشمندان وقتی دربار معرفت‌شناسی اصلاح شده حرف می‌زنند، دیدگاه ایشان را با ایمان‌گرایی یکی می‌پندارند. اینجانب با بررسی آثار پلنتینگا به این نتیجه رسیدم که نمی‌توان ایشان را ایمان‌گرا به معنای مصطلح کلمه نامید. زیرا مهمترین تفاوت دیدگاه پلنتینگا با ایمان‌گرایی همین امکان نقض معقولیت باور دینی از رهگذر دلایل و براهین است که در معرفت‌شناسی اصلاح شده پذیرفته شده است. در نهایت نظری فطرت را به عنوان راه حل و پیشنهاد و نقطه اشتراک میان دیدگاه استاد مطهری و پلنتینگا ارائه نموده و بررسی نموده‌ام. زیرا نظری فطرت اعم از بینشی و گرایشی با ویژگیهای خاص انسانی در سرشت و آفرینش انسان متمایز می‌گردد. هم استاد مطهری و هم پلنتینگا با نظریه پردازی و مفهوم‌سازی فلسفی از آن در بازگشایی بسیاری از معضلات الهیات و دین‌پژوهی کمک شایانی نموده‌اند. و نیز نقش مبنایی و سامان بخشیدن این نظریه در اندیش هر دو را می‌توان رؤیت کرد.

نقش نهادهای ملی حقوق بشر در ارتقاء و حمایت از حقوق بشر با تاکید بر کمیسیون حقوق بشر افغانستان

علیرضا روحانی

نهاد ملی حقوق بشر، نهادی است که دولت‌ها بر مبنای قانون اساسی و یا قوانین عادی، مبادرت به تاسیس آن می‌نمایند تا بدین وسیله، با سازکارهای کاملاً مشخص، زمینه ارتقا حقوق بشر و حمایت از آن را فراهم آورند. تاسیس و تقویت نهادهای ملی حقوق بشر در درون کشورها از مهمترین و موثرترین راهکارهای نهادینه‌سازی موازین حقوق بشر و نقطه وصل سازکارهای داخلی و بین‌المللی در زمینه حقوق بشر می‌باشند. این رساله با هدف تبیین اهمیت و ضرورت تاسیس و تقویت نهاد ملی حقوق بشر در درون کشورها، به ویژه در کشورهای فاقد نهادها و سازکارهای منطقه‌ای حقوق بشر، شناخت اصول و معیارهای که می‌بایست در تشکیل چنین نهادهای مدنظر قرار گیرند، شناسایی عناصر موثر در کارایی آنها و آشنایی با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نقش و عملکرد آن در زمینه ارتقاء و حمایت از حقوق بشر به انجام رسیده است. این پژوهش در یک مقدمه، دو بخش و چهار فصل سامان یافته است. در بخش اول آن مهمترین نهادها و سازکار جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر و چپستی و چرایی نهاد ملی حقوق بشر مورد بحث و بررسی قرار گرفته.

و در بخش دوم ضرورت نهاد ملی حقوق بشر در افغانستان، پیشینه حقوق بشر در افغانستان، وظایف، نقش و عملکرد کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از جمله در زمینه تدوین و تصویب قانون اساسی جدید کشور، بهبود وضعیت حقوق کودکان، زنان، طرح و پیشبرد پروسه عدالت انتقالی به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته و نقش موثر کمیسیون در این زمینه‌ها تبیین گردیده است. و با توجه به نقش و عملکرد این کمیسیون نتیجه‌گیری شده است که: نهادهای ملی حقوق بشر، در زمینه ترویج توسعه و حمایت حقوق بشر و بومی‌سازی و نهادینه‌سازی ارزشهای حقوق بشری در درون کشورها، به ویژه در مناطق که فاقد ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر می‌باشند نقش ارزشمندی ایفاء می‌کنند.

سعادت از دیدگاه محمد غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی

ضیاء گل رضایی

در این پژوهش سعادت از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و ابو حامد محمد غزالی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از میان تئوری‌ها و نظریه‌هایی که در مورد سعادت بیان شده است، دیدگاه خواجه و غزالی در ردیف بهترین نظریه‌هاست. زیرا با توجه به نیازهای مادی و معنوی بشر طراحی و تنظیم شده است. اما آنان که انسان را یکسره موجودی مادی پنداشته‌اند و بعد معنوی و روحانی او را نادیده گرفته‌اند، او را از سعادت ابدی و پایدار محروم کرده‌اند و در حد بهایم تنزل داده‌اند. و آن عده‌ای که سعادت و خوش بختی انسان را تنها در جنبه روحانی و نفسانی خلاصه کرده‌اند، نتوانسته‌اند برای زندگی این جهانی او برنامه‌ای کامل و مفید ارائه کنند. تنها مکتبی می‌تواند پاسخگوی روح سعادت خواه انسان باشد که دستور العمل و راه کاری ارائه کند که جامع نیازهای او باشد. نظام اخلاقی خواجه و غزالی که مبتنی بر عقل و وحی می‌باشد دارای این ویژگی است. در نظر غزالی سعادت هر چیز در لذتی است که مقتضای طبع اوست و موجودی سعادت‌مند است که به خاصیتی که مقتضای طبع اوست برسد. اما خاصیت انسان در معرفت و شناخت خداوند است و این امتیاز انسان از بهایم است. در این صورت هیچ

چیز دیگر جز مشاهده حضرت حق سعادت محسوب نمی شود. او راه رسیدن به این معرفت را در علم و عمل می داند. مراد او از علم، معرفت خداوند، ملائکه، رسل و کتب آسمانی است که باید از طریق کشف و شهود قلبی حاصل شود. این علم، معرفت ظاهری را شامل نمی شود. و نیز مراد او اطاعت خداوند است که از طریق عمل یعنی کسب فضیلت و پرهیز از رذیلت اخلاقی حاصل می شود. خواجه نیز وصول به سعادت را در گرو علم و عمل می داند. علم که از نیروی حکمت نظری حاصل می شود، که ایمان از همین قوه سرچشمه می گیرد. اگر عمل از تعدیل قوای نفس با ریاست قوه عاقله حاصل شود. عدالت و فضیلت اخلاقی شکل می گیرد. و زمانی که تعامل انسان با اجتماع از روی تعاون و رعایت انصاف باشد عدالت اجتماعی پدید می آید. به انسانی سعادت مند اطلاق می گردد که این دو ویژگی را دارا باشد.

عقل و معرفت عقلی از نظر ابن سینا

ابوذر دیشکایا

در این نوشتار با محور قرار دادن سوال عقل چیست و نقش آن در حصول معرفت عقلی چگونه و تا چه حدی است، عقل و معرفت عقلی از دیدگاه ابن سینا مورد بررسی واقع شده است. از آنجا که برای تبیین مبانی فکری ابن سینا در باب عقل و معرفت عقلی، ذکر تاریخچه بحث ضروری بود؛ از این رو در فصل اول به تاریخچه و فرایند تکامل عقل و معرفت عقلی از افلاطون تا فارابی پرداخته شده است. در فصل دوم عقل از نظر ابن سینا از بعد هستی شناسی و معرفت شناسی مورد توجه قرار گرفته و فصل سوم نیز به معرفت عقلی اختصاص داده شده است. در این رساله عقل به عنوان یکی از قوای نفس ناطقه در نظر گرفته شده و معرفت عقلی نیز در مقابل تجربی مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. در پایان در فصل چهارم به عنوان نتیجه گیری، به نقد و بررسی نظریه ابن سینا در مورد عقل و معرفت عقلی پرداخته شده است. بدین ترتیب سعی بر این بوده تا با بررسی و تحلیل این دو موضوع لاینفک از منظر ابن سینا به سوالهای بنیادین در رابطه با عقل و معرفت عقلی پاسخ داده شود. واژگان کلیدی: عقل، معرفت عقلی، ادراک کلیات، عقل فعال، صور کلی.

تعریف و پارادوکسهای قدرت مطلق

واقف قلی اف

موضوع صفات الاهی از موضوعاتی است که متکلمین و فیلسوفان را به خود جلب کرده است. هر متکلم و فیلسوفی به نحوی به این موضوع پرداخته است. در کتب کلامی اسلامی دقت کنیم این موضوع بعد از اثبات وجود خدا اهمیت ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. در میان فیلسوفان غرب نیز این مسئله جایگاه بخصوصی دارد. برخی از این افراد اعتقادات خود را بر اساس مشاهداتی که در عالم خارج دارند نتیجه می‌گیرند و برخی دیگر عالم خارج را بر پایه اعتقادات خود تنظیم می‌کنند. ما در این پایان‌نامه سعی کردیم صفت «قدرت مطلق» و پارادوکسهای موجود در این صفت را تعریف و بررسی کنیم. در تعریف «قدرت مطلق» به دو نوع تعریف بر می‌خوریم. ۱. توانایی انجام هر کاری ۲. توانایی انجام هر کار ممکن نظریات فیلسوفان کلاسیک و معاصر را در تعریف قدرت مطلق و حل پارادوکسهای آنرا به تفصیل مطرح کردیم. مانند پارادوکس سنگ که «آیا خدا می‌تواند سنگی را بیافریند که خود نتواند آنرا بلند کند یا اینکه نمی‌تواند چنین سنگی را خلق کند؟»، پارادوکس اخلاق یا گناه که «آیا خدا همواره خیر انجام می‌دهد و گناه نمی‌تواند بکند یا اینکه گناه هم می‌تواند انجام دهد؟». پاسخ مثبت و منفی به هر

کدام از این پارادوکسها فیلسوفان را با مشکل مواجه کرده است. فصل سوم را اختصاص دادیم به نظریات فیلسوفان و متکلمین اسلامی و در پایان به یاری خدای قادر مطلق نظریه حق را مبنی بر «لا موجود فی الوجود الاله» ارائه دادیم.

تأثیر رای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه دیوار حایل بر حقوق بشر دوستانه

باسل بقوله

رای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری دارای تأثیر مهمی بر موضوعات حقوق بشر دوستانه در عرصه تئوری و عمل محسوب می‌گردد چنانکه بعد از صدور رای مشورتی دیوان ، اقبال زیادی بر مباحث رای مزبور مانند احترام و تضمین به احترام حقوق بشر دوستانه و یا رابطه بین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه صورت گرفته است. پیچیدگی موضوعات بشر دوستانه در ترکیب این رای نهفته است زیرا این مساله مستلزم در کنار هم قرار گرفتن اصول مهمی و متعارفی می باشد که از یک طرف اصولی مانند حق تعیین سرنوشت، ممنوعیت اکتساب سرزمین با تاوسل از زور و از طرف دیگر تعهدات قدرت اشغالگر در سرزمین های اشغالی مانند ممنوعیت انتقال دادن اتباع قدرت اشغالگر به سرزمینهای اشغالی و ممنوعیت اخراج ساکنان مناطق اشغالی از این سرزمین ها ... مورد توجه هستند. بنابر این چند موضوع در ارتباط با این رای دارای اهمیت و قابل طرح می باشد: در مرحله نخست تعیین صلاحیت دیوان برای صدور رای مشورتی ، بررسی نقاطی که دیوان به آنها اشاره کرده مانند وحدت و تکامل کنوانسیون های حقوق بشر دوستانه، و عرفی بودن

مقررات مندرج در این کنوانسیون‌ها، احترام و تضمین احترام به حقوق بشر دوستانه، تعهدات قدرت اشغالگر در سرزمینهای اشغالی و بالاخره آثار حقوقی ناشی از نقض حقوق بشر دوستانه. در این نوشتار مطالب فوق و مطالب دیگری در حد امکان بررسی شده‌اند و آنچه این تحقیق فرا روی ما خواهد نهاد عات است از اینکه تاثیر رای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری اغلب در زمینه تفسیر و توضیح موضوعات مربوط به حقوق بشر دوستانه بوده هر چند یوان تغییر خاصی در موضوعات حقوق بشر دوستانه ایجاد نکرده است ولی اهمیت این رای در جلوگیری از سوء استفاده قدرتهای اشغالگر از ظاهر متن کنوانسیون‌های ژنو بخصوص کنوانسیون چهارم ژنو، ۱۹۴۹ مهمترین توضیحات تاریخ خود ارایه داده است در این قضیه ما شاهد توجه بیش از حد دیوان به کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و ارایه توضیح مفصل درباره ماده ۲، ۱ و ۳ مواد زیادی از این کنوانسیون هستیم. پیش از صدور رای مشورتی از طرف دیوان قدرت اشغالگر (اسرائیل) مواد کنوانسیون‌های حقوق بشر دوستانه بخصوص کنوانسیون چهارم ژنو را بر اساس خواسته و میل خود تحیل و تفسیر می‌کرد اما دیوان در این رای به این حالت خاتمه داده است و ارایه یک تفسیر مفصل و مستند از مواد این کنوانسیون‌ها، ادعاهای اسرائیل مردود کرد. از همین رو بررسی رای مشورتی دیوان در قضیه دیوار حایل دارای اهمیت زیادی برای فهم تاثیر این رای بر سیر حقوق بشر دوستانه می‌باشد چه این رای می‌تواند نقطه عطف مهمی درباره فهم و توضیح حقوق بشر دوستانه بخصوص کنوانسیون چهارم ژنو باشد.

تبار شناسی فرهنگ سیاسی شیعه

محمد امیر ناصری

پژوهش حاضر در راستای چگونگی پیدایش و بسط عقلانیت سیاسی شیعه نگارش یافته و بر مبنای نظریه تصور اسپینوزا قرار دادر و از مطالعات روانشناسی (زیگموند فروید و کارل گوستاو یونگ) (وروزه دوبره) استفاده می کند و آنگاه با اینها به استقبال خیال جمعی می رود برای بررسی تصورات اولیه ای که منجر به تولد شیعه گردید است، از مکتب تبارشناسی فوکو کار می گیرد و سراغ جامعه شبه جزیره العرب می رود که تصورات نخستین تشیع در لایه های تصوراتدینی تاریخ قبل از اسلام عربستان جنوبی و حنفا و عصر پیامبر است بعدا که دوره سقیفه و عهد شیخین می رسد بر اثر بازگشت ریالیسم سیاسی قریش به صحنه اجتماع جناح ارمان گرای دین محور به کناری می رود جبهه مخالف مراقب یا تشیع نخبگان مدینه حاصل این مرحله است تئوریسن و طراح سقیفه عمر با اتخاذ سیاست برون فکنی شیعه را به انزوای موقتی و رکورد سیاسی میبرد بخاطر فتوحات بزرگ در ایران و شامات و مصر ثروتهای بیکرانی به مسلمین رسید و نیز قلمروشان چندین برابر شده و ملل دیگری هم به ترکیب اعراب مسلمان آمده و شهرهای بزرگ صد هزار نفری مانند کوفه و بوجود آمد این توسعه اجتماعی است که موجب مطالبات تازه ای

سیاسی می‌گردد و لاجرم بحران را بدنبال دارد این بار جنبش شیعی از کانون شهرهای بزرگ مانند کوفه، بصره، مصر، مکه و ... بلند می‌شود و رهبر قیام را به چنگ می‌آورد خلیفه وقت در مقرش شهر مدینه بوسیله انقلابیون به قتل می‌رسد در این بحبوحه خلافت به حضرت علی (ع) بر غم اکراه شدید ایشان واگذار می‌شود جامعه در حال گذار مسلمین به شدت ملتهب است جنگهای جمل و صفین و نهروان می‌آید، اصلاحات سیاسی اجتماعی حضرت علی (ع) در کوفه و محبوب دلگرمی اقشار فرو دست اعراب جنوبی و فارسیان گردیده و حضور گسترده قبایل یمنی و فارسیان و استقلال طلبی عراقیان موجب پیدایش (تشیع توده ای عراقی) است در آخر به تجلیل و تبیین جامعه شناسانه اجتماعی جنبش در شیعی شهر کوفه و به عنوان نتایج توسعه امپراطوری می‌پردازد. و جایگاه اعراب جنوبی و ایرانیان را و نیز تعامل تصورات و باورهای آنها را با مولفه های مذهبی بیان می‌دارد.

احوال شخصیه شیعیان افغانستان با تکیه بر نکاح و طلاق

عبداله شفائی

اجازه رعایت احوال شخصیه شیعیان بر مبنای فقه تشیع در نظام حقوقی افغانستان پدیده‌ای است، نوپیدا. تحقیق حاضر بدنبال رهیافت‌های علمی و حقوقی برای نهادینه کردن و اجرای ماده ۱۳۱ قانون اساسی جدید افغانستان جسته است. در نظر اول ممکن است تفکیک احوال شخصیه شیعیان از قانون مدنی افغانستان غیر قابل توجیه به نظر آید، اما با مطالعه اوضاع و احوال شیعیان افغانستان درگذشته و حال، در می‌یابیم چنین تفکیکی در چارجوب تساهل و تسامح حکومت با پیروان مذاهب دیگر که دارای احکام مذهبی خاص خود هستند، قابل تفسیر است. این کثرت‌گرایی حقوقی هم مبتنی بر باورهای دینی و هم اندیشه‌های بشری است. از دید حقوق تطبیقی، استقلال شیعیان در احوال شخصیه و در پی آن ورود فقه غنی شیعه در صحنه، بر غنای علمی حقوق افغانستان خواهد افزود، این واقعیت در حقوق خانواده به خصوص مبحث نکاح و طلاق قانون مدنی افغانستان کاملاً ملموس است. استفاده از فتاوی فقیهان روشن‌اندیش که عنصر زمان و مکان را در استنباط احکام فقهی در نظر می‌گیرند، لازمه تدوین اجرای موفقیت‌آمیز قانون احوال شخصیه شیعیان است، قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان - افزون

بر مشترکات تاریخی و فرهنگی پیوند نوینی میان نظام حقوقی دو کشور ایران که بر پایه فقه امامیه و افغانستان که بر فقه حنفی استوارند، به حساب می‌آید.

حقوق کودک در افغانستان با تکیه بر وضع حقوقی کودکان کار

از منظر اسناد بین المللی

دانش عبدالعزیز

کودکان در مجموع و کودکان کار مخصوصا، به عنوان قشر آسیب پذیر - به ویژه در کشورهای توسعه نیافته - همواره در معرض انواع آسیبها، خطرهای و تهدیدهای جسمی، روانی، اخلاقی و عاطفی قرار دارند. حمایت از کودکان در مقابل این خطرهای و رعایت حقوق ضروری و بایسته ای آنها برای تضمین سلامتی، امنیت و رفاه کودکان و نسل آتی جامعه مسأله است که ضرورت آن تردید ناپذیر می نماید. در همین راستا مجامع و نهادهای بین المللی چون سازمان ملل متحد و سازمان بین المللی کار مقررات و استانداردهای حداقلی را در حمایت از این قشر کنوانسیونها و اسناد مهمی را به تصویب رسانده است. امروزه حقوق کودک از مصادیق برجسته و بارز حقوق بشر بوده و رعایت آن در تمام جوامع بشری امر مقبول و اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ پیوسته و التزام خود را به رعایت اصول آن اعلام داشته اند. افغانستان نیز از جمله کشورهای است که به کنوانسیون مذکور و دو پرتوکل الحاقی آن پیوسته و به رعایت آنها ملتزم گشته است. متاسفانه کودکان در افغانستان از حداقل حقوق و استانداردهای مطرح در کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین المللی حقوق کودک و مقاوله نامه ها و تصویب نامه های سازمان

بین‌المللی کار، برخوردار نبوده و به ویژه کودکان کار در شرایط دشوار و بسیار ناگواری به سر می‌برند. با توجه به اصول و مقررات این اسناد، افغانستان یکی از کشورهای است که به صورت گسترده حقوق کودک نقض و کودکان از حقوق بسیار ضروری و اولی‌شان محروم می‌باشند. از این رهگذر حقوق انسانی و بشری قریب به نیمی از جمعیت کشور که به مقتضای خردسالی‌شان نیاز مبرم به این حمایت‌ها دارند تضییع می‌گردد. به دلایلی چون فقر اقتصادی و فرهنگی، حاکمیت سنت‌های منحط و ارتجاعی، فقدان و یا نقص نظام تعلیم و تربیت رسمی و فراگیر، کودکان بسیاری در سنین خردسالی به کار گمارده می‌شوند. این دسته از کودکان معمولاً در کارهای شاق و طاقت‌فرسا در ساعات طولانی و با دست‌مزد ناچیز به کارهای خطرناک استخدام می‌شوند. کارهای که نوعاً مضر به سلامتی جسمی، روانی و اخلاقی کودکان بوده و منجر به محرومیت آنها از حقوق اساسی کودک و حمایت‌های که لازمه خردسالی است، می‌گردد. با اذعان به اینکه رعایت حقوق کودک مستلزم توسعه همه‌جانبه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و بخصوص فقرزدایی از جامعه می‌باشد، اما در نقش اساسی نظم حقوقی مطلوب که منافع و مصالح علیایی کودکان را در اولویت قرار دهد شکی وجود ندارد. برای بهبودی وضع حقوق کودک در افغانستان نیاز به تحولات همه‌جانبه نه تنها در نظام حقوقی بلکه در ابعاد سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز ضرورت مبرم وجود دارد. و تمام نهادهای چون دولت و سازمان‌های ملی و بین‌المللی و خانواده‌ها مسئولیت دارند، تا کودکان کشور از حداقل حقوق‌شان بر اساس اصول مطرح در اسناد بین‌المللی حقوق کودک بخصوص کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ برخوردار شوند.

افغانستان و حق بر توسعه

محمد صادق دهقان

این باور در حقوق بین‌الملل بشر وجود دارد که کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه باید از حقی به نام «حق توسعه» برخوردار باشند، چون یک حق بنیادین بشری است. این حق به صراحت در سندهای جهانی به رسمیت شناخت شده است ولی در پژوهش‌های علمی به خوبی تبیین نشده است. می‌دانیم که در پیش گرفتن راهبردهای توسعه در جامعه انسانی، به فراهم بودن صلح در آن در جامعه بستگی دارد، به یقین، توسعه را در جایی که جنگ جریان دارد، راهی نیست. در این میان، افغانستان در پی سه دهه جنگ و نابسامانی، از همه حقوق اساسی و طبیعی و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه معمولی محروم شده است. راهکار جستن از گرداب شرایط ناپایدار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی، در پیش گرفتن راهبردهای توسعه است که بر اساس همه اسناد جهانی مربوط به حق بر توسعه، حقی است برای مردم سرزمین افغانستان که تازه در آغاز جاده بازسازی قرار دارند. پرسش اصلی پژوهش این است که راهکارهای افغانستان نوین برای دستیابی به توسعه پایدار چیست؟ بر همین اساس، در بخش نخست این پژوهش با عنوان «حقوق بشر و حق بر توسعه» از مفهوم و گونه‌های توسعه،

پیشینه، تعریف، درون‌مایه و منابع حق بر توسعه و جایگاه حق بر توسعه در اسناد بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی آگاه می‌شویم. در بخش دوم پژوهش به نام «حق بر توسعه در افغانستان» پس از بررسی ساختار توسعه در افغانستان پیشین، در کنار برشمردن راهبردهای حکم‌رانی مطلوب، راهبردهای توسعه اجتماعی و راهبردهای توسعه اقتصادی نقش همکاری‌های بین‌المللی در توسعه افغانستان و جایگاه کمک‌های خارجی در فرآیند توسعه کشور را تبیین می‌کنیم. آسیب‌شناسی توسعه در افغانستان نیز راه را برای سیاست‌گذاران افغانستان و دیگر پژوهندگان این عرصه باز می‌گذارد تا هر چه بیش‌تر برای بهبود روند توسعه در این سرزمین گام بردارند.

افغانستان و حقوق بشر

محمد زکی احسانی

از آنجا که در دنیای مدرن امروزی حقوق بشر یکی از شاخصه‌های تمدن، پیشرفت و توسعه‌یافتگی کشورها محسوب می‌گردد، توجه و عنایت خاص به این امر در افغانستان یک ضرورت و نیاز اساسی به شمار می‌رود. از طرف دیگر هر گونه اقدام در جهت حمایت، ترویج و انکشاف حقوق بشر فرع بر شناخت کامل از وضعیت گذشته و حال آن در افغانستان می‌باشد که متأسفانه تاکنون چنین پژوهش و تحقیقی صورت نگرفته است. پایان‌نامه حاضر با موضوع افغانستان و حقوق بشر تلاشی است در جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در افغانستان که در دو بخش تنظیم گشته است. بخش اول پس از بیان مباحث تمهیدی و مقدماتی به پیشینه حقوق بشر در افغانستان و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر و افغانستان اختصاص یافته است. بخش دوم بعد از بررسی وضعیت حقوق کودکان، زنان و اقلیت‌ها به عنوان محروم‌ترین و مظلوم‌ترین اقشار جامعه که از نقض مضاعف حقوق بشر رنج برده‌اند، به بیان چالش‌ها و راهکارهای توسعه حقوق بشر در افغانستان پرداخته است. از مباحث مطرح شده ثابت می‌شود که وضعیت حقوق بشر در افغانستان علی‌رغم اینکه بسیاری از معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر را امضاء و

تصویب نموده است، بسیار تاسفبار و رقت‌انگیز بوده است و اکنون نیز با چالش‌های متعدد مواجه است. دولت منتخب مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، وظیفه ملی و بین‌المللی دارد که با شناسایی چالش‌ها و موانع توسعه حقوق بشر و نیز راهکارهای آن که در تحقیق حاضر مورد بحث قرار گرفته است در جهت احیاء و توسعه حقوق بشر، اقدامات لازم و جدی را مبذول دارد.

رابطه جهانی شدن و آرایشهای تجاری منطقه ای: مطالعه موردی سازمان همکاری اقتصادی (اکو)

سید اسحاق علوی

جهانی شدن به عنوان فرایند همگرایی و یکپارچگی کشورهای جهان در قالب گسترش تکنولوژی اطلاعات، تحرک سرمایه جهانی رشد بی سابقه تجارت و چالشهایی و چشم اندازهای متعددی را فراروی کشورهای جهان، خاصه کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو) قرار داده است از یک سو کشورهای عضو اکو مانند دیگر کشورهای جهان برای بهره مندی بیشتر از ادغام و تعمیق یکپارچگی در اقتصاد بین المللی تلاش، برنامه ریزی و سیاستگذاری می کنند و از سوی دیگر با توجه به پاره ای اشتراکات فرهنگی، و تمدنی و مجاورت جغرافیایی برای دست یافتن به جایگاه درخوری به مناسبات اقتصادی و تجاری بین المللی ایستادگی در برابر آثار زیانبار و استفاده از دستاوردهای مثبت موج مهار ناپذیر جهانی شدن به تشکیل و تعمیق هم پیوندی های منطقه ای با اهداف گسترش پیوند های اقتصادی و تسهیل مبادلات و داد و ستدهای تجاری و بازرگانی از راه کاهش یا حذف موانع تعرفه ای همت می گمارند. در این پایان نامه رابطه میان این دو فرایند (همگرایی اقتصادی کشورهای عضو اکو و اقتصاد جهانی و تشکیل آرایش

تجاری منطقه ای (اکو) بررسی شده است. برای ارزیابی و شناسایی نوع پیوند میان جهانی شدن و منطقه گرایی از اثر تشکیل سازمان همکاری اقتصادی (اکو) بر ایجاد یا انحراف تجارت درون و برون منطقه ای به عنوان مظهر و مثل نوع این پیوند استفاده شده است. برای این منظور الگوی جاذبه تجارت بین الملل با گنجاندن دو متغیر مجازی تعمیم داده شده است، مدل تصریح شده جهت اثبات یا رد فرضیه تحقیق با استفاده از تکنیک داده های پانل به محک آزمون گذارده شده است. نتایج ضرایب تخمینی مطابق با انتظارات نظری بوده و فرضیه تحقیق مبنی بر « همسویی و مکمل بودن دو فرایند منطقه گرایی و جهانی شدن در حوزه تجاری سازمان همکاری اقتصادی (اکو) مورد تایید قرار گرفته است.

بررسی مسئولیت بین‌المللی اتحاد جماهیر شوروی در قبال توسل به زور نسبت به افغانستان

سید محمد عالمی

بررسی مسئولیت بین‌المللی اتحاد جماهیر شوروی در قبال توسل به زور نسبت به افغانستان از مواردی است که تاکنون بحث حقوقی مفصلی پیرامون آن صورت نگرفته است. در این تحقیق سعی بر آن است که به مسئله از دید حقوقی نگریسته شود و با مرور حوادث و بیان زمینه‌های حضور ارتش سرخ در افغانستان، دلایل اتحاد جماهیر شوروی برای مشروعیت مداخله‌ی نظامی این کشور در افغانستان، رد و مسئولیت بین‌المللی به دلیل توسل به زور نامشروع نسبت به افغانستان اثبات شود. در ادامه، مسئولیت کیفری و حقوقی ناشی از عمل این کشور معین گردیده و آثار ایجاد مسئولیت برشمرده شده است. در بحث مربوط به مسئولیت کیفری، به صورت مجزا، مسئولیت ناشی از نقض اصل منع توسل به زور، اصل منع مداخله و ممنوعیت تجاوز با توجه به قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل و مسئولیت کیفری ناشی از نقض قواعد و مقررات لازم‌الرعایه در زمان جنگ و حقوق بشر دوستانه مورد بررسی قرار گرفته است. پیرامون مسئولیت حقوقی نیز ضمن اثبات موضوع، جبران خسارت به عنوان اثر ناشی از مسئولیت حقوقی مطرح گردیده و خسارات وارده

اعم از مادی و معنوی، نحوه‌ی مطالبه و اشکال جبران خسارت بررسی شده است. موضوع دیگری که به دلیل اهمیت آن مورد بحث قرار گرفته است، تأثیر مرور زمان بر قضیه است. گذشت سال‌ها از خروج نیروهای ارتش سرخ از افغانستان این سؤال را در ذهن خلق می‌کند که آیا بعد از گذشت این مدت می‌توان به طرح موضوع و مطالبه خسارات پرداخت. در این تحقیق با توجه به رویه‌ی بین‌المللی، همچنین شرایط و وضعیت افغانستان مرور زمان بی‌تأثیر دانسته شد. در پایان با توجه به این که در اثر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این کشور حیات سیاسی خود را از دست داده است، به این موضوع پرداخته شده که رویه‌ی بین‌المللی و عملکرد روسیه و جمهوری‌های استقلال یافته، نشان دهنده این است که دولت جمهوری اسلامی افغانستان می‌تواند برای مطالبه خسارت به کشور روسیه به عنوان ادامه‌دهنده‌ی اتحاد جماهیر شوروی مراجعه نماید.

مقایسه‌ی اندیشه‌ی فمینیسم برابری طلب غربی با اندیشه‌ی برابری طلبان جنبش زنان ایران

مشتاق الحلو

موضوع انتخابی این تحقیق، مقایسه‌ی اندیشه‌ی فمینیسم برابری طلب غربی با اندیشه‌ی برابری طلبان جنبش زنان ایران می‌باشد. در راستای پاسخ به سوال اصلی پژوهش که عبارت است از: چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان اندیشه‌ی فمینیسم برابری طلب غربی و اندیشه‌ی برابری طلبان جنبش زنان ایران وجود دارد؟ «فرضیه‌ی زیر ارائه شد: شباهت اندیشه‌ی فمینیسم برابری طلب غربی با اندیشه‌ی برابری طلبان جنبش زنان ایران در مطالبه‌ی جایگاه حقوقی - اجتماعی برابر با مردان و تفاوت آنها در تبیین علت فرودستی حقوقی و اجتماعی زنان و راه‌هایی است که برای نیل به برابری پیشنهاد می‌کنند. تعریف انتخابی از فمینیسم برابری طلب عبارت است از «اعتقاد به لزوم برابری حقوق، فرصت‌ها، امکانات و منزلت اجتماعی زن و مرد و تلاش در جهت از بین بردن سلطه‌جویی جنسی (مردسالاری) و پایان بخشیدن به ستم، تبعیض و خشونت علیه زنان» می‌باشد. پس از بررسی زمینه‌های شکل‌گیری و روند رشد این دو جریان فکری - اجتماعی و مقایسه‌ی آنها در ابعاد مختلف (تبیین مسئله، مطالبات و راه‌کارهای پیشنهادی جهت حرکت از وضعیت غیرمطلوب و

رسیدن به وضعیت مطلوب (به این نتیجه رسیدیم که فرضیه‌ی تحقیق بطور کلی به اثبات می‌رسد. البته باید توجه داشت که تفاوت‌های مذکور، تفاوت ماهوی نیست، بلکه از نوع درجه‌ی تاکید و نقاط تمرکز آنها می‌باشد. و بیان شد که علت این شباهت زیاد، اشتراکات متفاوت ذهنی و عینی است که امروزه میان ایران و غرب بوجود آمده و تفاوت‌ها تحت تاثیر برخی ریشه‌های فکری و شرایط بومی می‌باشد.

بخش دوم:

چکیده‌های انگلیسی

The right of children to receive humanitarian assistance in armed conflict with an emphasis on the situation in Afghanistan

Sediqe Sharifi

Children are the most vulnerable and, in fact, the mirror of the defenseless in armed conflict, so they deserve more humanitarian support and assistance. This vulnerability is more likely to occur when armed conflict occurs and children are deprived of the benefits of a normal life. One of the most important violations of armed conflict against children is the denial of access to humanitarian aid. In the present study, while emphasizing the observance of the principles and rules of humanitarian law, the concept of the right and the concept of the right of individuals to humanitarian aid as one of the human rights has been explained. Also, governments in crisis and unable to meet the basic needs of the people in an emergency must accept humanitarian aid and provide the conditions for delivering it to the people; Therefore, due to the consent and refusal of the government in need, acceptance of humanitarian aid is also addressed. What strategies and measures can be used to provide humanitarian assistance to children and what challenges and obstacles we face in obtaining such assistance. Therefore, the present study raises the question: What is the right of children to receive humani-

tarian assistance with emphasis on the situation in Afghanistan? and tried to give an appropriate answer to this question. In Afghanistan, efforts have been made in terms of legislation and the drafting of a legal framework, and humanitarian agencies have a legal framework, however the most needed province are those which are host of homeless people and are affected by the war. According to the latest UNICEF report of the year 2019 approx 3.8 million children in Afghanistan need humanitarian support and assistance, which is about ten percent of the total population of Afghanistan. Therefore, given the many vulnerabilities that the population currently suffers from, Afghanistan needs global assistance to resolve the existing crisis. Therefore, considering the existence of literature and legal framework, it is better to pay more attention to objective and external conditions so that more efficient institutions can solve the existing challenges.

Keywords: Humanitarian Rights, Right to Humanitarian Assistance, Children of Afghanistan, Armed Conflict

left-wings and the failure of democracy in Afghanistan

Seyed Mehdi Sarbaz

The present study examines the role of the Democratic Party of Afghanistan in the failure of democracy in Afghanistan. The People's Democratic Party of Afghanistan was the only powerful leftist party that came to power in Afghanistan and ruled this country for 14 years. The People's faction and the flag faction are two branches branching from the People's Democratic Party of Afghanistan. They were those who considered themselves the main representatives of this party. In the present study, the role of this party and its impact on democracy have been studied in two stages. The first stage is when PDPA is in the position of the opposition, and the second stage is when this party comes to power. In both stages, the focus of the research was on how democracy and its principles were articulated in this powerful left-wing party. The People's Democratic Party of Afghanistan, as the name implies, bore the Democratic prefix. In this study, I have tried to show whether they were really as democratic as they claimed. But the importance of the present study is not only for this reason. The main significance of the present study is to show how democracy and leftism in Afghanistan are intertwined or in con-

flict, in order to use this experience at a time when Afghanistan is still more or less active in the context of society and the sphere of power take place. The present research has been done by Laclau and Mouffe discourse method and the results of this research show that PDPA was one of the main proponents of democracy, before coming to power but after coming to power, the discourse of PDAP become oddwith democracy and its principles, by articulating the sign of the vanguard party as the central sign, and by articulating the sign of centralized military power and the dictatorship of the proletariat.

Keywords: Marxism, Democracy, Leftism, Marxism-Leninism, Peoples Party, Flag Party, Afghanistan

Transitional justice in international human rights with emphasis on the situation in Afghanistan

Reza Gholamhosseini

During the process of implementation of transitional justice, there are no single mechanisms in this field; This program may have different types depending on the cultural, political, social and economic context of different countries. However, the most important mechanisms that can be considered as part of transitional justice programs include: fact-finding and documentation, identification of victims and perpetrators of crimes, legal and judicial actions that sometimes lead to the punishment and prosecution of criminal, establishing museums to preserve the legacy of crime, compensation for victims which is one of the mechanisms of transitional justice and is also a right and creates direct benefits for victims, or perhaps reconciliation and amnesty. The present study seeks to explain the concept and position of transitional justice in international human rights in relation to the situation in Afghanistan, so that transitional justice in human rights, i.e., rule of law, democracy, peace and security is examined and on the other hand, transitional justice in Afghanistan, i.e., What the role of national and international actors is, as well as the opportunities and challenges of transitional justice

in Afghanistan is studied. Transitional justice is therefore a process that helps a society in transition to overcome the dire situation of human rights abuses in a society based on the rule of law, democracy, lasting peace and human rights, which is one of the long-term goals of transitional justice. So in transition societies, national and international actors can play a very prominent and vital role in rebuilding social relations and building national solidarity. The main player in the implementation and administration of transitional justice is the executive branch, and other actors can play a role in the legal framework created by the executive branch and possibly help and cooperate with the executive branch in this context. There are also many challenges and obstacles to implementation of the transitional justice process in Afghanistan. Some of these challenges include: the presence of perpetrators and their supporters in power, widespread corruption and weak rule of law, the continuing insecurity and war in Afghanistan, the legal vacuum, ambiguity and conflict of laws, social divisions and ethnic and linguistic prejudices and discrimination, and Etc., the traditional nature of Afghan society and the lack of a civic culture and rational values, lack of will of the executive branch to implement and implement transitional justice, low level of literacy and public awareness, economic problems, poverty and widespread unemployment ...

Keywords: Transitional Justice, International Human Rights, Transitional Justice Mechanisms, Right to Peace, Transitional Justice Actors, Afghanistan

Afghanistan and Iran Legislative Criminal Policy Approach to Sex Crimes

Mohammad Kamali

One of the latest legislative achievements of Afghanistan and Iran in the field of sex crimes, is Penal Code 1396 and the Islamic Penal Code 1375 and 1392, that with a comparative study, their advantages and disadvantages become apparent. The present study has been prepared by focusing on the mentioned laws and with the aim of identifying the points of difference, commonality and legal gaps between the legislative criminal policy of Afghanistan and Iran against sexual crimes, through the method of library study. One of the most important similarities between the criminal law of Afghanistan and Iran regarding sexual crimes is the influence of these two systems on the jurisprudence system. The most important difference between these two penal systems is in the expression of criminal cases. It seems that considering the detailed and separate study of the legislative criminal policy of Afghanistan and Iran in the field of sexual crimes and the differences and similarities between them, it should be concluded that there is no similar legislative criminal policy between the Afghan and Iranian penal system due to differences of opinion.

Keywords: Legislative criminal policy, sex crimes, Afghanistan Penal Code, Islamic Penal Code of Iran

A Comparative Study of Foreign Policy of India and Pakistan: Emphasizing the Security Crisis in Afghanistan 2001 so far

Enayatullah Kazemi

Terrorist attack of September 11 has led to dramatic global and regional developments, leading to crises such as the security crisis, the weakening of national sovereignty, and the spread of terrorism and extremism in Afghanistan. The developments of the last two decades in Afghanistan have led to changes in the role of regional actors, the rules of the game and the strategic models of the influential countries in Afghanistan. The long-standing differences between India and Pakistan in the military, political, economic and historical fields have, on the one hand, led Afghanistan to the security developments in South Asia and on the other hand, indicate that the security crises in Afghanistan are more than orderly. And regional security patterns are affected. Accordingly, the main question of this study is what effects has the rivalry between India and Pakistan had on the security crisis in Afghanistan? To answer that should say the traditional Indo-Pakistani conflict has weakened national sovereignty, strengthened extremism, and terrorism in Afghanistan, based on this Pakistan played role Afghanistan by sup-

porting contrary armed group against the government. And India's economic role has played a security role in Afghanistan through numerous contributions to Afghanistan's reconstruction process, support and assistance in development programs, the rule of law of the Afghan government, and the training and equipping of Afghan troops. Thus, it can be stated that the conflict and rivalry between India and Pakistan, by prioritizing military and political threats, has had a significant impact on the spread and continuation of the security crisis in the region and Afghanistan.

Keywords: Foreign Policy, Security Crisis, Regional Security Complex, South Asia, Afghanistan

Critical Analysis of the Basic Justice of Afghanistan

Ghulam Rasool Ehsani

In any modern legal system, protection of the constitution is absolutely necessary, therefore, measures have been devised to preserve and protect it. In the country of the Islamic Republic of Afghanistan, which has a codified constitution, such an institution, or better to say, institutions have the duty to protect the constitution, which is why the subject of the basic proceedings is slightly different from other countries. Because this duty is usually entrusted to a judicial or political institution, but in the Constitution of Afghanistan in Article 121, this task, that is, the interpretation and implementation of the Constitution, is left to the Supreme Court, which is a judicial institution, but later in the Loya Jirga of the Constitution Article 157, is added that this article provides for an independent commission to oversee the implementation of the constitution, whose members are elected by the president and introduced to parliament for a vote of confidence. It can be said that this is a political institution, apparently the constitution of the Islamic Republic of Afghanistan has used both common methods of basic justice in the world, which has made the basic judicial mechanism in Afghanistan different from other

countries. Given the limited books and articles available, the author seeks to examine the nature of the main proceedings, the duties and powers of the Supreme Court, and the Commission for the Supervision of the Implementation of the Constitution, which recognizes both institutions as constitutional guardians. In the previous constitutions, we did not face such a problem, ie conflict or antagonism of the jurisdiction of parallel institutions, because the previous constitutions or the Supreme Court considered the institution as competent as the constitution 1976, was like this in the time of Mohammad Daud Khan, or the constitution of the year 1987 During the reign of Dr. Najibullah, who delegated the authority to interpret and implement the Constitution to the Constitutional Council.

Keywords: Afghanistan, Protection of the Constitution, Supreme Court of Afghanistan, Commission, Council

Foreign aid and its impact on Afghanistans economic and security development Since 2001 to date

Ramezan Heydari

Afghanistan has historically faced various economic and security problems and has relied on foreign aid to meet its needs. Governments were fragile or collapsed, failing to provide public services, weak security, and lacking central authority. But after September 11, the country became the center of global attention, and after the fall of the Taliban, with the presence of US and allied forces, a lot of foreign aid was sent to rebuild Afghanistan and provide security and capital for economic development. But regional crises and widespread corruption at various levels have plagued the country with insecurity, fundamentalism, terrorism and underdevelopment. The question posed in this study is how the impact of foreign aid on Afghanistans economic and security development can be assessed? It also emphasizes the hypothesis that despite abundant foreign aid to the country due to incorrect state-building process, regional crises and high levels of corruption, economic development is not growing and leading the country to poverty, underdevelopment, insecurity. And widespread civil strife has erupted in recent years. This study tries to analyze and explain the above hypothesis with the theoretic-

cal framework of fragile governments and answer the question. The method used in this research is analytical-descriptive and library.

Keywords: foreign aid, development, economic development, security, fragile governments

Assessing the Performance of the United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA) and Supporting Civilians

Ruhollah Javadi

One of the most important goals of the United Nations, according to its charter, is to maintain international peace and security. Based on this goal, the UN Security Council, at the request of Afghanistan, which had entered a new phase after the fall of the Taliban, agreed to the establishment of UN Assistance Mission in Afghanistan based on a resolution. 1401. United Nations Assistance Mission was established in Kabul in 2002 and currently operates until 2019 will continue. The time period of this dissertation Encompasses UN-AMA activities from 2009 to 2016. In this dissertation we evaluate the performance of the UN Assistance Mission in Afghanistan and the protection of civilians, in addition to the the performance of the Government of Afghanistan in the protection of civilians. The last approved resolution, was resolution number 2405 and based on it 44 missions defined for the Board, including the protection and promotion of human rights, monitoring the situation of civilians, ensuring the protection of civilians, humanitarian affairs and humanitarian law. This committee has made efforts to achieve the goals set, al-

though it has not achieved all its goals, but in some cases it has had success. In this dissertation, first the UN Assistance Mission is examined in terms of the conditions of establishment, legal status and structure, and then the duties of the parties based on international humanitarian law, international human rights law, international criminal law are examined. In addition to that the performance of UNAMA in the general protection of civilians against anti-government elements examines, as well as government forces, and finally UNAMA's specific protection of civilians, including children and women evaluates.

Keywords: United Nations Assistance Mission in Afghanistan – UNAMA

Religious roots of US support for Israel

Faezeh Rahimi

The American Christian fundamentalists are in fact the descendants of the founding Puritans. The Puritans are in fact pro-Jewish Christians who came to America with the aim of creating a holy state, so religion is the most important element in the formation of the American state. And consequently they have a deep connection with the field of politics; That is the manifestation of the Christian right-wing alliance with the American Conservatives. In fact, US policies in support of Israel are rooted in the religious beliefs of American Christian fundamentalists. In fact, if we are to answer the question of how the religious roots of this support can be analyzed, we must address the three doctrinal principles of these fundamentalists. First, they believe that the Jews are God's chosen people and that their support will lead to God's approval and support. This belief is based on God-given commitment to Abraham. It was in line with this belief that Zionist Christianity in the United States arose even earlier than Jewish Zionism. Christian fundamentalists who support Zionism based on the principle of destiny, believe that God has divided the world into seven periods; Which is the seventh stage of the millennium of happiness that begins with the advent of

Christ. According to this idea, the emergence of a savior will take place when the Jewish people return to the holy land of Zion, to which God belongs, and form a Jewish state, and then rebuild the Temple of Solomon, which is the prelude to the emergence of the Christ and the beginning of the millennium of happiness. In this way, the Christian fundamentalists consider it necessary to support Israel, because in this way they can both provide the ground for emergence and gain divine approval by supporting Israel.

Keywords: Christian fundamentalists, the chosen people of Zionist Christianity, destiny, millennialism

Afghanistan Independent Election Commission (IEC): Assess structure and performance

Mohammad Taqi Fayyaz

In Afghanistan, elections were initially held by tribal elders and elders in national and local jirgas; But holding elections in Afghanistan after September 11 and the formation of the rule of law is based on international norms. Elections based on democratic principles should have at least some characteristics such as health, fairness and freedom. It was an institution called the Independent Election Commission (IEC), which was responsible for these tasks. The institution has three main pillars: The Media Commission, the Electoral Complaints Commission, and the Independent Electoral Commission. Under Afghan law, the three functions of administering, conducting, and supervising elections are the sole responsibility of the institution, and the commission's functions can be divided into three parts: pre-election, election day, and post-election.

Keywords: Election, Independent Election Commission, Media Commission, Complaints Commission, Violation, Fraud, Monitoring.

Investigating the obstacles to the lack of formation and development of social justice in Afghanistan (from 2001 to date)

Mohammad Nabi Gholami

Social justice can be considered as the only component of overcoming the existing crises of fragile states and the best element for laying the foundations of the legitimacy of those states. Justice has been a reasonable desire for all individuals and societies since the beginning of human history. By consolidating social justice among societies, governments can eliminate conflicts between people over material resources, political tyranny, widespread inequality and systematic discrimination, and ultimately the fragility of governments. What is considered as the main question in this study is the study of barriers to the formation and development of social justice in Afghanistan since 2001 to date. Consolidation of social justice in Afghanistan is not possible without political and social indicators in a society without justice and discrimination. How Barriers to social justice in Afghanistan since 2001 has been studied so far? The hypothesis of this study is the economic obstacles to achieving social justice in Afghanistan, lack of capital accumulation and its exit from the country, lack of competitiveness and unbalanced

trade. And among its social obstacles are overcoming ethnic-linguistic gaps and intolerance among minorities, unfair redistribution of facilities and neglect of poverty alleviation growth and among its political obstacles is the lack of collective will for participatory development and especially the growth of terrorism within the country. According to the above indicators, we examine the obstacles to the formation and development of social justice with a descriptive and analytical method.

Keywords: Social Justice, Fragile Government, Crisis, Economic Development

**Performance of the Afghan National Unity
Government (Ashraf Ghani) and Indicators of
Political Participation, Accountability and Rule of Law**

Ziba Rahimi

The present study seeks to explain the proportionality of the three key concepts of development, namely participation, accountability and the rule of law in the government of national unity. Due to the transformation of the political system in Afghanistan (communism, Talibanism, Mujahideen and democratic government), the idea of development was formed in Afghanistan. The hypothesis of this study is that Afghanistan needs to development indicators (political participation, accountability, rule of law), and here we are looking for an answer to: how did the performance of the National Unity Government (Ashraf Ghani) and the indicators of political participation, accountability and the rule of law take shape? To answer this question or to prove the hypothesis, theory (modernization) has been used. The results show that the political participation of ethnic groups, especially minorities and parties, has decreased because the role and participation of different parties is either non-existent (undefined) or very low. The accountability of the NUG to the people, law and parties, especially in Social, economic, and public safety

issues are declining. Studies show that the rule of law has been very weak due to non-compliance with international obligations, the National Unity Agreement and the Constitution, and non-compliance with ethnic rights.

Keywords: Renovation, Rule of Law, Accountability, Political Participation, Indicator, Government of National Unity.

Comparative study of the deputy in crime in the criminal law of Iran and Afghanistan

Mohsen Heidari

The principle of legality of crime and punishment is one of the basic principles of criminal law and the common denominator of all law systems of the world. This principle is recognized in international instruments, constitutions and ordinary laws of countries. The holy religion of Islam has emphasized this principle in many cases. Which has been supported by countries, including Iran, Afghanistan and the Constitution and the Penal Code. An accessory is a person who has not committed the material and spiritual elements of the main crime committed by the perpetrator or accomplices of the crime, but has assisted the accomplice or accomplices in the commission of the crime in the manner prescribed by law. The purpose of this study is a comparative study of the accessory for Crime in the criminal law of Afghanistan and Iran with a descriptive-analytical method based on reliable scientific sources. Also in this study, the examples and conditions of the accessory in the crime were mentioned and the verdicts and punishments of this crime were explored. The results are as follows: In the current criminal law of Afghanistan, the instances of assisting in a crime are the same as the

instances of assisting in the criminal law of Iran. Assistance to crime has been accepted in both criminal systems. In principle, accepting the accessory and determining the cases that facilitate the occurrence of crime, there is no difference between the two countries and only the Afghan legislator in mentioning the cases of Article 59, has one more instance than the instances mentioned in Article 126 of the Islamic Penal Code of Iran, but in terms of the punishment of the accessory in the criminal law of Afghanistan, and the criminal law of Iran, the legislature of Afghanistan, the punishment of the accessory in a crime as a legal article 127 has not stated and has only stated that (the deputy is sentenced to a punishment one degree lower than the punishment for the crime committed, unless otherwise provided in this law.)

Keywords: accessory in a crime, Iran, Afghanistan, Criminal Law, Director

Security and economic development in Afghanistan in the post-Taliban era

Ali Javad Dehghan

The title of the present study is Security and Economic Development in Afghanistan in the Post-Taliban Period. Given the experience of the developed world, the connection between the nature of state-building and the construction of security is essential for the realization of economic development. On the other hand, we see in Afghanistan for various reasons such as imperfect governance, inability of the government to manage border stability and territorial integrity, widespread rent-seeking and corruption, prolonged ethnic conflicts due to war and long interventions of major powers such as the US and Russia, development has been challenged. Consequently, the rise of lawlessness, extremism, and the lack of economic investment opportunities has also been further exacerbated. The purpose of this study is to find a link between security and economic development in Afghanistan after the formation of a new political system following the fall of the Taliban. Considering the development experiences in other parts of the world, we realize the importance of state-building and building security for the realization of economic development. Afghanistan, on the one hand, is expe-

riencing insecurity, increasing extremism, and losing opportunities due to the imperfect process of state-building, the inability of the government to stabilize its borders and territorial integrity, and on the other hand, prolonged ethnic strife due to civil war and long interventions by major powers and neighbors, Economic investment and the erosion of government institutions have been accountable. It should be noted that this research is based on descriptive-analytical method and library.

Keywords: Security, Development, Economic Development, Economic Growth, Corruption

Iran-Iraq convergence and its impact on OPEC policies

Mohammad Khalil

OPEC is the first oil organization whose main goal was to create convergence and consensus on the amount of oil production and consequently the price of oil in world markets, but in recent decades the organization has always failed. This is due to the internal differences of its members. The differences of these members are in various dimensions, which are the first: ideological, political, economic differences. Thus, since countries can more easily achieve their national interests through convergence, Iran and Iraq can influence OPEC policy-making in the event of convergence and play an important role in convincing other countries. The main question of this dissertation: What effect has the convergence of Iran and Iraq had on the policies of OPEC? Hypothesis: The presence of the majority of Shiites in Iran and Iraq and the need to curb the common threats of Salafi movements and curb Kurdish separatism, including the reasons for political convergence on the one hand and economic exchanges between the two countries in the field of export and import of religious tourists and the need for security cooperation. On the other hand, it will lead to convergence and in-

fluence on OPEC policies. The research method of this dissertation is descriptive-analytical.

Keywords: Iran, Iraq, OPEC; Regional convergence

Shanghai and Security Pact in Afghanistan

Mohammad Reza Rezaei

After the collapse of the Soviet Union, the Central Asian region witnessed important events. The growth of Islamist movements and parties in the newly established Central Asian republics, the spread of terrorism in most of these countries, and drug trafficking are some of these problems. After the Taliban took control of Afghanistan, the groups' material and spiritual support also strengthened the fundamentalist parties and groups in Central Asia. Knowing that energy transmission lines from the oil-rich regions of Central Asia to China will have to pass through these high-risk areas in the future, doubles the importance of security considerations to address these issues. With the US and NATO military invasion of Afghanistan following the events September 11, and the establishment of military bases in this country, the US presence was seen as a security threat to countries in the region, especially China and Russia. Given these facts, it seems that the Shanghai Cooperation Organization, as the most powerful mechanism for establishing regional cooperation in Central Asia, can play an important role in this region. Shanghai Cooperation Organization founded in 2001, with the aim of combating the three elements of separatism, extremism and terrorism,

balancing US and NATO influence in the region and increasing economic cooperation in the region. Meanwhile, Afghanistan is considered as one of the most important security issues in the Shanghai region. The performance and history of the Shanghai Cooperation Organization in resolving regional disputes and conflicts shows that this organization can help solve the security crisis in this country by developing regional cooperation around Afghanistan. In this study, we seek to answer the question: how the effects of the Shanghai Agreement on security in Afghanistan can be examined and what were the actions of the Shanghai Cooperation Organization to combat separatism and terrorism to create security in Afghanistan?

Keywords: Shanghai Cooperation Organization, Central Asia, Afghanistan, USA, Security Crisis, Defensive Realism.

Iraqs place in the US larger Middle East plan and its impact on

Ali Al-Fayadh

After September 11, the United States and its allies launch the Greater Middle East Initiative for the first time in a year under the pretext of fighting terrorism and spreading the Western model of democratization to gain access to energy resources and control rivals in the Middle East, especially Iraq in 2002.

The question of this study is: what is the position of Iraq in the larger US Middle East plan and what effect does it have on relations with Saudi Arabia? The author assumes that the special place of Iraq's political economy in the Greater Middle East project is due to the need to establish and spread a model of Western-style democratization in this country and extend it to other Middle Eastern countries, which leads to shaking Saudi Arabia's traditional position, especially the possibility of transferring energy from the Middle East to the Pacific will also disrupt Saudi Arabia's pre-existing position.

Keywords: Greater Middle East Plan, Development, Asia-Pacific, Energy

NATO presence in Afghanistan, Challenges and opportunities in relations with Pakistan

Mohammad Mehdi Bagheri

September 11 2001 was a turning point for US and NATO forces in Afghanistan, and the country became a hotbed of global terrorism. NATO due to change in its philosophy of existence in the first transatlantic mission since August 2003 in the fight against terrorism, came to Afghanistan for the process of peace and stability. But NATO has created challenges and opportunities for Pakistan to achieve these goals in Afghanistan. Of course, some of these challenges are related to the inherent nature of the country in terms of the Durand Line border issue and the issue of Pashtunistan with Afghanistan, and some are due to NATO's strategy in the peace and stability process, but in the meantime for Pakistan on the counter-terrorism front, there is considerable opportunity for global attention. Given the scale of NATO's international operations in the process of stabilization and reconstruction, however, Afghanistan is still in a state of constant instability and crisis, which is strongly influenced by Pakistan's dual policies. Despite cooperating with ISAF international forces, especially in the field of transit, logistics and logistical support, the country has always sought the support of the

Taliban terrorist groups in search of a weak government in Afghanistan. Because it is concerned about the consolidation of a powerful government in Afghanistan, which may jeopardize its interests in the Duran Line case and, consequently, the issue of Pashtunistan. This study examines this question: what effect has the presence and performance of NATO international forces in Afghanistan had on relations with Pakistan? According to the research hypothesis that the presence and performance of NATO forces to stabilize and rebuild Afghanistan, Pakistan has faced the challenge of the Taliban and territorial disputes, followed by the issue of Pashtunistan, and on the other hand, an opportunity for Pakistan in a strategic alliance with NATO and the United States. The United States has worked to eliminate or severely weaken the Taliban. Research approach in this dissertation is descriptive and analytical.

Keywords: NATO, Durand, Pashtunistan issue, Terrorism, Pakistan

Energy Security Challenges in Afghanistan (with Emphasis on Fundamentalism)

Mohammad Reza Akbari

Afghanistan is a country with a tumultuous history and has a special position for its neighbors. The vast energy resources of Central Asian countries, due to lack of access to open waters, require the construction of power transmission lines and the establishment of sales markets. India and Pakistan, with their limited energy resources, are among the developing countries that need to import energy from other countries. Afghanistan is the shortest route for energy transfers from Central Asian countries to India and Pakistan. Afghanistan's energy security and that of its northern and southern neighbors depend on achieving cooperation to reach agreements and implement energy transfer projects through Afghanistan. Fundamentalism and extremism are among Afghanistan's social and security problems that prevent it from achieving the implementation of energy transmission projects and the construction of the necessary economic infrastructure. Taliban-style fundamentalism has a long history in Afghanistan and has always been recognized as a challenge to Afghanistan's modernity, development and economic growth. Fundamentalist active group in Afghanistan, in cooperation

with their counterparts in neighboring countries, have become a regional problem in achieving security, especially energy security. The main question of this study is what are the effects of fundamentalist threats on energy security in Afghanistan? And showing this hypothesis that: preventing foreign investment and lack of economic growth, lack of exploitation and discovery of Afghanistan's existing resources, creating problems in the passage of energy lines through Afghanistan and also creating insecurity for neighboring countries are the most important effects of the foundation on energy security in Afghanistan. The present research is in terms of descriptive, analytical method and library and documentary collection method. Keywords: Energy Security, Fundamentalism, Taliban, Power Transmission Lines

The right to education of Afghan refugees in Iran with emphasis on the role of UNESCO

Mehdi Yousefi

We live in a world that is changing and in particular interdependent. A world in which knowledge and innovation are the main drivers of development. This means providing quality education and training, which will become more crucial factors for the well-being of human beings, the development of countries and the quality of a common human future. However, the gap in learning outcomes is widening in some countries. For example, the Islamic Republic of Iran, where millions of Afghan refugees have lived for four decades, forty years after the arrival of Afghan refugees in Iran, they have overcome the problems of the right to education. The Government of the Islamic Republic of Iran has drawn up a special policy towards immigrants and has carried out its activities in that direction. One of the important activities of the Iranian government is the expansion of formal education, in this regard, it has carried out activities such as supporting basic and primary education, expanding the acceptance of higher education, and expanding and strengthening technical and vocational education. But non-formal education, in which international institutions for immigrants have played a major

role, such as UNESCO, has been active in rebuilding and strengthening adult literacy and education, family behavior education and other free education.

Key concepts: Immigrants, the right to education, Afghanistan, Iran, UNESCO

Developments in Egypt and the position of Israel

Abbas Afzali

Occurrence of recent developments in Egypt, especially the revolution January 25 2011 has occupied the minds of many scholars with the question of how the relations between Egypt and Israel and the Camp David Accords will change and what the future will be according to the demands of the people in the revolution. In this study, the main question of the article is that What impact does the development of Egypt have on Egypt's foreign policy and Israel's position so far? An attempt will be made to investigate this issue and this issue will be investigated using a descriptive-analytical method. Regardless of why the revolution took place in January 25 In this study, the aim is to show its effects on Israel's position. Based on this, the findings of this study are based on the fact that recent developments in Egypt have not had any tangible effect on the position as well as the relations between Egypt and Israel. Therefore, the research hypothesis is that Egypt's specific geopolitical conditions, continuously with Israel and the desert's geographical location in the Camp David as a buffer zone between the two countries, and the threats of ISIS activity in the region, has highlighted Israel's position in the post-coup developments in Egypt and Israel's sense of

danger from the underground activities of the Muslim Brotherhood extremist forces after the fall of Mohammad Morsi and the possibility of its spread to the borders of Israel as a threatening factor indicate that Israel is doubly affected by the developments in Egypt.

Keywords: Neo-Realism, Revolution January 25, Camp David, Egypt, Israel, USA

Pakistan-Afghanistan relations and its impact on India's security since 2001 to now

Alireza Ramezani

Pakistan has an important place in the subject of political Islam due to providing a suitable platform for the formation and growth of fundamentalist ideas such as Talibanism in this country and its export to neighboring countries. Islamabad's efforts to gain more influence in Afghanistan and widespread support for the Taliban can be interpreted in terms of competition with India, as well as the country's continued territorial integrity. Afghanistan has now become an arena of competition between India and Pakistan in economic, political and cultural fields. The Taliban, as the most important non-governmental actor on the Afghan scene, has been instrumental in Pakistan's goals. India sees the spread of the Taliban ideology as a threat to its security, and the spread of this ideology to the Jammu and Kashmir region is very dangerous for its security and unity. The main question of this study is, what effect does have Pakistan's influence in Afghanistan after the fall of the Taliban on India's security? And to prove the hypothesis that: Due to Pakistan's comprehensive influence in Afghanistan (political, economic, cultural) we are witnessing the spread of instability, Islamic fundamen-

talism and Taliban ideology in the region, and consequently increasing pressure on Kashmir and insecurity on the Indian border, using constructive theories. The present research is descriptive, analytical and data collection method of library and documentary library.

Keywords: Taliban, Kashmir, security, religious schools, influence

A Study On Political thought and Social Positions of Martyr Abdul Ali Mazari: Challenges and Obstacles Ahead

Seyed Mohammad Ali Hashemi

The Islamic Movement of Afghanistan, which emerged in response to foreign interference in the country, has played an important role in the current developments in Afghanistan in the light of the guidance of thinkers and political activists. Abdul Ali Mazari is one of the prominent persons and thinkers of this movement. The present study seeks to re-read his thought and political and social positions and his reflection in the current society of Afghanistan. Mazari was a militant and scholarly figure who, from his adolescence, had grown deeply acquainted with Martyr Allameh Balkhi and his thoughts, the spirit of freedom, justice, and the struggle against oppression in his being and thoughts. National unity, social justice, reform of the administrative system, women's rights, and the recognition of the Shiite religion and the participation of ethnic groups in the sovereignty of society are the main elements of her political and social thought. Also, the establishment of lasting peace and stability and the establishment of free democracy (elections) were among his most important demands and they insisted on its

realization. Organizing the resistance movement in the provinces and cities of Afghanistan, establishing an Islamic government, promoting a culture of tolerance for each other, defining a new model of leadership, reviving the rights and identity of the Hazara tribes can be considered as achievements whose ideas have played a great role in its formation.

keywords: Mazarişs Political Thought, Contemporary Afghanistan, Shiism, National Unity, Jihad, Resistance

Challenges and Strategies for Foreign Investment in Afghanistan Based on WTO Regulations

Hossein Khodabakhsh

Basically, providing financial resources for managing the macro affairs and infrastructure of the country is inevitable and there are different ways for it. Foreign investment is one of the types of business activities and is one of the resources that countries, in addition to providing financial resources for their projects, use to mobilize the economic sector, upgrade technology in production, create job opportunities to compensate for backwardness, achieve sustainable development and for social welfare in global position. Afghanistan is one of the developing countries that is in dire need of financial resources and can not rely solely on domestic resources to compensate for the backwardness and must make attracting foreign investment one of its strategic priorities in future planning. But there are challenges in attracting foreign capital and its inflow into the country, and it will not be able to access these resources until those challenges are resolved. However, the main focus of this study is: What are the challenges of foreign investment in Afghanistan and what are the solutions? The Government of Afghanistan, to overcome its challenges, must first pay special attention to structural re-

forms through law reform, political stability and economic security, the importance of private property, modeling successful countries in this field, and adopting the strategies presented in this study. To guide the country, which is in the early stages of Fundraising, in the right direction.

Keywords: Foreign Investment, Foreign Investment, Foreign Investor, Direct Investment, Secondary Investment, First Investment Country, Multinational Corporation, Indirect Investment

A Comparative Study of the Foreign Policy of Bush and Obama in Afghanistan from (2001 to now)

Seyed Mohammad Hosseini

After the terrorist attacks On September 11, the United States invaded Afghanistan to fight terrorism, establish a new world order, and eliminate the Taliban. The Bush administration's justification for this attack was to secure US national interests based on the theory of preemptive war and preemptive war based on the US national security doctrine. But despite the 14-year presence of United States, this country still faces insecurity and terrorism. Hence, the Obama administration is pursuing peace talks in Afghanistan with the Taliban. This dissertation seeks to make a comparative study of the foreign policy of Bush and Obama in Afghanistan. According to the hypothesis, the US foreign policy towards Afghanistan in the two study periods was similar in terms of foundations and goals, and different in terms of policies and circumstances.

Keywords: Foreign Policy, Terrorism, Security, National Interests, Afghanistan

Examining the commonalities and differences between Iran and Pakistan's foreign policy towards Afghanistan's security in Mr. Karzai's government

Saifullah Lal Mohammadi

This study is entitled «Study of the commonalities and differences between the foreign policy of Iran and Pakistan towards the security of Afghanistan during the rule of Mr. Karzai» (2014- 2001). It deals with the foreign policy of Iran and Pakistan in three political, economic and cultural spheres towards Afghanistan, and on the other hand seeks to develop deeper relations with neighbors, and the author aims to establish more dynamic and deeper diplomatic relations with other countries, especially Iran. In this regard, this research is organized in several chapters, which uses descriptive-analytical method in the first place to deal with the foreign policy of Iran and Pakistan towards Afghanistan during the rule of Mr. Karzai in political, economic and cultural dimensions, and in the second place to commonalities and differentiates the foreign policy of the two countries towards Afghanistan. According to the analysis of Pakistan's foreign policy towards Afghanistan in three political, security, economic and cultural spheres, we came to the conclusion

that Pakistan, unlike Iran, has diverged interests with Afghanistan in the political sphere, but in the economic and cultural spheres of both countries, they have economic influence in Afghanistan. For this reason, after the fall of the Taliban, Iran has been pursuing political and security stability in Afghanistan in its own interests, but Pakistan is seeking to destabilize political and security as well as political intervention in the country because it wants to avoid a Durand Line conflict with the Afghan government. India is foreign to Afghanistan, so the foreign policy of the two countries towards Afghanistan is economically and culturally convergent and common.

Keywords: Foreign Policy, National Interests, Defensive Realism, Aggressive Realism

Media and Presidential Elections of Afghanistan 2014 (Study of the effect on Tolo TV network in the elections)

Nematullah Akhlaqi

In the present age, the media constitute the «symbolic fabric» of our lives and play the role of «institutional accelerator» in society. Today, the role of the media in manipulating reality is not hidden from anyone. It is the media that strengthens or destroys government systems, which is why the media has been called the fourth power of the state. The media today is a double-edged sword, the use of which is very influential on public opinion. Today, one of the most important features for the development of societies is the use of media. The media play a potentially significant role in shaping perceptions and thoughts. Public opinion also has a system, and the media play a key role in shaping public opinion. Also, elections, the most important features of which are the political participation of the people, thwarting the conspiracies and threats of the enemies, which at the same time increase the authority of the system and the national security of the country and have positive regional and international consequences. The media and elections are two important issues for any system democratic system. In this dissertation, the effect of two

TV media, Tolo and Tammaddon, on the presidential elections 2014 Afghanistan has been studied by using the role of assignment, and role of researcher, approach. The result of this research shows that Tolo which is more secular try to promote freedom and democracy in western way, It has been well implemented and any issue that contradicts these two categories has been sidelined and those issues have not been addressed. On the other hand, Tamaddon was established with the aim of promoting Islam, spreading unity among the Muslims of Afghanistan, and opposing and fighting Western thought and beliefs in Afghanistan. It has tried in some and succeeded in some of them. Keywords: media, information, elections, public opinion, political participation, political propaganda

Rights governing the construction of artificial islands in the Persian Gulf with emphasis on environmental dimensions

Seyed Ruhollah Akhlaqi

The construction of artificial islands and other coastal facilities has made the Persian Gulf one of the most polluted seas in the world. In this case, irreparable damage will be done to the environment of coastal countries. Artificial islands are being built very fast by the countries of the Persian Gulf. In the construction of these islands, special attention should be paid to international rules and regulations. In this research, first the rules and regulations mentioned in international conventions are stated. Then the principles of international environmental law are discussed. In the conventions of international law of the seas, attention to the environment of the seas and the interests of other coastal countries are basic preconditions for the construction of these islands. The country of manufacture of artificial islands must provide the necessary information about the construction and characteristics of its artificial islands to other countries. Artificial island states must also abide by the basic principles of international environmental law, and in the event of a breach of the obligations of the Convention on the Law of the Sea and the

Rapmi Convention, the international responsibility of governments will be raised.

Keyword: ARTIFICIAL ISLAND, INTERNATIONAL LAW OF THE SEAS, MARINE REGIONS, PERSIAN GULF, INTERNATIONAL ENVIRONMENTAL LAW, RAPMI CONVENTION

New Muslim Brotherhood and Democracy

Ibrahim al-Rifa'i

The Muslim Brotherhood is considered to be the most influential political current in the Islamic world, and for this reason, their views have had a great influence on various political ideas and currents in the Islamic world. Democracy is also the first challenge of all political systems in the world today. Therefore, it is important to understand the Brotherhood's stance on this issue, especially in recent years, when it came to power in a number of Arab countries such as Egypt. Although the Muslim Brotherhood adheres to the rules of democracy in practice, it does not endorse the theoretical foundations of democracy. This study will focus on the role of the Muslim Brotherhood in the recent developments in Egypt, the relationship between them and democracy, and will discuss the role of the Brotherhood in the political and social developments in Egypt from a sociological perspective. In this study, three main factors are central in explaining the Brotherhood's approach to democracy. First, the Brotherhood's rationality prefers narration to reason. The second is that democracy in the Brotherhood's intellectual system is ideological and non-epistemological, and the third is the interaction of instrumental tools with democracy and its practical mechanisms

in Brotherhood ideology, which will be central to this research. The purpose of this study is to measure the relationship between democracy and Brotherhood thinking. First, by defining and explaining democracy in its scientific meaning from the perspective of Western and Islamic theorists, the concept of government and democracy in the political thought of the Brotherhood theorists has been studied. In the next stage, with a sociological approach, the relationship between the Brotherhood and the structure of political power from 1952 to 2007 would analyses and finally the political role of the new Muslim Brotherhood (Freedom and Justice Party) in the recent developments in Egypt and especially the revolution January 25 2011 would explain. Finally, it has been concluded that the Muslim Brotherhood has an ideological approach to democracy in the theoretical field and an instrumental approach in the practical field.

Keywords: Democracy, Muslim Brotherhood, New Muslim Brotherhood, Revolution January 25, Egypt.

Pakistan's role in creating insecurity in Afghanistan (1992 - 2013)

Gol Ahmad Ahmadi

Insecurity and instability in Afghanistan continue for more than three decades, various factors have contributed to this insecurity. The role of Pakistan as Afghanistan's largest neighbor in Afghanistan's developments is the most prominent. Since the independence of Pakistan, which Afghanistan has struggled to recognize, relations between the two countries have never been stable. Pakistan has always been involved in insecurity at various times. In fact, Pakistan's main goals in Afghanistan are rooted in the Afghanistan-Pakistan border conflict that has been going on for years. It dates back to 1947. In addition, in the event of insecurity in Afghanistan, Pakistan will enjoy economic and political benefits. At the time of the Soviet invasion of Afghanistan, Pakistan was receiving significant funding from the United States. With the rise of the Taliban, Pakistan gradually became a source of international terrorism, calling for a weak and protected government in Afghanistan to achieve all political and economic goals, including access to Central Asian Market of the year 2001 and the overthrow of the Taliban regime in Afghanistan, Taliban remnants continue to operate in Pakistan and Afghanistan.

What became clear to us during this research, is in line with some of the interests of Pakistan and the United States in Afghanistan, in other words, in case of insecurity in Afghanistan, each of the two countries will achieve their interests in some way. In this regard, the role and position of the United States in relation to Pakistan's intervention in Afghanistan is also revealed. Insecurity in the region, especially in Afghanistan, justifies the presence of military forces in Afghanistan and is an excuse for the United States to stay in Afghanistan for a long time to achieve not only its own interests in Afghanistan but also its own interests in the region. Meanwhile, Pakistan has always spared no effort in the insecurity of Afghanistan, regardless of the Islamic, linguistic and cultural commonalities between the two neighboring countries.

Keywords: Afghanistan, Pakistan, Insecurity, Taliban, ISI, Pakistan Interests

Minority rights in international human rights and Afghan law instruments

Abdul Wahed Faizi

The existence of ethnic, linguistic, racial, national and religious minorities with different tendencies is a reality that has existed for centuries in many countries. Consideration of the rights of these minorities as part of human rights begins only in the early twentieth century and culminates with the adoption of the Charter of the United Nations. Until the twentieth century, however, the rights of minorities were considered political issues and were within the exclusive competence of governments. Today, the right to equality with the majority, the right to a healthy environment, the right to education according to minority characteristics and, is of the rights of all minorities in international human rights instruments. In addition, each group of minorities has its own rights. Despite some limitations in the development of minority rights rules, the international and regional enforcement mechanisms that have been in place since the time of the League of Nations have undergone many changes and developments to date. Afghanistan is a country of many different ethnicities, races, languages and cultures. The political systems that ruled this country in the past, on the one hand,

were religion-oriented, and on the other hand, always supported a specific race and language, and supported the Pashtun race. For this reason, there have always been ethnic, religious and regional conflicts in this land, which naturally violated human rights and dignity; But what is considered here as the main indicators of the violation of human dignity is the systematic action of governments in violating the human rights of minorities, which has always been condemned. This study seeks to answer the basic question: What are the causes of minority rights violations in Afghanistan and what are the solutions to eliminate them? It seems that the most important areas of violation of minority rights in Afghanistan were: ethnocentrism, extremist sectarianism and linguistic prejudice of the past political systems of this land, each of which in turn has led to widespread discrimination and deprivation of minority rights whose destructive effects are still alive in Social and political individuals who belong to minorities. Accordingly, major strategies for addressing minority rights violations, political development, social justice, and human rights education have been proposed.

Keywords: Minority, International Human Rights System, Afghan Law System, Ethnicity, Political Development and Social Justice

The role of UNESCO in the development of education with emphasis on Afghanistan

Hossein Majidi

The right to education is one of the most important and fundamental human rights that is very closely related to the vital necessities of human life and is the indisputable way to achieve other rights. In order to realize and exercise the right to education, conditions are necessary that will not be able to exercise the right until it is provided. Education must be available, acceptable and also mutable. UNESCO, as the most prominent international institution in the field of education, has taken many steps to develop the right to education in the world, especially in Africa and Southwest Asia, for almost seven decades. According to its goals, UNESCO has drawn up a special policy in Afghanistan and in that direction, extensive activities in the field of education, including creating appropriate conditions for free, compulsory and quality education for all, combating any discrimination and injustice. And also coordinated and guided domestic and international organizations as well as providing scientific and technical assistance. As a result of these activities, significant development and progress in Afghanistan's education has been achieved in the last decade, which shows the effective and

undeniable role of UNESCO. In the present article, the actions, performance and activities of UNESCO in the field of education have been discussed and the role of UNESCO in the development of education in Afghanistan in various dimensions has been reviewed.

Keywords: UNESCO, Right to Education, Development, Afghanistan

Peacemaking and the rights of minorities with an emphasis on Afghanistan

Mohammad Ali Ikhlas

Peacemaking and the rights of minorities, which is the title of this study, seeks to answer the fundamental question of what is the relationship between Peacemaking and the rights of minorities? The short answer to this question is that attention to the rights of minorities has a positive role to play in peacemaking. To prove this point, peace and related concepts are first explained. Peace here does not mean the absence of war, but has a broader meaning that includes development, human rights, human security, justice, and so on. All of these are important tools for peacemaking. Therefore, in order to ensure such peace, its important tools, including the rights of minorities, must be provided. For this reason, the relationship between these concepts and peacemaking has been proven. There is also a close link between peacemaking and the rights of minorities in Afghanistan. For this reason, the historical discussion of minority rights, minority rights in the current constitution of Afghanistan, the effect of non-observance of minority rights on conflicts in Afghanistan and the positive effect of respect for minority rights in providing peace are some of the issues discussed in this study

Gender discrimination in Afghanistan; Areas and solutions to solve it

Mokhtar Hossein Heydari

Equality and non-discrimination is one of the fundamental principles of the international human rights system, according to which any discrimination between individuals on the basis of characteristics such as race, gender, color, religion and language is prohibited. One of the types of this fundamental principle is the prohibition of discrimination based on sex, to which several articles of various documents and a complete human rights document entitled (Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women) are dedicated. Afghanistan, as a member of these human rights instruments, does not have an acceptable record of gender equality, and in modern times, human rights, especially women's rights, have been severely violated. This study seeks to answer the question: What are the contexts (causes and origins) of the phenomenon of severe gender discrimination in Afghanistan and what should be done to eliminate gender discrimination? The most important areas of gender discrimination in Afghanistan seem to be: the challenges of the legal system, specific religious perceptions and the cultural legitimacy of gender discrimination. These three main areas of

gender discrimination will be explored in this study. Describing the current unfavorable situation without providing solutions to achieve the desired situation is not very useful, and therefore it is necessary to provide solutions to eliminate gender discrimination and increase gender equality. The three main strategies for eliminating gender discrimination are: a legal solution to address legal challenges, the use of reformist and egalitarian ideas in the Islamic world, and cultural efforts to eliminate the legitimacy of gender discrimination.

Keywords: Discrimination, Gender Discrimination, Afghan Legal System, Grounds for Gender Discrimination and Gender Elimination Strategies.

Shared democracy; The pattern of peaceful ethnic coexistence in the case of Afghanistan

Gholam Sakhi Ehsani

The history of socio-political developments in Afghanistan is replete with the bitter experiences of authoritarian regimes of a sectarian ethnic nature. In such a way that there was never an opportunity for the formation of a common national identity and the formation of a nation-state with a broad rule. In fact, the history of the relations between the tribes and the tribes with the government is reminiscent of the painful memories that have erased the historical memory of this land. This does not mean claiming that the nature of the structure of ethnic groups is conflicting. Rather, it seeks to open the point that the existence of these factors is prone to such tensions. For this reason, the ethnocentric ruling system has always fostered ethnic-sectarian divisions in a semi-active way and, when necessary, has used it by inciting an ethnic-sectarian group against other groups. Which eventually led to the polarization of the institution of power throughout the history of Afghanistan. In fact, this is why the phenomenon of democracy is now popular with the Afghan people. For the people, now to democracy, as the agent of demystifying the insane power of tyrannical ethnic rulers; It is

also an opportunity for the realization of popular sovereignty. But it must be borne in mind that democracy is not a general, absolute, universal, and monotonous concept; Rather, democracy is merely a way of governing; Each society can choose a type of it according to its social, ethnic structure and school values. Therefore, it is appropriate to implement this idea in the form of a model that realizes the distribution of power among the tribes; To reduce the level of dissatisfaction, which is one of the main causes of various crises. Liberal Democracy and the presidential system are now facing challenges; shared democracy (based on the distribution of power among ethnic groups based on their size, weight, and importance) is the most appropriate model of governance for Afghanistan's multi-ethnic society. But the proportional distribution of power should not be based on a fixed and permanent proportion, but should be in a state of flux in terms of population growth. Because an ethnic group that forms a relative majority at one point in time may lose it in the future. Also, a certain number of representatives should be considered in proportion to each ethnic group. Because an ethnic group, in some areas because of its minority, may never be able to run through a competitive system in parliament; Therefore, with the aim of ensuring general and inclusive participation (both ethnically and geographically) in decision-making, through that proportional fixed number, be compensated.

Keywords: Partition Democracy, Ethnic Groups, Power Sharing, Challenges of New Democracy, Critical Elements and Proportional Distribution of Power.

Convergence of Silk Road countries (Uzbekistan, Afghanistan and Tajikistan)

Gholam Sakhi Javadi

In the first discussion, the historical geography of the Silk Road countries is considered as a criterion of unity and the process of forming systems of different ethnic groups in these lands is mentioned. However, the geographical continuity, historical unity and the elites of Sakhrasan region have focused on economic and security cooperation. In the second discussion; The necessities (conditions of formation) of the convergence institution and the characteristics of its continuation have been discussed and also, the study of channels connecting to global markets, open economy, free market and attracting foreign capital in the form of convergence institution has been considered as an unavoidable necessity. In the third discussion; The factors of divergence between the countries of the region have been considered, which are: religious, ethnic, linguistic, border, water and energy conflicts (oil, gas and electricity) and ...in such cases, basic and non-violent measures should be considered at the regional level because there is no other alternative. In the fourth discussion; Convergence and comprehensive cooperation factors are considered and those factors are: political unity in history, roots of

culture and historical language of Central Asia, revival of the Silk Road or connecting roads (air, road, freight) between the countries of the region and the completion of oil and gas pipelines. Above all, water management in the region leads to an interdependence of economics. In the fifth discussion; We look at the views of regional and global powers on the revival of the Silk Road, and we see that China and the Islamic Republic of Iran want to complete the China-Iran railway through Central Asia, and Turkey agrees, and the United States supports convergence between countries in the region and only Russia reluctant because regional cooperation cuts off the Russians. In the last discussion; We enumerate the consequences of convergence (increasing effective cooperation) and see that one of the most important effects of security and economic convergence is the development and strengthening of complementary economies and ultimately the creation of interdependence between countries.

Keywords: Convergence, Cooperation, Silk Road, Divergence factors and economic and security convergence

Comparative study of the rights of the nation in the constitutions of the new Islamic Republic and Iraq

Mohsen Ebrahimi

In this study, an attempt has been made to comparatively study the issue of nation rights as one of the most prominent parts of the constitutions of different societies in the Constitution of the Islamic Republic of Iran and the Constitution of the Republic of Iraq, which have comprehensive cognitive and political similarities. It is important to note that in the future, the legislation of the two countries will be considered and used in future amendments that may be made to the constitutions. Therefore, in this study, the comprehensive political cognitive situation of both countries in the period of drafting the constitutions has been studied and its requirements and limitations have been considered; In order to have a proper and fundamental criterion for the implementation of the rights of the nation in the two constitutions, the rights derived from the Universal Declaration of Human Rights, which is one of the main declarations in legislation, have been cited and used as a basis for evaluation. As a result, after the formation of the laws of the two countries, the principles are discussed in detail. Accordingly, in the Islamic Republic of Iran, due to social requirements and the structure of legislation, the principles

of the constitution, especially the rights of the Iranian people, are restricted to Islam to become a Shariʿa that is in harmony with the ideology of Imam Khomeini's political Islam. On the contrary, the Iraqi constitution has been formed due to the existence of various ideologies in an atmosphere full of political and social pressures caused by the existence of different ethnic and religious political forces and has finally been in accordance with the maximum will of the forces. In this so Iran is fundamentally at odds with the values and concepts of universal human rights; While the rights of the nation enshrined in the Constitution of the Republic of Iraq are largely in line with the cultural and ideological diversity of liberalism and in line with the Universal Declaration of Human Rights.

Afghanistan's obligations to minorities in the international human rights system and Afghan rights

Mustafa Ehsani

The rights of minorities as part of human rights are important issues that, despite their long history, have not yet been defined uniformly and coherently. Nevertheless, with the ratification of the International Covenant on Civil and Political Rights, these governments have pledged to protect their rights while identifying the minorities in their countries. Therefore, one of the most important commitments that the Government of Afghanistan has committed to with the ratification of the International Covenant on Civil and Political Rights is the protection and recognition of the existing minorities in Afghanistan. Protecting the rights of minorities Given the demographic context of Afghanistan, which is made up of diverse ethnic groups, needs more attention from the Afghan government. However, with the formation of the new government and the adoption of the new constitution of Afghanistan, while recognizing the principle of non-discrimination and also mentioning the names of the Afghan people, it has tried to show significant support for minorities in Afghanistan compared to the previous period and significant progress in supporting Minorities have emerged in Afghani-

stan. But despite these studies, we show that despite the progress made in the constitution towards minorities in practice, we still see a lot of discrimination against the rights of minorities in Afghanistan.

Keywords: human rights, minority, principle of non-discrimination, constitution

Opportunities and Limitations of Shiite Political Participation in Contemporary Afghanistan

Mohammad Sharif Mohammadi

Shiites in Afghanistan have faced limitations and opportunities in political participation. However, the restrictions have always been heavier and therefore until 1964 have been deprived of political participation in their destiny. From the years after the 1960s, background for Shiite political participation gradually emerged and opportunities for Shiite political participation were created, although these opportunities were very few. The key question in this paper is how was the opportunities and limitations of Shiite political participation, according to the ethnic and demographic structure in Afghanistan? This dissertation tries to examine the opportunities and limitations of Shiite political participation inspired by the new institutionalist method by Williamson in the field of culture, constitution, political structure and current policies of governments in the field of executive power. Elements and components of political culture, different political structures, different constitutions and current policies of governments in the field of implementation show that the areas of culture, political structure and constitutions are independent variables and affect political participation. Political participation

as a dependent variable of the above areas is seriously affected by them. The type of governing culture, the different political structure and current policies of governments, and the different constitutions shape the opportunities and constraints of political participation. Ethnic sovereignty, fanatical and intolerant political culture, authoritarian political structure and policies of ethnic superiority, and undemocratic constitutions limit the opportunity for Shiite political participation. With the democratization of the above areas, and changes in the current policies of the agents, the opportunities for political participation increase and its limitations decrease. Proposing the institutionalization of democratic values in culture and the constitution, as well as democratic changes in the political structure; Based on the participation and distribution of power among different ethnic groups in proportion to influence, can turn restrictions into an opportunity for Shiite political participation. The dissertation has been designed and studied in five chapters in order to fulfill its mission and reach the above hypothesis and conclusion; The first chapter is the generalities and theoretical framework that discusses political participation and the institutionalist approach. The second chapter deals with the position of the Shiites in the ethnic population structure of Afghanistan, which shows the status of Shiite political participation and distance from the real position. The third chapter deals with the opportunities and limitations in the prevailing culture for Shiite political participation. Chapter 4 examines the types of political structures, the realm of power and current policies, and the opportunities and limitations of political participation. Chapter 5 deals with the constitutions of different periods and their opportu-

nities and limitations for Shiite political participation. The end of it is also dedicated to the final conclusion.

Keywords: Opportunities, Constraints, Culture, Constitution, Political Structure, Power Area, Policies, Political Participation, Shiites, Institutionalism, Contemporary Afghanistan.

Intellectual foundations and socio-political contexts of the formation of al-Qaeda

Mohammad Amin Heydari

The purpose of this study is to explain and analyze the intellectual foundations and socio-political contexts of the formation of al-Qaeda. This study, is based on the method and theory of Laclau and Mouffe discourse. Al-Qaeda in the context of political Islam discourse, is the product of jihad and the struggle against Marxist ideology in Afghanistan, and after the Persian Gulf War and presence of American soldiers in Saudi Arabia, explained its identity without any relation with West and the problems of the Islamic world. Thus, al-Qaeda was formed in the form of a discourse in otherness with Marxist and liberal discourses and crises in the Islamic world; Usually every discourse contains a set of key concepts and propositions, one of which has a central role and the other signs revolve around it and produce meaning. This discourse put jihad as the central signifier and analyse signs such as ummah, martyrdom, Islamic government, return to the original Islam, Islamic caliphate, sharia, struggle against infidels and ... in relation to this central signifier. Al-Qaeda is intellectually influenced by the discourses of radical Islamism (Wahhabism, Muslim Brotherhood, and Deobandi) in the

Sunni world. And also under the influence of socio-political conditions such as the occupation of Afghanistan by the Soviet Union, the unresolved Palestinian crisis, crises caused by the influence of Western culture, the presence of US troops in the Middle East, religious texts and historical background of Islam, authoritarian political culture and political system inefficiency and discrimination in Islamic societies and Middle Eastern countries. The signs of the ruling discourse of al-Qaeda are based on a model from the Salafism jihadist point of view, which can be summarized as follows: anti-Westernism, jihad and struggle against infidels, struggle against corrupt rulers and the formation of an Islamic caliphate.

Barriers to convergence in Persian-speaking countries

Assadullah Zaeri

The subject of this research was selected based on the assumption that there is a maximum field of convergence such as language, religion, culture and common history in Persian-speaking countries of Iran, Afghanistan and Tajikistan. With the collapse of the Soviet Union, and the independence of Tajikistan and the September 11, and in the following the establishment of a people's government in Afghanistan, the conditions were created for the convergence of the three countries. Efforts have been made so far, none of which have been fruitful, and the idea of the convergence of the three countries has not been realized. Convergence in Persian-speaking countries is faced with internal (political and economic) and external obstacles to the presence of actors beyond the regions. The lack of political development, political pluralism are the most important obstacles in this way. Regional actors such as Saudi Arabia and Pakistan are contributing to a policy of aversion to Persia due to their intense political, economic and cultural rivalries with the Islamic Republic of Iran. Russia, meanwhile, fears the influence of Tajikistan on the convergence of Persian-speaking countries and becoming role models for other countries. The role and influence of external factors in

the divergence of Persian-speaking countries is significant, but not a determining factor. Rather, the main problem in heterogeneous structures and the lack of political will is to dynamize the common infrastructure in favor of convergence. Afghanistan and Tajikistan do not have the capacity to decide and pursue convergent goals due to political instability or the inefficiency of their bureaucratic system. In this paper, while examining external and internal barriers in three countries and finally in a nutshell, solutions to overcome the barriers and achieve convergence of the three countries are presented.

Discourse of Democracy and Political Legitimacy in Post-Taliban Afghanistan

Mohammad Qayyum Erfani

The purpose of this study was to discuss the impact of democratic discourse on political legitimacy in post-Taliban Afghanistan. It was necessary to discuss the concept of democracy and political legitimacy, as well as theories of political legitimacy in Islam and the West. Therefore, this was done in the first part. In the second part, using the method of Laclau and Mouffe discourse analysis, in the framework of the theoretical discussions of the first part, comparative discussions and analysis of political discourses in Afghanistan were discussed. The political discourses of the Mujahideen and the Taliban were discussed as a basis for explaining the democratic discourse in post-Taliban Afghanistan. The discourse of the Islamic State of the Mujahideen, after the victory over the discourse of the noble communist government, was broken and disintegrated from within, and after that, the discourses of the jihadi parties emerged and engaged in armed conflict with each other. This discourse, for this reason, became embroiled in crises and issues that failed to achieve pervasive political legitimacy and always relied on spear and force. The political discourse of the Taliban, which emerged in

response to the inefficiency and invalidity of the discourse of the Mujahideen Islamic State, created new problems and crises for the majority of the Afghan people after its hegemony. The legitimacy that this discourse had gained for the Taliban political system, was not universal and national legitimacy, but it was group legitimacy, not even ethnic legitimacy. Therefore, the Taliban government was also a government based on force. The dissatisfaction of the majority of the people and the inefficiency, finally, provided the bedrock for this discourse. After September 11, the groundwork was laid for the formation and establishment of a democratic discourse in Afghanistan. This discourse, through the agents of the liberal-democratic discourse, entered Afghanistan and was accepted by the majority of the people of this country. The Bonn Agreement, which is considered to be the basis of the democratic discourse in Afghanistan, decided to establish a political and civil society in Afghanistan and the Afghan participants agreed to unite to start a peaceful life. Then, they formed another agreement according to which the majority decides on behalf of the community. Finally, an agreement was reached between the majority and the rulers elected by the majority, according to which the rulers who are employed as political rulers remain in this position only as long as they have the legitimacy to observe the conditions of a just, pluralistic and effective government. And the majority, thus, transferred political rule to an individual under a written law. As a result, in order to prove the research hypothesis, it was stated that the post-Taliban democratic discourse in Afghanistan change the basis of political legitimacy in term of philosophical legitimacy, from the theory of the divine

and religious ruler to Lockess theory of social contract and popular satisfaction and from the sociological point of view to the traditional theory. Therefore, the political system based on the consensus of the people and based on democracy in post-Taliban Afghanistan was considered the most legitimate system in the political history of this country; But this did not mean that the discourse of democracy in Afghanistan has no challenges and does not face a crisis of legitimacy. The main challenges were classified and enumerated in three categories: discourse, identity and economic challenges, and mechanisms were presented as their solutions.

Keywords Democracy, Democratic discourse, Political legitimacy, Discourse analysis, Afghanistan, Post-Taliban.

The crime of kidnapping in Iranian and Afghan law

Ibrahim Hosseini

The religion of Islam and the Declarations of Human Rights and the Constitution of Iran and Afghanistan prohibit deprivation of liberty and aggression against them. One of the crimes against the freedom of the body is kidnapping. Kidnapping is the transfer of a person from one place to another against the will of the victim, which is enshrined in Article 621 and 631 of the Islamic Penal Code and the Criminal Law of Afghanistan is also a law entitled the Law on Combating Abduction and Human Trafficking in 2008 documented and legal elements of this crime are considered. The elements of the crime of kidnapping are different from the illegal concealment, hostage-taking and detention of persons is not separated, but this crime in Afghan criminal law is provided separately in the legal provisions. In both Iranian and Afghan criminal law, kidnapping can be divided into simple kidnapping and aggravated abduction. It seems that in Iranian criminal law, articles of the former penal code, especially the law of intensifying the punishment of kidnappers, have been approved in 53, which is related to the crime of kidnapping, is not yet completely obsolete, and articles of the criminal law adopted

in Afghanistan's criminal law in 55. In addition to the anti-kidnaping law passed in 87 is still applicable to court rulings.

Keywords: Kidnapping, Abduction, Hostage-taking, Iranian criminal law, Afghanistan criminal law.

Afghan Women's Political Participation: A Comparison of the Taliban and Post-Taliban Era

Sakineh Mehrabi

Women's political participation is one of the important issues in theories of development and modernization. In 1919 when the first period of reform began in Afghanistan, the government created the conditions for women's political participation, but was opposed by traditional socio-political structures and the dominant tribal culture. In general, the dominant traditional institutions and tribal culture have excluded women from participation in society. With the Taliban dominating the country, they banned women's political participation because of their traditional and fanatical beliefs. In post-Taliban Afghanistan, the government has worked to pave the way for women's participation in society. Women's political participation has been encouraged and seen as a way to advance the whole of society. The new constitution emphasizes equality between all citizens, regardless of gender. The Ministry of Women's Affairs and the Independent Human Rights Commission have been established to monitor the situation of women; By law, some members of parliament must be elected from among women candidates. But all of this has been challenged by traditional patriarchal culture.

Radical Fundamentalism in Afghanistan, Roots and Intellectual Developments

Assadollah Ehsani

Internal crises, foreign hegemony, holy jihad, structural unrest and discourse fluctuations are the most important causes and components in the emergence and spread of Islamic fundamentalism and the growth of political Islam in Afghanistan, as a discourse and a meaningful set of related signs and identities such as dogma. Thought, intellectual rigidity, stratification and authoritarianism are considered. But radical and violent Islamic fundamentalism in Afghanistan is closely linked to tribal ethnic strife, and contrary to popular belief, hegemonic tribal discourse and the establishment of tribal ethnic monopoly in Afghanistan form their main strategy. In order to hide their main strategy and strategy in Afghanistan, the fundamentalists created a metaphorical and mythical atmosphere and took refuge in religion and religious teachings. In this way, they legitimize the authoritarian discourse based on tribal values and as «common sense». The discourse of «revivalism» in the «fundamentalist» discourse and «radical» methods, although a modern phenomenon and a new creation that has emerged in the political arena of Afghanistan, but the real content of this discourse is very old

and is a new name for the old content. The only difference between the fundamentalists and their traditional conservative predecessors is that, although traditional, they think they are modern and are interested in the technology of destruction to destroy the new civilization. Radical fundamentalism can be considered as a nostalgic view of the modern situation to its original and previous state, including the annoying abysses and the tragic and distorted form of religious modernism. And blocked the way to any kind of intellectual maturity and socio-political maturity, and by preferring violence and hostility to dialogue and rivalry, sought to subjugate all human rational life to religious power and the undisputed domination of religious. From the point of view of ethnography, fundamentalist thinking is rooted in cortical conceptions of religious teachings and religious political currents in the history of Islam. which started by Khawarij and expended by some activity and thoughts of people such as Abdul Wahab, Shah Waliullah, and was led to political radicalism by Sayyid Qutb and Maududi, and was organized into takfiri and jihadi groups. Finally, it can be said that the fundamentalists's project of achieving progress and perfection from the perspective of religious ethics is theoretically defensible. But it will not be possible with their conceptual tools and actions outside their rational logic.

Elementary jihad in Shiite political thought

Mohammad Hossein Mozaffari

Elementary jihad in Shiite political thought is the title of the present dissertation. Jihad in a special sense as a divine duty has a very high place in Shiite political jurisprudence. And has a significant share of verses and hadiths. The word jihad literally means any effort and endeavor with enduring hardships and difficulties to achieve a goal. But in the terminology of Islamic jurists and thinkers, it is to spend and give life and property and whatever is available, to fight against infidels and polytheists within the framework set by Islam. According to the verses of the Holy Quran and the holy books of Judaism and Christianity, jihad exists in all divine religions and its legislation is not specific to Islam. In general, jihad in the term of jurists is of two types: defensive jihad and primitive jihad. Defensive jihad at any time and in any situation where the realm of Islam is endangered, it is obligatory on all Muslims to defend the realm of Islam and the Islamic land. But primitive jihad is a war waged by Muslims against infidels and polytheists who have prevented the propagation of Islam and the message of monotheism to the world; That is why it is called primitive jihad or invitation jihad. According to contemporary jurists, primitive jihad had a peaceful nature, not

for hegemony, state-opening, conquest of land and imposition of belief; Rather, the promotion of the word monotheism is the elimination of oppression and corruption, the establishment of justice and security in human society. Regarding the permissibility and impermissibility of primitive jihad, different views have been expressed among Islamic jurists and thinkers: All classical and famous contemporary jurists consider it as one of the obligations of sufficiency and one of the necessities of Islam; This group of jurists also disagree on the criteria and conditions of primary jihad. And they introduce their sedition, some have prescribed the initial place against anti-Islamic countries that seek to overthrow the rule of the Islamic State. In terms of time conditions, the jurists are divided into two groups regarding the primitive jihad: the early and famous jurists of the late and contemporary jurists consider the primary jihad to be legitimate only during the presence of the Infallible (AS) and do not allow it during the absence of God. As for some contemporary jurists, they consider the primary jihad as legitimate and obligatory both during the presence of the Infallible Prophet (pbuh) and during the absence of the Almighty. And another group of contemporary jurists even deny the primitive jihad and introduce all jihad in Islam as defensive; All the above groups have argued to prove their claim by quoting verses, hadiths and other reasons. In this dissertation, after the research plan, the above issues have been discussed in two sections and ten chapters.

Critique of tradition in the thought of Mohammad Abed Jaber

Mohammad Hossein Sadeghi

Today, the decline of the Arab world and its glorious past, which is a difficult continuation of tradition and modernity, is the subject of the theories of many Muslim and Arab thinkers. Realizing the importance of this challenge and the role of tradition in the degeneration of the Islamic world today, Jaber, using the new achievements of the humanities, turned to the study of the formation of the tradition and achieved a new reading of tradition consisting of two stages: His critical reading is based on the new method. This method is a mixture of structuralist method, historical analysis, separation of ideological and epistemological elements, epistemological critique, rational intuition and localization of concepts. Jaber returned the contradictions and absence of historical independence of these discourses to reason, and considering the close connection of reason with the language and culture of any civilization, and based on the distinction between constructive and constructed reason, he considered the age of codification as the reference framework of Arabic reason which has been shaped in a historical and bilious way. He introduced this intellect as coming from the three epistemological

systems of expression, mysticism and argument, each of which is based on a different attitude and method. . Mysticism with its magical view of existence is based on the method of intuition and the argument is based on an attitude that believes only in the two main aspects of existence, namely man and nature, and is based on reason and sense in acquiring knowledge. Arabic reason has always been the crossroads of these three epistemic systems, although eventually, in the age of decline, mysticism prevailed over two rival systems. The above intellect is the foundation of the thinking of the Arab man today, and he has become entangled in the contradictions and confusions between the patterns of his own life and that of another today but the Arab Maghreb has had a different destiny and epistemology in the history of Islamic thought. After weakening and cutting off the intellect of the age of degeneration, the way to get rid of degeneration is to build a tradition based on the experience of the Arab Maghreb and to take advantage of the indigenous achievements of today's world. Jabri's project, due to its unique importance among Arab thinkers, led many thinkers to critique and study this plan

Political rationality and power building in contemporary Afghanistan

Mohammad Shafaq

The purpose of this dissertation is to analyze and explain the nature of the tribal system in Afghanistan and to examine its effects and implications for political rationality and the establishment of power relations in this country. This study, which is based on the theory and method of Mohammad Abed Al-Jaberi in the analysis of political wisdom in Islam (Arab political wisdom), the political history of contemporary Afghanistan since its emergence and establishment by Ahmad Shah Abdali (1747AD) to the present day and has covered the last political system that came to power in Afghanistan after the fall of the Taliban (the system of the Islamic Republic). Afghanistan has long been called the Museum of Tribes. In addition to the presence of numerous ethnic groups, the construction of society in Afghanistan, especially in the case of the ruling ethnic group (Pashtun), has been a tribal construction. The construction of tribes in society has given political rationality and construction of power in this country to the tribes and ethnicities. Political rationality in Afghanistan is based on tribal values and rules and the three main elements of this rationality are tribe, booty and belief.

The central and main element of this rationality is the tribe, and looting. Looting is the method of income and its economic system, and belief is the justification of looting. Thus, the political systems of Afghanistan since the twelfth century AH have all been based on tribal rationality, and the construction of power in all of them has been ethnic and tribal. In these systems, first, the division of power and distribution of positions is based on blood and tribal relations, and one tribe has dominated other tribes and clans. Second, its economy is not a productive economy, but a rent-based economy based on plunder and loot. The ruling tribe plunders the property of others instead of producing to meet its economic needs. Religion and sharia have also been used as a cover and justification for tribal policies and ethnocentric practices. Belief and Shariʿa have been used both to suppress, ethnicize and destroy other tribes, and an attempt has been made to rely on this element to loot other tribes and clans and the element of booty, giving a religious aspect and guarantee its religious legitimacy. This rationality has cast its shadow over the Afghan political space to this day and continues to exist. Although the apparent discourse prevailing in the post-Taliban atmosphere is the discourse of democracy and national unity and transcendence of tribes and ethnicities, ethnic and tribal rationality is still alive and the behavior of actors in the country's political scene is most affected by this rationality. Democracy, elections, partisanship and other tools of the democratic system and modern concepts have all become the heart of nature and have been transformed into the salt of ethnicity and tribe, and finally have taken on the color and smell of ethnicity and tribe. However, one should not deny the fact that

the position of the tribe and ethnicity has weakened to some extent in recent years and society, albeit at a slow pace, is moving towards an atmosphere free of ethnicity and tribalism. But moving in this direction is very slow and challenging, and the passage of tribal rationality still seems very difficult and many obstacles are in the way. In this article, in addition to examining tribal political rationality in the contemporary history of Afghanistan, the causes and factors of the continuation of this rationality are also briefly studied and finally, in order to overcome tribal political rationality and reach modern rationality, some solutions are presented.

Capacity building indicators of democracy in the new Afghanistan

Abdul Qawm Torabi

Afghanistan is on the path to democracy again after the Bonn conference. The establishment of modern institutions and the adoption of the constitution provided the ground for intensifying and accelerating the process of democratization of Afghanistan, but the existence of traditional institutions and traditional political culture are generally considered serious obstacles to the democratization process of Afghanistan. In the cultural field, the existence of traditional institutions such as jirgas and tribal and ethnic culture also affect the public space and hinder the growth and development of democratic institutions and consequently the cultural indicators of democracy. In the political field, despite the changes in the existing political climate after the Bonn, the political culture of Afghan society has not changed much and under the influence of traditional culture tries to present and establish a traditional model of political culture that contradicts democratic political indicators and democratic process. The results show that the growth of democracy indicators in Afghanistan is not a project and is a time-consuming and multi-stage process. In the first step, increasing the level of literacy

and public education and showing the tangible benefits of democratic elements to the people of Afghanistan, making them disillusioned with traditional cultural and political indicators, provides the ground for the growth of democratic indicators.

Keywords: Democracy, Political Indicators, Cultural Indicators, Traditional Culture of Afghanistan

«THE UNITY OF THE ACTS» from the point of view of Tabatabai in the interpretation of Tafsir Al-Mizan

Noor Al-Ain BintNorman

The unity of the acts has many objective problems, features and manifestations that we need to explore in Qurʿān in order to understand them; Because the origin of the above theory in Islam should be considered Qurʿān. The profound explanation of these teachings after the Qurʿān has been done by the Infallibles (PBUH) and the family of the Prophet (PBUH) has given the deepest insights into the unity of the acts. One of the most important and fundamental issues that has been considered by Islamic thinkers for centuries is the relationship and attribution of God's actions with His very essence. In this regard, the belief in the unity of acts expresses the position and belief that the universe has only one real agent and the extension of existence and independent influence is limited to the sacred nature of the Supreme Being. There are different sayings in this regard. In the meantime, philosophers have considered it as a correct longitudinal agency through all phenomena until Tabatabai has combined between the monotheism of actions and the system of cause and effect. In this explanation, we are not talking about longitudinal causes, that is, near and unlikely causes, but we are talking

about real causes and numerical causes, and this is his basic view of monotheism of actions in his writing. In addition to the fact that the understanding of the monotheism of actions must be taken from the Qurşan itself, it is also necessary to express its understanding in a rational and argumentative way; Because there is no separation between the two. Since Tafsir al-Mizan has the power of rational and argumentative expression, this research seeks to answer that how Tabatabai expresses the mentioned issue. Hence, the special feature and advantage of this theologian's view regarding the monotheism of actions in the Qurşan is clear.

Keywords: monotheism of actions, essence of God, action of God, cause and effect.

A Critique of the Concept of Truth from Wittgenstein's Late Perspective

LiaqatAli Amiri

The subject of this treatise is «A Critique of the Concept of Truth from the Late Wittgenstein Perspective». This treatise defends the redundancy theory of truth in the late Wittgenstein. Considering the vertebrae in Wittgenstein's later works, which deal exclusively and concisely with the concept of truth, it seems that a greater reading of truth is more justifiable than other narratives. Formulation of this reading; That is to say, it is not possible to obtain a large reading of the nature of the concept of truth, not to reflect on the conditions or criteria of truth, without contemplating the cognitive implications of his later period. Hence, in this treatise, an attempt has been made to explain and read a great deal of truth in the late Wittgenstein under such concepts as language games, family resemblance, philosophy, practice, and therapist, which constitute the components of cognitive semantic ideas. The essence of Wittgenstein's argument in this period is that one cannot speak theoretically about the concept of truth. Therefore, obtaining a philosophical-metaphysical interpretation of the concept of truth does not deter us from the valley of philosophizing. According to Wittgenstein, the concept of truth is

closely related to the concept of proposition and is a subset of the meaning of proposition. Because the proposition itself has meaning, the concept of truth is not a predicate that adds anything to the meaning of the proposition in the number of other predicates. It is as if the proposition has not a meaning and the truth makes the proposition meaningful. Truth is a matter within a proposition, and is therefore superfluous. The meaning of truth in everyday applications and in different language games by language practitioners has nothing to do with anything but expression and denial. Despite the ambiguity and redundancy of the concept of truth in the proposition, one can still speak of realism about language and the normality of the use of words in different contexts. Excessive reading of the concept of truth is not without its drawbacks. In these problems, an attempt is made to emphasize the importance and function of the concept of truth in language and not to eliminate it.

A fair trial in the Iraqi Supreme Criminal Court

Asad Kaabi

In this dissertation has been described fair trial in three sections. In the first part, in two chapters, the concept and background of fair trial at the international and national levels in Iraq are examined, and the history of special courts in Iraq and the stages of formation of the Iraqi Supreme Criminal Court are also examined. Then, in the second part, the issue of guaranteeing the institutional criteria of a fair trial in the Supreme Court is discussed in three chapters. In the first chapter, the concept and sources of legitimacy of the Supreme Court and the necessity of establishing this court are presented. In the second chapter, the jurisdiction and sources of jurisdiction of the Supreme Court are examined, and at the beginning of the third chapter, the concept and sources of the principle of independence and impartiality of the judge and the court in international documents are examined, then the sources of this principle are discussed. The third section also includes three chapters, the first of which presents the concepts and sources of the substantive principles of fair trial in international instruments and the sources of these principles in the Statute of the Supreme Court. Chapter 2 covers the concepts and sources of the formal principles of fair trial in international in-

struments and the sources of these principles in the Statute of the Supreme Court. In the third chapter, while referring to the concepts and sources of the rights of the suspects and different stages of the trial in international law, the sources of these principles are also examined in the statute of the Supreme Court. Among the most important international sources cited and compared by the Supreme Court are: The Universal Declaration of Human Rights. December 10 1948, European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms November 4 1950 and the International Covenant on Civil and Political Rights ratified December 16 1966. It is worth mentioning that while examining the contents, the most important reasons of the protesters have been examined in the Supreme Court and its jurisdiction. Finally, the author's conclusion from the issues raised is presented; The Statute of the Iraqi Supreme Criminal Court is annexed in English.

Wisdom and faith from the point of view of Morteza Motahari and Alvin Plantinga

Aladdin Malekof

One of the important discussions in religious epistemology and philosophy of religion is reason and faith. There are various ways to justify faith in God, which is the most prominent example of religious belief. In this dissertation, we have analyzed the relationship between reason and faith in the application of the ideas of Motahari and Plantinga. In this dissertation, after the general section, we have first examined the relationship between reason and faith from the perspective of Motahhari, and then examined the truth of reason and faith. «Reason» in the view of Motahari is the force of evidence of external reality which recognize the truth from error, and distinguishing the right from falsehood. Motahari also considers faith to be composed of four elements of: knowledge, heartfelt acknowledgment, commitment and action. In the sense that the first element, which is knowledge, is the premise and condition of faith. And he considers the second element as part of faith. and commitment is also considered a component of faith. Finally, the fourth element, which is action, is considered as the works and accessories of faith. The whole point of Motahari's point of view about faith is that at

first person acquires knowledge about the object of faith and then he acknowledged. Then this acknowledgment is transferred to the heart and a kind of fascination is obtained in the heart towards it and as a result it is accepted and causes calmness and confidence of the heart and this in itself, leads to surrender, which is also an obligation. Leads and consequently leads to action. About Motahari's point of view, we have come to the conclusion that Motahari respects both the position and the place and considers the intellect as the discoverer of religious beliefs. In Motahari's thought, the criterion for the validity and invalidity of a belief is reason, and therefore a system of beliefs based on reason can be obtained by using the methods of correct logical reasoning and can prove a system of religious beliefs in a way that is acceptable to all. Finally, we have come to the conclusion that Motahari does not fall under the umbrella of any of the three groups of the link between reason and faith, that is, maximum rationalism, faith and critical rationalism. But according to the principles of Motahari and the search that I have done my best in his works, he can be considered a clear example of moderate rationalism. In the Plantinga section, we bring the three theories of traditional fundamentalism, symmetry, and classical conscientiousness, and mention Plantinga's critique of them. Then I have examined the affirmative side and its main basis, namely the modified mysticism in the form of rationality, justification and guarantee, and I have examined the basis of the belief in the existence of God in his theory. Modified epistemology is the title of an emerging school in the field of contemporary religious epistemology and in the field of rational religious belief, which, despite its relatively short life, has been

able to compete with other trends in religious epistemology. In the light of this view, Plantinga provides a comprehensive and complex picture of the syntax of justifying beliefs. Modified epistemology is based on the traditional criterion of distinguishing between basic and non-basic beliefs and states that there is no need for us to consider only the first propositions and sensations as basic. As a result, modified epistemology believes that belief in God is a really basic belief. In order to compare Plantinga's view with the three well-known approaches mentioned above, he can not be included in any of them. It goes without saying that Plantinga himself acknowledges this in his various works. At the same time, most thinkers, when talking about a reformed epistemology, equate their views with Fideism. By examining Plantinga's works, I came to the conclusion that he could not be called a believer in the literal sense of the word. For the most important difference between Plantinga's view and that of Fideism is the possibility of violating the rationality of religious belief through the arguments and arguments that accepted in the modified epistemology. Finally, I have presented and studied the theory of nature as a solution and suggestion and a common point between the views of Professor Motahari and Plantinga. Because the theory of nature, including insight and tendency, is distinguished by special human characteristics in human nature and creation. Both Motahari and Plantinga have contributed greatly to the reopening of many problems of theology by philosophizing and theorizing them. Also, the fundamental role and organization of this theory in the thinking of both can be seen.

The Role of National Human Rights Institutions in Promoting and Protecting Human Rights with Emphasis on the Afghan Human Rights Commission

Alireza Rouhani

The National Human Rights Institution is an institution established by governments on the basis of the Constitution or ordinary laws in order to promote and protect human rights through well-defined mechanisms. Establishment and strengthening of national human rights institutions within countries are one of the most important and effective strategies for institutionalizing human rights standards and the connecting point of domestic and international mechanisms in the field of human rights. This dissertation aims to explain the importance and necessity of establishing and strengthening the national human rights institution within countries, especially in countries without regional human rights institutions and mechanisms, recognizing the principles and criteria that should be considered in the formation of such institutions, identifying effective elements in their efficiency and familiarity with the Afghan Independent Human Rights Commission. This research is organized in an introduction, two sections and four chapters. In the first part, the most important

institutions and mechanisms of the world and regional human rights, and the nature of the National Human Rights Institution are discussed. And in the second part, the necessity of the National Human Rights Institute in Afghanistan, the history of human rights in Afghanistan, the duties, role and function of the Afghan Independent Human Rights Commission, including drafting and approving the new constitution, improving the rights of children, women, planning and advancing «The transitional justice process» has been studied in detail and the effective role of the Commission in these areas has been explained. Considering the role and function of this commission, it has been concluded that: National human rights institutions play a role in promoting the development and protection of human rights and the localization and institutionalization of human rights values within countries, especially in regions that lack human rights regional arrangement.

Happiness from the point of view of Mohammad Ghazali and Khajeh Nasir al-Din Tusi

Ziagol Rezaei

In this research, happiness has been analyzed from the perspective of Khajeh Nasir al-Din Tusi and Abu Hamed Mohammad Ghazali. Among the theories and theories that have been expressed about happiness, the views of Khajeh Nasir and Ghazali are among the best theories. Because it has been designed and adjusted according to the material and spiritual needs of human beings. But those who have considered man to be a purely material being and have ignored his spiritual and spiritual dimension, have deprived him of eternal and lasting happiness and have degraded him to the limit. And those who have summed up the happiness and well-being of man only in the spiritual aspect, have not been able to provide a complete and useful plan for his life in this world. Only a school can respond to the human spirit of happiness that provides instructions and solutions that are comprehensive of his needs. The moral system of Khajeh Nasir and Ghazali, which is based on reason and revelation, has this feature. According to Ghazali, happiness is everything in the pleasure that is appropriate to his nature, and it is a happy being that reaches the quality that is appropriate to his nature. But the qual-

ity of man is in the knowledge of God and this is the privilege of man. In this case, nothing but the observation of God is happiness. He knows the way to reach this knowledge in science and practice. He means knowledge, knowledge of God, angels, messengers and heavenly books that must be obtained through discovery and intuition of the heart. This science does not include superficial knowledge. He also means obedience to God, which is achieved through virtue, that is, the acquisition of virtue and the avoidance of moral vice. Khajeh Nasir also considers the attainment of happiness to depend on knowledge and action. Knowledge that comes from the power of theoretical wisdom, from which faith springs. If the action is achieved by adjusting the powers of the soul under the leadership of the powers of reason, Moral justice and virtue will have formed. And when human interaction with society is based on cooperation and fairness, social justice arises. happy human being is who has these two characteristics.

Wisdom and intellectual knowledge according to Ibn Sina

Abu Dharr Dishkaya

In this article, focusing on the question of what is intellect and its role in obtaining intellectual knowledge, how and to what extent, intellect and rational knowledge have been studied from Ibn Sina's point of view. Since in order to explain Ibn Sina's intellectual foundations on reason and intellectual knowledge, it was necessary to mention the history of the debate; Therefore, in the first chapter, the history and process of the evolution of reason and intellectual knowledge from Plato to Farabi are discussed. In the second chapter, the intellect is considered from the point of view of ontology and epistemology according to Ibn Sina, and the third chapter is dedicated to rational knowledge. In this treatise, reason has been considered as one of the powers of the rational soul and rational knowledge has been studied and analyzed in the face of experience. Finally, in the fourth chapter, as a conclusion, Ibn Sina's theory of rational knowledge is reviewed. Thus, an attempt has been made to answer fundamental questions regarding reason and intellectual knowledge by examining and analyzing these two inseparable issues from Ibn Sina's point of view.

Keywords: intellect, rational knowledge, perception of generalities, active intellect, general forms.

Definitions and paradoxes of Omnipotence

Waqif Qoliof

The subject of divine attributes is one of the topics that has attracted theologians and philosophers. Every theologian and philosopher has addressed this issue in some way. In Islamic theological books this issue is of special importance after proving the existence of God. This issue has a special place among Western philosophers. Some of these people derive their beliefs based on their observations in the outside world, and others adjust the outside world based on their beliefs. In this dissertation, we have tried to define and study the adjective «Omnipotence» and the paradoxes in this adjective. In the definition of «Omnipotence» we come across two types of definitions. 1. Ability to do anything 2. Ability to do anything possible. We have elaborated on the theories of classical and contemporary philosophers in defining Omnipotence and solving its paradoxes. Like the stone paradox: « Can God create a stone that he himself cannot lift, or can he not create such a stone?», and the paradox of morality or sin that «does God always do good and can not do sin, or can do?». Positive and negative responses to each of these paradoxes have troubled philosophers. We devoted the third chapter to the theories of Islamic philosophers and theologi-

ans, and at the end, with the help of God Almighty, we presented the theory of truth based on «there is no existence in the existence of God.»

The effect of the International Court of Justice's advisory opinion on the case of the barrier to humanitarian rights

Basel Baqoleh

The advisory opinion of the International Court of Justice has an important impact on issues of humanitarian law in theory and practice, as far as, after the advisory opinion of the Court, much attention has been paid to such issues as respect for and guarantee of respect for humanitarian rights or the relationship between human right and humanitarian rights are done. The complexity of humanitarian issues lies in the composition of this opinion, because it requires the juxtaposition of important and conventional principles, such as the right to self-determination, the prohibition of the acquisition of land by force, and the obligations of the occupying power, such as the ban on the transfer of citizens of employment power to the occupied territories and the ban on expulsion of residents of the occupied territories from these lands ... are of interest. Therefore, several issues related to this verdict are important and can be raised: in the first stage, determining the jurisdiction of the Court to issue a consultative verdict, examining the points mentioned by the Court, such as the unity and evolution of convention on Human Rights, and the

customary provisions of these conventions, respect and guarantee of respect for humanitarian rights, the obligations of the occupying power in the occupied territories, and finally the legal effects of human rights violations. This article discusses the above and other issues as much as possible, and what this research will bring to our attention is the impact of the International Court of Justice's advisory opinion that has often been on the interpretation of humanitarian issues, although the court has not made much of a difference on humanitarian issues, but the importance of this vote is in preventing the occupying powers from abusing the appearance of the text of the Geneva Conventions, especially the Fourth Geneva Convention, 1949, provides the most important explanations of its history. In this case we see that the Court paying too much attention to the Fourth Geneva Convention. 1949, and provides a detailed explanation of the article 1,2 and 3. Prior to the deliberations of the Occupying Power, Israel interpreted the provisions of the Humanitarian Conventions, in particular the Fourth Geneva Conventions, at its own discretion, but the Court concluded in this opinion and provided an interpretation. A detailed and documented article of these conventions refuted Israel's claims. Therefore, consideration of the Court's advisory opinion on the case of the Israeli West Bank barrier is very important to understand the impact of this opinion on the course of humanitarian rights, which can be an important turning point in understanding and explaining humanitarian rights, especially the Fourth Geneva Convention.

Genealogy of Shiite political culture

Mohammadamir Naseri

The present study is written on the origin and development of Shiite political rationality and is based on Spinoza's theory and uses psychological studies (Sigmund Freud and Carl Gustav Jung) (and Dobress project) and then welcomes the collective imagination with them. To examine the initial ideas that led to the birth of the Shiites, he uses the Foucault school of genealogy and goes to the Arabian Peninsula, which is the first Shiite ideas in the religious layers of pre-Islamic history of South Saudi Arabia and Hanafa and later the Prophet. As the period of Saqifa and the Sheikh's era arrives, due to the return of Quraysh political realism to the religious scene of the religious-oriented idealist faction, the oppositional front or the Shiites of Medina's elite is the result of this stage. Temporary and political record due to the great conquests in Iran and Levant and Egypt, infinite wealth reached the Muslims and their territory has multiplied and other nations have joined the Muslim Arabs and large cities of 100,000 people such as Kufa and the emergence of this social development. Causes new demands It becomes political and inevitably follows the crisis, this time the Shiite movement arises from the center of big cities such as Kufa, Basra, Egypt, Mecca

and ... and seizes the leader of the uprising. The caliph of the time was assassinated by the revolutionaries in his hometown of Medina. In the midst of the caliphate, Imam Ali (as) was left to grieve over his extreme reluctance. The wars of Jaml, Safin and Nahrawan are coming. political and social reformations done by him, and make the poor people of Arabs and Persians hopeful, broad presence of of Yemeni tribes and Persians and also Iraqss nationalism lead to a large group of Shiite in Iraq. Finally, Ali peace be upon him, explains the sociological sociology of the movement in the Shiite city of Kufa as a result of the development of the empire, and expresses the position of the southern Arabs and Iranians as well as the interaction of their ideas and beliefs with religious components.

Personal situation of Shiites in Afghanistan based on marriage and divorce

Abdullah Shafaei

Permission to observe the personal status of Shiites based on Shiite jurisprudence is a new phenomenon in the Afghan legal system. The present study seeks scientific and legal approaches to institutionalize and implement Article 131 of the new Afghan Constitution. At first glance, the separation of Shiites' personal status from Afghanistan's civil law may seem unjustifiable, but by studying the past and present's situation of Afghanistan's Shiites, we find out that such a separation in the context of the government framework of tolerance with followers of other religions with the religious rulings of their own, can be interpreted. This legal pluralism is based on both religious beliefs and human thoughts. From the point of view of comparative law, the independence of Shiites in personal terms and the subsequent entry of rich Shiite jurisprudence into the scene will add to the scientific richness of Afghan law. This fact is quite tangible in family law, especially in the topic of marriage and divorce rule of civil law. The use of the fatwas of enlightened open-minded jurists who consider the element of time and place in deriving jurisprudential rulings is necessary for the successful implementation of

the Shiites Personal Status Law. The Shiites Personal Status Law of Afghanistan - in addition to historical and cultural commonalities, is counted as a new link between the legal systems of the two country of Iran Which is based on Imami jurisprudence and Afghanistan, which is based on Hanafi jurisprudence.

Child rights in Afghanistan based on the legal status of working children from the perspective of international instruments

Danesh abd-oul aziz

Children in general and working child in particular, as vulnerable groups - especially in underdeveloped countries - are always exposed to all kinds of physical, psychological, moral and emotional harms, dangers and threats. Protecting children from these dangers and respecting their essential rights to ensure health, safety and welfare of them and the next generation of society is an issue that is unquestionably necessary. In this regard, international organizations and institutions such as the United Nations and the International Labor Organization have adopted important documents, minimum rules and standards in support of this group of conventions. Nowadays, the children's rights is one of the most prominent examples of human rights and its observance is accepted by all human societies and the vast majority of countries have joined the 1989 Convention on the Rights of the Child and have declared their commitment to observe its principles. Afghanistan is one of the countries that has joined to the Convention and its two Additional Protocols and is committed to complying with them. Unfortunately, children in Af-

Afghanistan enjoy the minimum rights and standards set out in the Convention on the Rights of the Child and other international instruments on the rights of the child and the treaties and ratifications of the International Labor Organization, and working children in particular are in a very difficult situation. In this way, human rights are violated for almost half of the population of the country who are in dire need of these protections due to their childhood. These children are usually employed in hazardous, torturous and low-wage jobs with long hours. Works that are typically harmful to the physical, mental and moral health of children and leads to their deprivation of the basic rights of the child and the protection that is necessary for childhood. Recognizing that the observance of the rights of the child requires comprehensive political, social and cultural development, and especially poverty alleviation of society, but there is no doubt in the essential role of a favorable legal order that prioritizes the best interests of children. To improve the situation of children's rights in Afghanistan, there is an urgent need for comprehensive changes not only in the legal system but also in the political, economic, social and cultural dimensions. And all institutions, such as families, the government, national and international organizations, are responsible for ensuring that the children of this country enjoy their minimum rights in accordance with the principles set out in international instruments on the rights of the child, in particular the 1989 Convention on the Rights of the Child.

Afghanistan and the right to development

MohammadSadeqh Dehghan

There is a belief in international human rights that underdeveloped and developing countries should have a right called the «right to development» because it is a fundamental human right. This right is explicitly recognized in international documents but has not been well explained in scientific research. We know that following of development strategies in human society depends on the provision of peace in society, certainly, there is no way to develop where there is war. In the meantime, after three decades of war and unrest, Afghanistan has been deprived of all the basic and natural rights and economic and social infrastructure of an ordinary society. The solution to getaway from the whirlwind of unstable social, political, economic and security conditions is to pursue development strategies that, according to all international instruments on the right to development, are a right of the people of Afghanistan who are just beginning the road to reconstruction. The main question of the research is what are the strategies of modern Afghanistan to achieve sustainable development? Accordingly, in the first part of this study, entitled «Human Rights and the Right to Development», we learn about the concept and types of development, background, defini-

tion, theme and sources of the right to development and the place of the right to development in international documents and international institutions. In the second part of the study entitled «Right to Development in Afghanistan» after examining the structure of development in the former Afghanistan, along with enumerating good governance strategies, social development strategies and economic development strategies, the role of international cooperation in Afghanistan development and the position of foreign aid in the development process, explain. The pathology of development in Afghanistan also opens the way for Afghan policymakers and other researchers in this field to take further steps to improve the development process in this land.

Afghanistan and human rights

Mohammadzaki Ehsani

Since in today's modern world, human rights are one of the hallmarks of civilization, progress and development of countries, special attention to this issue in Afghanistan is a basic necessity. On the other hand, any action to protect, promote and develop human rights is a subset of a full understanding of the past and present situation in Afghanistan, which unfortunately has not been the subject of such research so far. This dissertation on Afghanistan and human rights is an attempt to examine the human rights situation in Afghanistan, which it is organized in two parts. The first part, after stating the preparatory and introductory topics, is dedicated to the background of human rights in Afghanistan and international human rights treaties and Afghanistan. The second part, after examining the situation of the rights of children, women and minorities as the most deprived and oppressed sections of society who have suffered from double human rights violations, describes the challenges and strategies for the development of human rights in Afghanistan. The issues raised show that the human rights situation in Afghanistan, despite the fact that it has signed and ratified many international human rights treaties and conventions, has been very unfortunate and still faces many chal-

lenges. The elected government, in accordance with the Constitution of the Islamic Republic of Afghanistan and international human rights treaties, has a national and international duty to identify the challenges and obstacles to the development of human rights and the strategies discussed in this study to revive and develop human rights.

The Relationship between Globalization and Regional Business Arrangements: A Case Study of the Economic Cooperation Organization (ECO)

Seyed Isaac Alavi

Globalization as a process of convergence and integration of world countries in the form of information technology expansion, global capital mobility, unprecedented growth of trade, challenges the countries of the world, especially third world countries, including ECO member countries. On the one hand, ECO member countries, like other countries in the world, are working, planning and policy-making to benefit more from integration and deepening integration in the international economy, and on the other hand, due to some cultural, civilizational and geographical commonalities, in order to gain a foothold in international economic and trade relations, to stand up to the harmful effects, and to use the positive achievements of the unstoppable wave of globalization, to form and deepen regional alliances with the aim of expanding economic ties and facilitating exchanges and trade strives to reduce or eliminate tariff barriers. This dissertation examines the relationship between these two processes: economic convergence of ECO member countries and the global economy, and the formation of ECO regional

trade arrangement. In order to evaluate and identify the type of link between globalization and regionalism, the effect of the formation of the Economic Cooperation Organization (ECO) on the creation or diversion of intra-regional and intra-regional trade has been used as a manifestation of the type of this link. For this purpose, the gravity model of trade has been generalized by including two virtual variables. The specified model has been tested to prove or disprove the research hypothesis using the panel data technique. The results of the estimated coefficients are in line with theoretical expectations and the research hypothesis that «the two processes of regionalization and globalization are in accordance and complementary in the business area of the Economic Cooperation Organization (ECO)» has been confirmed.

Examining the International Responsibility of the Soviet Union for the Use of Force against Afghanistan

Seyed Mohammad Alami

International responsibility of the Soviet Union for the use of force against Afghanistan is one of the topics that has not yet been discussed in detail. This study tries to look at the issue from a legal point of view try to reject and prove it, by reviewing the events and stating the reasons for the presence of the Red Army in Afghanistan, the reasons for the Soviet Union for the legitimacy of its military intervention in Afghanistan, and international responsibility for illegal use of force. In the following, the criminal and legal liability resulting from the action of this country has been determined and the effects of creating liability have been enumerated. In the discussion of criminal liability, separately, liability for violation of the principle of prohibition of the use of force, the principle of prohibition of intervention and prohibition of aggression in accordance with the rules and regulations of international law and criminal liability for violation of the rules and regulations to be observed during war and Humanitarian rights have been examined. Regarding legal liability, while proving the issue, compensation has been proposed as an ef-

fect of legal liability, and the damages, both material and moral, the manner of claiming and the forms of compensation have been studied. Another issue that has been discussed because of its importance is the effect of the passage of time on the issue. The years since the withdrawal of the Red Army from Afghanistan raises the question of whether, after this period, it is possible to raise the issue and claim damages. In this study, due to international practice, as well as the situation in Afghanistan, the passage of time was considered ineffective. Finally, considering that the country has lost its political life due to the collapse of the Soviet Union, it is discussed that the international practice and the performance of Russia and the independent republics show that the government of the Islamic Republic of Afghanistan can seek redress from Russia as a successor to the Soviet Union.

Comparison of Western Equality Feminism Thought with Equality Thought of Iranian Women's Movement

Moshtagh alholve

The subject of this research is the comparison of the idea of Western egalitarian feminism with the idea of equality of the Iranian women's movement. The main question of the research is: What are the similarities and differences between the idea of Western egalitarian feminism and the idea of equality of the Iranian women's movement? In order to answer this question, the following hypothesis was presented: The similarity of the idea of Western egalitarian feminism with the idea of equality of the Iranian women's movement is in demanding equal legal and social status with men and their differences in explaining the cause of legal and social inferiority of women and ways to achieve equality are suggested. The selective definition of egalitarian feminism is «the belief in the need for equal rights, opportunities, facilities and social status of men and women and efforts to eliminate sexual hegemony (patriarchy) and end oppression, discrimination and violence against women.» After examining the formation and growth trends of these two socio-intellectual currents and comparing them in different dimensions (ex-

plaining the problem, demands and proposed solutions to move from the unfavorable situation and reach the desired situation), we came to the conclusion that the research hypothesis arrives. Of course, it should be noted that these differences are not substantive differences, but are of the degree of emphasis and their focus. And it was stated that the reason for this great similarity is the different mental and objective commonalities that have arisen today between Iran and the West, and the differences are influenced by some intellectual roots and indigenous conditions.